

طریق تعلیم یان نحو باشد که اول طفل را بجهت
 پندرسد. میزند. قرآن خواندن و پس از خواندن
 قرآن مجید باصحت و درستی خواندن و نوشتن فارسی
 و حساب و جغرافی باو آموخته از آن بعد هر کس
 بهر فن مایل است از صنعت و حرفت مثل زراعت
 فلاحت پارچه بافی طبابت قالبچه سازی و آهنگری مهندسی
 معماری نجاری کسالت کنی و سایر صنایع یا علم فقه و
 اصول و ادبیت و منطق و حکمت و کلام و شعر و
 خطابه و غیره یا نوکری دولت را اگر نخواهد بکند
 در هر اداره بخواهد مستخدم شود تحصیل علم آن
 اداره را بنماید و تمام آنها روزانه یک ساعت را مشق
 سر بازی نمایند که هم طریق مشق را یادگیرند و هم
 ضمناً ورزش کرده باشند تا مزاجشان سالم ماند

لاورستان

از جمله وقایع تازه که در لاورستان اتفاق افتاده
 آنست که محمد جعفر خان ولد حاجی میرزا حسن
 خان ابن قاسم خان لاری بر هموی خود حاجی علی
 قلی خان حاکم لاورستان یافتی شده قلعه (فداح) که دو منزلی
 لاور است قبضه تصرف خود آورده متحصن گردید و
 چند نفر از بیماران بیکار با او ملحق شده در خیال
 راه زنی و شرارت بود چون حاجی علی قلی خان با
 خبر گردید برادر زاده دیگر خود محمد حسن خان
 ابن فضل الله خان شکوه نظام را با همی قنکچی
 بتأدیب و سرکوبی او فرستاده پس از زد و خورد
 مختصر و تصرف دو سنگر محمد جعفر خان با کسان
 خود بقلعه (پرویه) که قلعه محکمی با خندق و خاک
 ویز معتبر است فرار نموده متحصن گردید - بعداً
 حاجی علی قلی خان فرزند خود میرزا حسن علی خان
 را با قنکچیسای اوزی و غیره و دو هراده توب
 سوزنی قلعه کوب و لوازم آن از توبی و غیره و از
 بستگ هم محمد قلی خان صولت الملک حاکم جهانگیره
 دو بست قنکچی به مدد محمد حسن خان فرستاد
 هنوز نتیجه آن معلوم نغده هر چه خبر رسید عرض
 خواهد نمود تمام راهها امن است قوافل با کمال
 اطمینان آمد و عد میانند کرمان و یزد و بینها هم
 لبست بسالهای قبل الحداثة ارزانی و فراوانیست اگر
 محسوسین و انبار دارهای بدین بی الحاصل بگذارند

و دزدی بندگان خدا را در انبارهای خود نبوسانده آخر
 به بیان نریزند و هزارها ابناء وطن و برادران دینی
 خودشان را از گرسنگی و بی توانی نکشند
 امیدواریم ایالت جلیله کرمان از روی سیاست و
 کاردانی که شیوه مرضیه ابعان است پیش بندی و
 جلوگیری فرموده تا رطایا که بمنزله اولاد پادشاه اند
 بجهة اغراض فاسده دشمنان عالم السابیت و اعدای
 شهرستان اسلامیت یعنی محکرمین بی دین هدف تبرعهای
 غلا و قتر و فقه و گرسنگی و تباهی نشوند -
 کرمیهای فارس و لاورستان بسبب قات باران سته
 ماضیه و شیوع مرض وبا و عدم عبور و مرور
 قوافل گرابیست مثلاً گندم خرواری چهارده تومان
 رسیده خداوند بر قرا ترم فرماید

مقاله یکی از رجال بروکس طهران

قابل توجه امرای عسکریه

جناب مؤید الاسلام - خدایت بتوفیقات سبحانی
 موفق و بتائیدات ربانی مؤید فرماید - فوایدیکه در ضمن
 نامه عسکرای و جریده مقدسه اسلامی شامل حال
 هواخواهان ملت و خدمتگزاران دولت علیه ایران
 میشود اگر بخواهم بساط شرح و جهات طرح آرا
 برض مقدست رسانم رشته سخن بطول و بچندین
 هزار بیان آنچه شایسته است تکمیل نتوان کرد
 گر نبودی خلق محبوب و کتیب
 در نبودی خلق ما تک و ضعیف
 در مدیحت داد معنی داد می
 غیر این منطق ای بحکاشادی
 زیرا هر هفته که مره از حراید محترمه شرف
 وصول یافته اکثر مردمان بهوش بهوش آمده و نکات
 مندرجه جبل اللین را که جبل متین و حصن حصین
 است چون حلقه بگوش بلکه حلقه بگوش وطن خواهان
 و معارف پژوهان شده اند
 امروز با یکی از دوستان در محفل که بقرائت
 نامه نامی نمره ۲۴ مشغول بودیم مذاکره بود که عجب
 شوری از آثار قلم و نتایج وطن خواهی وهم جبل اللین
 در سر وطن پرستان اقتصاد است - گاهی در ضمن
 ترقیبات جدیده ژاپون و گسی به تفکرات و حال اندیشی

از آنجا که در پی از تمام انعام همگی از میدان خارج و متفرق شدند

تفصیل جنین و مقدمه را از صاحب منصب موزیک سؤال کردم. گویا چندی قبل که بروز ناخوشی هیضه پدار الحلافه پدید شد و هرکس از جان خود و زندگی مأیوس و ناامید اکثر اهالی شهر فراری و در بیلاقات دور و نزدیک متواری بودند

افواج ساحلو طهران بر حسب تکالیف نظامی و لازمه نوکری خودشان در قراول‌خانه و سرناز‌خانه و سایر قاطی که مأموریت داشته اسباب نظم رقابت اهالی شهر را از دست نداده بودند و این اوقات که بمحذاته مدنی است اثری از هیچگونه امراض مسری و غیره نیست اعلیحضرت شاهنشاه قدر دان چاکر نواز باعطای این مراسم عظمی احوال پرسی از هموم قشون و باین موهبت کامله اهالی نظام را منتخرف و سرافراز فرمودند

گفتم. پس در صورتیکه اهالی نظام بر حسب تکالیف نوکری خود رفتار کرده سبقت خدمت هم از آنها بظهور نه پیوسته است تا این اندازه مورد نظر مرحمتی و بمنزله فرزند عزیز دولت مخاطب کردند جز این نتوان تصور حکرد که شخصاً این شاهنشاه مهربان که در واقع پدر عزیز ما ایرانیان است قایت درجه مایل به ترقی مملکت است. منها سد سیدی از اغراض نفسی که متضمن فواید شخصی امراء عسکره است چون کوه الوند و قلعه دماوند حایل و مانع از پیشرفت نیات مقدس همپونی گردیده است

برای يك دينار منافع هزار معائب بر خود هموار و خریدار همه شکل گفتار ناشایسته از بیگانه و بیگانه می‌شوند

ایکاش این خفتگان خواب غفلت بیدار و مدموشان باده طبیعت هشیار گرفتند و با مبل و مقصود دولت و ملت خود همدست و دستی بچشمهای خواب آلوده خود کشیده با چشم غیرت و دیده عبرت انصای شرق را ملاحظه کرده تا معین شود

(حسنیت با تفاق ملاحظت جهان گرفت)

(آری با تفسلی جهان میتوان گرفت)

(باقی دارد)

محلول اشخاص خلیج نظام بودند - یا قادی و جینی پسر ایداران و خوردن جوهر از آردالان محض تحقیق بزحمت خود را داخل میان حکرم - وسط میدان جمع بکشتیری از فرطدعان افواج و صاحب منصبین و افسران نظامی اطراف يك نفر سکه سمت ریاست داشت جمع و پروانه آن شمع بودند - ولی کثرت جمعیت مانع از فهم و استنباط اصل موضوع بود در آن اثناء یکی از صاحب منصبان دسته موزیک که با من سابقه محبت و رابطه دوستی داشت رسیده - در جزء اهالی موزیک که نزدیک آن شخص و اصضای کلام ایشان خوب میشد ایستادم - اسم شخص عزیز را پرسیدم. این صاحب منصب که متجاوز از پنجاه سال است روزگار سپرده حسن خان وزیر انظلم است که امروز اول سردار دولت علیه و نایب وزارت جلیله جنگ میباشد با کمال دقت ملتفت حرکات آن شخص بودم

با احترام تمام صفحه از بطل بیرون آورده بفرانت مشغول شد دستخطی مبنی با فوق مرحمت و محنوی پمرا تب مکرمت بود که از طرف قرین الشرف ملوکانه حظرافه ملکه نسبت بمعوم قشون حاضر رکاب مبارک شرف صدور یافته

الحق جای هزاران تشکر و اقتضار است که این شاهنشاه رحمت پرور بعد از همه نوع مراسم کامله ضمناً قشون نصرت نمون را بمنزله فرزند عزیز خود خطاب فرموده اند

بعض اینک مضمون دستخط مبارک با تمام رسید یکمرتبه هموماً از دور و نزدیک ترک و تاسیخک باستعانت دستجات موزیک بصدای شجاعانه و نوای دلبرانه (زنده باد شاهنشاه - پاینده باد ایران) هم آواز و بنوی خوش و طرزی دلشکاش در نهایت شغف و شرف در راز و نیاز و مدتی با آواز بلند (شاهنشاه ساق اوشون) و (هوراء) از تمام قشون می‌شنیدم - بعد از اظهار تشکر و ادای مراسم پاس حقوق ولی نعمت کل پول مخصوصی جدید و مضرب بنیمت بختران که در يك صفحه شمال همپونی و طرف دیگر لغتان و تاریخ داشت آن صاحب منصب پادست خود را حاضر و افراد صاحب منصبان و هموم افواج یکی

بیمه نظامنامه اداره چراغ الکتریک

در شهر رشت

(از شماره ۶)

(یازدهم)

از مشترکین هرگاه بعد از کشیدن سیم و تعیین چراغ خواسته باشند چراغهای خود را صکه اول کشیده‌اند علاوه نمایند بایست تا يك اندازه قیمت سیم و مخارج آنرا بدهند تا سیم نازه جبهه ایشان کشیده شود
(دوازدهم)

بغیر از استادی که اداره تعیین نموده و میفرستد هیچکس ماذون نیست که سیم هارا کم یا زیاد نموده سیم کشی نماید چرا که احتمال خطر جبهه صاحب خانه دارد هرگاه دست کاری نمایند اداره حق آن را دارد که قوه چراغ را نداده و قیمت تعمیر را دریافت دارد صاحب منزل بکلی حق شکایت نخواهد داشت

(سیزدهم)

چنانچه چراغها نسوزد یا علقی پیدا نماید فوری بداره اطلاع دهند استاد مخصوص جبهه تعمیر فرستاده خواهد شد اجرت سیم کشی جدید و هر چه جبهه تعمیر لازم شود بعهده مشتری است

(چهاردهم)

اجرت سیم کشی و قیمت سیم و لامپان آن نسبت بکوچک و بزرگی منزل است تقریباً جراحی چهارتومان شش هزار یا زیاد تر میشود - قیمت سیم و اجرت حاضر نمودن بعد از ملاحظه استاد اداره است

(پانزدهم)

اجرت کشیدن سیم بعد از تعیین قیمت نصف آنرا اداره دریافت نموده شروع بکار میکند نصف دیگر بعد از روشن شدن چراغ دریافت خواهد گردید

(شانزدهم)

اسباب دیوار کوب و جهل چراغ و سایر جرافات و غیره هر قسم میل مشترکین بوده باشد یا خود یا نامه آن درمنازه اداره موجود است ممکن است انتخاب نمایند
(هفدهم)

ترتیب دریافت نمودن قیمت سوخت چراغ بر دو قسم است - اول مشترکینیک بطور ابونمان چراغ نخواهند جهت منازل خود قیمت ماهانه از قرار تفصیل ذیل است

§ شانزده شمی هر رفته - ماهی ۱۱ قران

§ هشت شمی هر رفته - ماهی ۸ قران

§ پنج شمی هر رفته - ماهی ۶ قران

در صورت ابونمان قیمت های فوق خواه چراغ بسوزد یا نسوزد در اواخر هر ماه وجه ابونه دریافت خواهد شد باین قسم مشترکین را هر شبی هشت ساعت قوه داده خواهد شد

دوم اشخاصیکه میل شان بر آنست که هر قدر چراغ در خانه دارند تمام یا قسمتی از آنرا بسوزانند بایست ساعتی که در اداره موجود است چنانچه میل داشته باشند خریداری و الا ممکن است اجاره نمایند جبهه آنکه سیم ها داخل ساعت شده و از طرف دیگر متصل به چراغها میشود هر قدر چراغ بسوزد ساعت کار میکند سوخت را معلوم نموده در آخر هرماه از روی آن ساعت حساب کرده قیمت سوخت دریافت میشود قیمت از قرار ذیل است

§ ۱۶ شمی هر ساعتی صد دینار

§ ۸ شمی هر ساعتی یکشاهی نیم

§ ۵ شمی هر ساعتی یکشاهی

سوی پوایکه از روی ساعت جبهه سوخت دریافت میشود علاوه بر آن خواه بسوزانند یا نسوزانند مبلغ ذیل را جبهه هر جراحی درماه بایست کارسازی دارند

جبهه چراغ ۱۶ شمی عدد ۲ قران نیم

§ هشت شمی ۲ قران

§ پنج شمی ۳۰ شاهی

شانزده و هشت و پنج شمع عبارت از هر شمی آن است که قوه روشنائی يك شمع را داشته باشد

(هیجدهم)

چنانچه ساعت خراب شود و کار نکند هر قدر در طه گذشته وجه ماهانه گرفته شده بمان قسم حساب نموده دریافت میشود

(نوزدهم)

جبهه اشخاصیکه ساعت دارند شبان روز دودمت یست و چهار ساعت قوه برق جبهه شان در سیم ها موجود است هر وقت بخواهند روشن نمایند ممکن است

(بیستم)

در دادن قیمت سوخت در آخر ماه قبض فرستاده

میشود مشترکین بایست بکلی قبض اداره را محفل نکرده
وجه سوخت را لطف فرمایند در صورتیکه وجه
ایونه تعویق شود قوه از سیمها برداشته شده چراغ
نخواهد سوخت در این صورت مشترکین بکلی حق
شکایت نخواهند داشت

(بیت ویکم)

قبولت مشترکین تمام بایست با رضای نخبه‌دار و
رئیس اداره بوده باشد هرکدام داشته باشد از درجه
اعتبار ساقط است

(بیت ودوم)

اشخاصیکه حجه نامتسا میل دارند به ماشین خانه
بروند بایست از اداره بلیت دخویه که بجای داده
میشود گرفته تسلیم قراول نموده داخل شوند چنانچه
دارای بلیت نبوده باشند قراول طاذون بیست راه بدهد
مکلی حق شکایت ندارند

(بیت وسیم)

آقایانیکه طالب چراغ هستند هرکدام بایست امضای
خود را در رپر کتیجه نموده با اداره بفرستند که باین
شروطات راضی میباشند بعد از آن از اداره استاد حجه
حاضر نمودن چراغ فرستاده خواهد شد

ترجمه از روزنامه روس

منظومه پترز بورغ

(روس و ایران)

پس از عزل آناک اعظم از منصب صدارت فصول
و آرتکلهای عهده در جراید انگلس در این خصوص
بطبع رسیده و غلبه انگلیسها و نفوذ آن دولت را در ایران
صریحاً انتشار میدادند و اظهار می نمودند که دولت
روس و آناک اعظم متحد و لارم و ملزوم یک دیگر
بود - و از عزل ایشان امید کلی بر ضعیف و عدم نفوذ
دولت روس در ایران داشتند

سد از رفتن آناک اعظم تبخالی مدت مدیدی است
گذشته و ما بخوبی می توانیم استعداده و تعیین نایب که آیا
انگلیسها بامید و مقاصد خود نایل شده اند یا خیر
نواب معظم شاهزاده عین الدوله که پس از عزل
آناک اعظم بجای ایشان منصوب و بلقب جلیل وزیر
اعظمی نایل شدند تا کنون نه اظهار عداوت بدولت

روس نهمه و نه ابراز دوستی مخصوص بدولت انگلیس
کرده اند. و این شخص محترم بعضی غیب و متمول
و دولتخواه می باشد و صریحاً اظهار نموده اند که
مادت ستهوده ایرانی کوی را شمار خود فرموده فقط
در حفظ منافع و فواید دولت متبوعه و ملت محترمه
خوبش کوشیده میجووقت و هیچ زمان صرفه و صلاح
دولت و ملت ایران را از دست نخواهد داد - و اقدامات
مفیده عهده ایشان که دادن امتیاز با بیع دول خارجه
و کوتاه نمودن دست سارقین از خزانه دواقی و صرفه
جویی دولت و ملت و تزیید استعداد و ازدیاد نفوذ
دولت در سیستان و سایر نقاطی که انگلیسها در خیال
دست اندازی و تصرف آنها بودند و غیره و غیره دولت
روس را بخود مایل و مایه عدم رضایت دولت انگلیس
شده - اکنون بواسطه این اقدامات بکلی امید انگلیس
ها قطع گردیده و اسباب تسلیت خاطر می جز اینکه
ظاهراً و شفاهاً می گویند که وزیر اعظم دوست
انگلیس و دشمن روس است ندارند - و این
اشتباه انگلیسها بواسطه این است که وزیر مختار
آنها در طهران همه وقت این طور کان می کند که
عزل آناک اعظم که پوتنیک او متحد با پوتنیک روس
و مخالف با پوتنیک انگلیس بود اسباب تغییر روابط پوتنیک
ما بین دولتین روس و ایران خواهد شد - قائل از این
است که روابط پوتنیک و اتحاد بسته پوتنیک شخص
آناک نبود و ممکن است که مراد پوتنیک و دوستی
ما بین ایران و روس پس از عزل او تغییر و تحریف
پیدا نماید زیرا روابط پوتنیک ما بین این دو دولت امر
جدیدی نیست و پوتنیک دولت روس در این مدت
مدید بر واضح و معین است - که دولت روس در این
مدت مخواست و مایل نبود که قطعه از ممالک ایران را
تصرف نماید و برخلاف همیشه مقصود اصلی دولت
مشارالیه استقلال و ترقی دولت ایران بود و میخواستند
از همه حیث دولت ایران ترقی کرده پیشرفت کامل
حاصل نماید چه دولت ایران که دوست دولت روس
میباشد اگر مستقل و متمول باشد برای دولت روس
بیشتر و بهتر مفید است نسبت به اینکه دست و زبون
شود و در تحت نفوذ پوتنیک و تجارتی انگلیسها باشد
این پوتنیک مقتضی تاریخ است و بسته بحسن رفتار

آید میتوان گفت. شاهزاده صدر اعظم در عرض این مدت کمترین تازم با آن بجهت بهر اجراء خیالات شان همراهی و مساعدت نموده و بر نفوذ آندولت افزوده ؟ همه کس میدانند هیچیک از مراتب مزبوره واقع نشده ابداً امتیازی بکسی نداده و آنرا قاناً از نفوذ اجانب گاست و بر قدرت دولت علیه افزوده و دست و پای بیگانگان را جمع نموده حتی در بانک استراضی مأمور مخصوص گاشته تا در اموال مرهونه بدقت تحقیقات لازمه بعمل آورند ولی روزنامه نگار چیزها نگاشته که قابل برده پوشی نیست یعنی خدمات این وزیر کامل التدبیر را بدین و دولت چنانکه تمجید میکنند از مسیو دلکسی و مستر بلنور و دیگر وزراء دول بدون قصد و غرض شخصی یا خیال انتقام و عداوت زیرا که طاعت طامه اهل عالم بر این جاری شده که بر طبق حکم عقل خوب و نیک را ستایش کنند و بد و فحش را نکوهش قائل هر که باشد و در هر کجا باشد و اگر يك دو نفر روزی چند نظر بافرمان شخصی یا سیاسی برده پوشی میکنند بزودی حقیقت امر از پس پرده استشار ظاهر شود و جهره خوب یا بد خود را باطل عالم نشان دهد اگر روزی چند عمر برین فرانس از بیژمارك را مذمت کنند بالاخره تا چلوند از بیان حقیقت واقع و هرگاه نویسندگان روس از ژاپونیان بدگونی نمایند آخر الامر بی شبه خود بر اصل مطلب مقر و معترف شوند چنانکه روزنامه (توریویا) در خصوص حرب حاضر چنین مینویسد

چه کرده اند ژاپونیان تا امروز ؟ که اهل عالم جیباً از انتصارات و فتوحات آنها قرین دهنت و تسجب اند بطوریکه اعصاب سیاست هم میرا مضطرب و پریشان نموده است. گویا تا بیون اعظم از قبر سر بر آورده و بجبهت غارت اروپا لشکر کشیده یا آنکه اسکندر کبیر یونانی از عالم اموات ظاهر شده و فتح بلاد و خرابی مهاک را قوه جنگی میا نموده و جنگهای ژاپونیان و غزواتشان نقل هر مجلس و شمع هر محفل گشته مگر نه عالم سیاست امروزه و حیران احوال (کوروی) و (اوکو) شده اند و آنرا صاحب مهارت و خیرت نامه در فنون حرب میدانند - مقصود از طول کلام آنستکه خوب و بدی هرگز مستور نماند و باطل صاحب حق نگردد و هر کس

وسلوکوز را ایران نیست بطوریکه انگلیسها گن میکنند زیرا که اساس و بنیان آن برای صرفه جوتی است که بمصداق تسلی موافق دلخواه اعلی حضرتین امپراطور روسی و شاهنشاه ایران محکم است اهالی روس از اتابك اعظم کمال تشکر را دارند که بیطرفی دولت روس را بخوبی حفظت بود و اقدامات حسنه در تسهیل روابط تجارتی کرد و رشته مودت و وداد را قیام بین دولتین پیش از پیش محکم و برقرار نموده بود و این اشتباه بزرگی است که انگلیسها نموده اند که دولت روس برای خوش آمد و رضایت خاطر اتابك اعظم پس از عزل او هر کس بمقام وی قائم باشد دشمن می دارند و لواشکه برای صرفه دولت متبوعه خود بعضی اقدامات لازمه نمیده نباید بدیهی است شخصی که پس از اتابك اعظم باین منصب جلیل نایل گردید و اقدامات لازمه برای صرفه و صلاح دولت متبوعه خود نمود و بمقتضای پوتنیک دولت روس که مفید بحال استقلال و ترقی دولت ایران است رفتار مسکود همان طور جذب قلوب از روسیه خواهد نمود که قبل از او معظم له نموده بود

حبل المتین

الفصل ما شهدت به الاعدام - نویسنده این مقاله روسی و خارج از مات ایران و شك بست که با این ترتیب هر گر هوا خواه و حامی مات و دولت علیه ایران نیست بلکه تا درجه نیز مفرس است چه همواره اجراء پلنك و نفوذ دولت روس را در داخله ایران طالب و مزید قوت و قدرت او را در کلیه آسیا خصوص ایران مائل و راضی است - پس هر ایرانی که با خیالات روس موافق و مزید شوکت و غلبه پوتنیک او را شایق است نزد آنان محبوبتر و دوستتر است چنانکه خود صاحب روزنامه مزبوره صدر سابق را بهین جهت تمجید و تعریف میکنند و مسلک او را مطابق روش سیاسی دولت روس میدانند - مع ذلک این گونه از حسن افعال و احوال و وضع خدمات شایان و زحمات فراوان شاهزاده صدر اعظم تمجید و ستایش می نماید و - می جیبه معظم له را در صرفه دولت و خدمت پوتنیک و حفظ منافع و حقوق دولت متبوعه و تنظیم امور داخلیه و سوق روابط دیپلماتی قابل توصیف و تعریف میدانند -

مجموعه آثار (۱۷) - شیبان (۱۳۳۲) - ~~مجموعه آثار~~ - اکتوبر (۱۳۳۲) - شماره ۴

مطلب حق نباید بجزوهی قدوس مطوم شود و دانایان عالم
 حورا با آن عمل نیک تذکر خاطر میکنند و حد بطون
 دلائل مکتوبیت و ضبط نمایند و اگر ملت خودی بواسطه
 سببالت با مفرض از زجرات او مجسم ببوشند و قدر
 هفتاد هر آینه نیرکان جهان بیارند و دانایان بهمار
 بجانب و نیکگلگان که معنی حکومت و وزارت است تکلیف
 و وظائف این شکل را بخوبی میفهمند آنچه بوجدان
 خود درک کنند بیعرضانه بر خاطرها عرضه دارند و
 معلومات خود را براهی تیره مفرض مستوفی نمانند -
 پس آنچه را ما در طول مدت می گفتیم و از
 حرکات و سلوک پرتیکی و دولت خواهی و ملت
 برحق این وزیر کامل التدبیر توصیف میکردیم فرض
 تعلق و بیایی و باوه گوئی و هرزه خرائی و بر
 حکردن ستونهای روزنامه نبود - خدای دانای پنا
 و داناست آنچه بوجدان خود میفهمیدیم و میبینم آثار
 آنرا مشاهده میکردیم یا از مردمان فقه درست کار
 بیفرض که سالها صداقت و درستی آنها را آزموده
 ایم یا خبر می رسید بدون مبالغه و اغراق و خالی از
 هر فرض و مرمی مینوشتیم و خاطر نشان طامه
 حلت میسکردیم تا خوب و بد زشت و زیبا را
 ببتانند قدر هر کسرا بدانند دوست و دشمن را تمیز
 دهند و اگر جز این عمل میکردیم از وظیفه روزنامه
 نگاری که حق گوئی و راست نویسی و بیداری ملت و
 تنبه عامه است خارج میشدیم و در نزد وجدان خود
 شرمنده و نزد خدا و خلق مقصر بودیم چه روزنامه
 نویس اگر سهو کند مقصر نیست ولی اگر از گفتن
 و نوشتن حق افاض نماید مجرم و گناهکار است - ولی
 پاره تنک مغزان خالی از درایت و جلالان ماری از
 معرفت و مفرضین دوزخمت و دی طبعان هست فطرت
 را بحدوت دیرینه که در خود و رقاء خود مشاهده
 میکنند کان و وهم بر این بوده که ما از مسلک سابق
 خویش بدور افتاده ایم و باب تعلق و مدافعت کشوده
 ایم بی سبب یکی و خدمت و بدون استحقاق دیگر را
 محبت کنیم بر حسب مصلحت وقت و زمان و ملاحظه
 صریح شخصی و منافع خصوصی چنانکه شیوه اکثر
 اهل زمان است سخن میرایم و خدا نخواست ملت را
 افعال می کنیم و آثار فدای قلع خود میسازیم یا از طرف

خبر و عمرو قلعه دنیوی با باید میشود جدیوساط
 تعریف و تمجید میکنیم
 خدای عالم بر آشکارا و نهان آگاه و شاهد است
 و شاید اشکثر بطلق نیز آگاه باشند که ما را از این
 بیانات بلکه تأسیس و تشر روز نامه جز بجز
 خواهی ملت و خدمت بدین دولت و کشف حقیقت
 امر و آگاهی طمه و تحریک حس ملت و بیداری آنها
 از خواب و ترقی و تقدم ملک و ملت و رواج بازار
 عدالت و اتمام اساس نظم بیدادگری و اصلاح امور
 ملکی و ملی و رونق علم و ادب و تهذیب اخلاق ایرانیان
 و ازدیاد صنعت و ثروت منظور و مقصودی نبوده
 نه خیال آمدن ایران دلیریم و نه تصدی امور را طالبیم
 و از احدی توقع و چشم داشت کک و همراه نداریم
 قط آنچه منوقیم همان چهار تومان وجه اشترک سالانه
 است دبساری علاوه بر آن نمی خواهیم خواه معقول
 شاه باشد یا ادنی حساب بازاری بزخرف دنیه از
 وظائف خود دست بر نمیداریم خدا نخواست اگر ما
 را در این خصوص فرضی باشد مسلم است مدیر
 این روزنامه روسی یا وزیر ایران طرف دوستی و امید
 طمع نیز ندارد و سافه آشنائی و لاحت دوستی در
 بین نیست - بولی نگرته و تعلق نکته و نمیخواهد
 روزنامه اش ببران وارد شود و از این امر بر ثروت
 خود بیفزاید بلکه آنچه عین واقع است حکه نمیتوان
 پرده پوشی سکرد نکات اندکی در مضامین کلمات
 آن دقت کنید که اتابک را بجه عنوان ستوده و شاهزاده
 صدر اعظم را بجه عنوان - اما آنچه در ماده اتابک
 نوشته این است (اهالی روس کمال تشکر را از اتابک
 اعظم دارند حکه بی طرفی دولت روسرا بخوبی ملتفت
 بوده و اقدامات حسنه در تسهیل روابط تجارتی کرده
 و رشته مودت و و داد را بنیابین دولین پیش از پیش
 محکم و برقرار نموده) معنی این عبارت این است که چون
 اتابک حامی پرتیک روس بوده و مساعد و تفرقه گری
 را که موجب از دیاد تجارت روس در داخله ایران
 بود است و از انگلیسان برید و روسان بیوست و
 قرض از روس نمود و غیره و غیره باین واسطه اهالی
 روس از وی تشکر دارند و قدر خدمات او را بدولت
 و ملت روس میدانند و حاصل سختش آنکه چون

لایق صرفه روسرا بر صرفه دولت متبوعه خود محتوم داشت روسیان از او متشکرند

اما در خصوص شاهزاده صدر اعظم میگوید (در حفظ منافع و فوائد دولت متبوعه و ملت محترمه خود حکموشیده هیچ وقت و هیچ زمان صرفه و صلاح دولت و ملت ایران را از دست ندهد و اقدامات مفیده عدیهایشان که ندادن امتیازات بتابع دول خارجه و کوتاه نمودن دست سارقین از خزانه دولتی و صرفه دولت و ملت و تزید استمداد و از دیاد نفوذ دولت در سیستان و سایر نقاط تا آخر . . .) پس چه قدر وزراء سابق ما در خطا بودند که گمان میکردند پلٹیک در آنستکه دول همجوار هرچه خواست میکنند بپذیرند و هر امتیاز طلبند فوراً بپذیرند . خلاصه فروختن حقوق دولت و ملت را عقل و تدبیر نام مینهادند و زیرکی و هشیاری مینداشتند و نمیدانستند که هرچه بدول عطا کنند طمع آنها در ملک زیاده میشود و بر نوقالشان میافزاید ولی این شخص معظم چنان سلوک نموده و میباید که بدون آنکه ذره از حقوق دولت و ما - صرف نظر نماید دول همسایه و جرائد شان اروی تمجید میکنند . اگر وزراء سابق نیز چنین رفتار نموده بودند امروز حقوق حاکمیت ما در هرات و مسقط و بحرین و قسمت بزرگی از بلوچستان و آذربایجان و ارمنستان ثابت بود . حق کشتی رانی در بحر خزر داشتیم . دولت مقروض نبود . نفوذ اجانب در ملکمان جاری نبودی . کنجهای شوش بر ایگان بدست فرانسها نیفتاد و - و - و

چه قدر سراوار است ملت قدر چنین شعمی را بشناسند و با خیالات عالیة او شریک شده بیک اتفاق بومی در اصلاح امور ساعی شوند و لا اقل نفع و ضرر خود را بشناسند و بسختان شیادان و منفدان فریفته نگردند و نیز بر علماء اعلام که مالکین رقاب انانند لازم است که نظر بتکالیف شرعی و حفظ بیضه اسلام و حوزه مسلمان عامه را متنبه و متذکر سازند تا دشمنان دین و دولت را مجال فساد و اغلال حاصل نشود و امور بزودی مرتب و منظم گردد

مصر

از قراریکه خبرنگار اداره از مصر مینویسد دولت

سفیه ایران (جنابک . طحان) را که بسمت مترجم لولی در جنرال قونسولگری موظف بود از وظیفه مذکور معزول نموده و کالت سیبیه مصر هم از چگونگی امر بجایهای لازمه اطلاع رسمی داده است مترجم مشارالیه باریگر نیز در زمان مأموریت مرحوم میرزا و ضاخان بنان الملک از جنرال قونسولگری اخراج شده بود . ولی اختلاف او بهر ملاحظه که بود دو باره او را مسلط بر رقاب ایرانیان نمودند . ولی جناب بقا السلطنه وکیل سیاسی دولت علیه بمضمون

(ترجم بر پلنگ تیز دندان)

(سنگاری بود برگوسفندان)

این حار را از راه ایرانیان برای همیشه برداشت

صورت فرمانده سپهسالاران

مأموریت جناب بقا السلطنه

(به آژان دیپلماتی و جنرال قونسولگری مصر)

چون برای محافظه حقوق اتباع این دولت علیه در مصر لازم بود که یک نفر از جاگران کافی کاردان را که احکام عهدیه و یگانگی دولتین علیتین ایران و عثمانی که بملاحظه منہج قوم اسلامیت در حکم واحد هستند آگاه و پینا باشد مأمور آنجا فرمائیم و از آنجا که مراتب دقیق کاردانی و کفایت و مراسم کمال در سنگاری و صداقت جناب ثقات نصاب نصاب میرزا علی اسفرخان بقا السلطنه نایب سفارت سنگاری این دولت علیه در اسلامبول مکرراً در خاکبای مهر اعتلای شاهانه معروض اقتساده و خاطر خطیر همایون را بحسن خدمتگذاری و دولت خواهی خود راضی و خشنود داشته است لهذا باستدعای جناب اجل امجد اکرم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه مشارالیه را بسمت آژان دیپلماتی و قونسول ژنرالی مأمور مصر فرمودیم که در انجام اینخدمت و حفظ حقوق اتباع دولت علیه متبوعه خود لازمه مراقبت را بعمل آورد در عهده شناسند (شهر رمضان ۱۳۲۱)

مقاله در رد تحلیست و حقیقت حریت

(از شماره ۶)

تصود از نقل این جبهه در این مورد آنست که معلوم شود اسان بانذات دارای احتیاجات مادی و معنوی است و نزاع و ستیز این نوع در سر احتیاجات

است پس توفیق که این احتیاج باقی است جهال و سستی
نیر بر قرار خواهد بود و لو آنکه در سر یک لقمه
نان باشد - دیگر آنکه ثروت چون ناشی از سی و
زحمت است و انسان در سی و کوشش مختلف است
ناچار در جات ثروت نیز اختلاف پذیرد و هرگز بنظر
حامل کامل بل جاهل خامل درست نمیآید که شخص
سای رنجکش را با تیل کامل برابر نهند و آنکه شب
و روز را در تلاش معاش است با آنکه هم اوقات
در خواب غر گوش مقابل و مساوی شمرند - کور را
با بینا - نور را با ظلمت چنان میشود بیک نظر دید
(هل یستوی الامی و البصیرام هل یستوی الظلمت
والنور) بلی عالم راست که جاهل را ارشاد کند و
بر ینا لازم است که نا بینا را راه نماند و هدایت نماید
غنی فقیر را باید دست گیری کند - اما آنچه در ماده
عیال گوید این نیز مطابق عقل نیست چه گذشته از
همه مفاسد آن بزرگترین موانع آردی است ولی گویا
این شهوت طایان زنان را محض امراض خود و اسباب
لذت و تکلیف فرض میکنند نه انسانی چون شخص
صاحب حقوق و شئون فرض کند - این زن و شوهر
اگر بیکدیگر راضی نیستند پس مزاجت در هیچ
قانون و بهیچ شریعت صحیح نیست و اگر راضی اند و
هر یک جز جفت خود را نمی پسندد در این صورت
چگونه توان حکم کرد با اشتراك بین کل و چنان سلب
آزادی از وی میشود نمود - اینکه مزدك خواست
بمهرم قباد رود در صورتیکه طرف مقابل راضی نبود بجه
قانون مطابق است ؟ و اگر گویند باید قدرت برسخ
و اقاله داشته باشند این خود مسئله طلاق است و
ربطی به (اکالیته) ندارد - با اینکه دوام و بقا نوع و
نژاد انسانی روی این فتره مزاجت بنهاساده شده
چه اگر (اکالیته) باشد ناچار نسل و قایل
تخصیص داده نشود و چون نسل معلوم نگردد هیچ
کس بر تربیت اطفال اقدام و اهتمام نماید و اندک اندک
نسل انسانی منقطع گردد - اگر گویند تربیت آن بر
عهده مادر است گوئیم چگونه مادر تواند تربیت چندین
اطفال و مخارج خود و آنها را تحصیل نماید و هرگاه
مخارج را بر عهده پدر مقرر داریم ناچار باید ویرا مبین
نمایم آنگاه اکالیته مرتفع گردد و هرگاه خرج را بر

ذمه عموم فرض نمایم هر آینه ظلم صریح خواهد بود
بواسطه آنکه چه بسا احساس ابدأ حایل بزن گرفتن
نیستند پس تحمیل این مخارج بر عهده آنان منافی با
آزادی است اما اینکه آثار بوارقت در اروپا ظاهر
شده تا آخر باید گفت این نیز ناشی از قلت
اطلاع است زیرا اکثر ظهور این فن که ناشی از جهالت
و سوء اخلاق است و طمع بجان و مال در بین ملل
غیر متمدنه بوده چنانکه در ملک ایران بعد از ظهور
مزدك و اطفاء ناره فساد آن باز در زمان خلفاء
عباسی در قرن پنجم سال ۱۷۷ هجری سرکرده ملاحظه
حسن صباح که اغراض شخصی و خیالات قسانی او را
متون تواریخ شارح است محرك و مؤسس این بنسب
کچ و همارت غلط شد و کار را بدرجه رسانید که
عائناً و علی رؤس الاشهاد اعمال شرعیه را الفناء
و فتنه ها را برپا نمود و بعد از آن در زمان شاه
عباس طایفه صفوی شخصی درویش خسرو نام مدعی
این مراتب گردید ولی بضمیمه تناسخ و بانك مدتی
چون چراغ دم صبح خاموش و نابود گردید و در این
اواخر سید علی محمد شیرازی تجدید این عقیده غلط را
نمود ولی با وضع قبیح و زشت تر یعنی در تحريك
ناره فتنه و فساد و دعوت خلق بزندقه و الحاد و
اشترك عیال و نسوان - اگرچه پیروان او چون دم را
بست دیدند و موقع را مناسب نیافتند و دانستند این
حرکات نان آور نیست و نزدی آتش فساد شان
منطقی خواهد گردید - اندکی تغییر اسلوب دادند ولی
باز هم این عقیده در مکتوب این فرقه مستتر است و
هر وقت موقع بدست آورند از فتنه دست نکشند - اما
اینکه گفته نوشیروان کسری بنابر سلطنت (دیسپوتی) با
مزدك دشمنی نمود - پس این نیز امری است برخلاف
واقع چه این معنی نه مخصوص کسری یا دولت ایران
بوده بلکه این گروه تا کنون در همه ممالک عالم مخدول
و منکوب و محضی و مستور و با شوب طلبی و فتنه
جویی معروف و مشهورند و اگر آشکار شوند
هر آینه سیاست میشوند با اینکه اساس سلطنت در این
ممالک بطریق (دیسپوتی) و استقلال نیست بل جمهوریت
ولایت دستوری است - این مملکت فرانسه است که ما
در تمدن و تربیت و خواهر حریت و آزادی و پدر

علوم و فنون است تربیت عالی را بر همه مخلوقات و ترقی نوع انسانها فریضه خویش میبشارد تا آن درجه که کلیه طبقات روحانی خود را از ملک خود اخراج نموده در اطفا آتش فساد این حزب بلکه اعتراض ایشان سعی و مجد است آیا میتوان گفت این مملکت مکه ربالتوح تربیت است از روی اعتراض قضای محکم میکند و بر حسب صرفه شخصی رئیس است - حاشا که در آن ملک بتوان بخيال شخصی حکم نمود این همان سر زمین است که استبداد را در آن مفری نیست و ظلم و بیاد را در وی نشانی نه تمام افراد با يك اتفاق سوری و منوی نگران صحت رفتار حکومت اند و در جزئیات امور جهان با دور بین هوشیاری مراقب که محال است فردی از نظر بصیرتشان تأیید گردد - در مسئله نشاتها و عمل (درافوس) پنهانی و بیداری و دقت این ملت اهل عالم را بحیرت افکنده - در خصوص ۷۵ سائیم تفاوت بودجه مالیات چنانچه اندازه مؤاخذه شده بودند - با این حال نتوان سمت جهالت و نادانی باین قوم که اشرف ملل متمدنه عالم اند داد پس باید گفت درست فهمیده اند که (انارشیست) مخرب عالم و آشوب طلب و توحش خواهند از ایشو مجدداً در قلع و قمع آنان ایستادی دارند و چون فساد این قسم حریت واضح و آشکار گردید وقت است که حقیقت حریت و آزادی را که مطبوع علماء فلسفه و داناتان آگاه است برض رسایم (بقیه دارد)

تهدیب اخلاق

از شماره ۶

پس معلوم شد مکه آنچه شخص یا قومی را بمنهای ترقی و سعادت سوق میکند فضایل اخلاق است و آنچه بدرکات بدبختی ما تا جهنم راهبانی میکند رذائل عادات است اینست از حکمت و وضوح از برای مؤرخین و اهل اطلاع حق مردم بی اطلاع هیچ شبهه نمیگذارد

پس عادات مردم ایران آنچه در قطعات عراق است کمی از عادات قدیم فرس و جزء کلی از عادات عرب و در بعضی بلاد شرقی کمی از عادات مغول و آنچه در قطعه آذربایجانست جزء اعظم عادات

مغول از قبیل فرور و خود بسندی - در وقت روشن - سخت جانی - کند نهی وجه وجه و جزئی از عادات اعراب یرحمی و نفاق و قساوت تقاب و ظلم - و ابدأ از عادات آباء عظام خود مکه نقر بشر بودماند ارث ندارند این هم وطنهای عزیز ما بدبختانه بلکه عجب اینجا است که نفرت از اصالت دارند و این است مکه غالب درین اواخر سبب خرابی وطن ما افتراق این دو پارچه بدن شده است از یکدیگر چرا که سرعت انتقال مردم مرکزی ایران تا میبود در اصلاح کارها چاره پیدا میکند دو زبانی و بطو انتقال این مردم صورت يك مانده بزوک تشکیل میکند و نکته که محل توجه شخص شاه و وزیر اعظم باید شود برای سلامت و ترقی اساس سلطنت اتحاد سیاست یعنی هو این لسانیه مکه علامت تنگ اسلافی ماست یعنی در مکه کتاب ابتدایی عبور باشد طفل مکه لسان فارسی بیاموزد و اگر نتواند تکلم کند و بنویسد بواج کار و کسی اقدام نکند این مسئله اگر امروز محل دقت نشود یقین است سی سال دیگر خود عقلای این پارچه وطن ما ناچار در صدد اصلاح اینکار بر خواهند آمد - مسئله دوم که با وضع حکومت امروزی مناسب است این است که ولی عهد های خودمان را اولاً بفرستیم در جوانی در اروپا تحصیل کنند و بعد از معاودت در پایتخت سلطنت و مقر حکومت نگاه داریم و اینصدمات وارده را متحمل نشویم چرا عین مطلبی که وقتی می توانست از برای يك حکومت اسباب قوت بشود عین همان مسئله در موقع دیگر اسباب ضعف میشود نه این است که از اشاره باین مسئله رفقاً همجو بفرزند مکه تصرف در مغول کرده ایم و از برای حکومت تکلیف معین میکنیم خیر این قسم نیست این کنسایت از شعبه همان مسئله اخلاقی است از مقصود بیوجه خارج میشود ولی امیدواریم که در این اساس مقدس بعد از این بقدری که ممکن است سعی باشیم

ولی مسئله که اسباب هت عقلاست که (مسلم است شخص دزد ناوقتیکه از مصایب دزدی مطلع نیست ضرر ندارد که از شغل خود اقتضار کند و شخص بدگل ناوقتیکه در آینه خود را ندیده است میتواند خود را به پسند ولی وقتیکه قانون و آینه علم و

هزار و سیصد سال هیچ تصرفی در آنها نکرده است
چرا که کسی نبود که بضرب شمشیر، مذهب را
طابت کند از برای آنها مثل آنچه آنها طاعت را مذهب
کرده اند از برای ما بدلیل اینکه کتاب خدا احکامش
تمام، معطل و معوق است بدون تصرف چه در میان
ما و چه در میان آنها

بل يك وقت مذهب دارای تأثیر میشود که مثل
اینکه حکام اروپا و دولتهای آنها در سایه سی حکام
بزرگ فضایل اخلاقی و محاسن اطوار را که تمام اساس
يك مذهب خارج از این دایره نیست بشکل يك قانون
گذاشتند و جزای مخالفت او را بیوم جزا نگذاشتند
یقین است درین صورت دارای تأثیر بزرگ است والا
امری را که شخص بیچ قسم مؤمن مجازات اون نیست
و فعلاً در او همه قسم منفعت می بیند و ضمناً هم
یاو بعضی امیدوارهای غلط داده میشود که يك قطره
اشک هرچه گناه باشد باک میشود چرا نکند و توبه
بده روز روزه خوانی سوختن ده هزار خانوار
رعیت را خدا به بخشد هر که میکند دیوانه است نه
این است که اعتراف را اعتقاد میکند موجب تسلیت
میشود برای خاطر مساکین ولی توبه که مثل پیغمبر
چار کشیدیم که مردم دین خدا را بشکل قانون انتخاب
کردیم هرکس بر کس تعدی کرد بقاعده (فمن اعتدى
علیک فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدى علیکم) با او عمل
میشود در تحت این يك حکم محکم قرآنی تمام آسیاهای ظلم
و ظلام از گردش می ماند ولی باید بعضی حرف نباشد
طاعت بشود که حاکم بداد جزای پس گردی زدن
پس گردی خوردن است اگر در پاریس ساکی بدون
سب مشروع شخصی را توبیف کرد خودش طاعت
کرده است که باید در محبس برود ولی در شهر ما چون
طاعت نکرده است در حالیکه اساس دین خدا بر این است
اگر حاکمی را در ازای ظلم به محبوسی خاتم مجازات
دهیم در پادشاه بفلک بلند می شود که فلان از خانواده
بزرگ است (و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان
اكرمکم عندنا اقوامکم)

پس مدیر محترم بفرماید که حفظ نوع از قواعد
کلیه است و رعایت او بر کسیکه خودشان را مدعی
و بنور میدانند و میخواهند که سایرین بنور آداب

اطلاع را پیش این دو فصل گذاشتند. قبح او معلوم می
شود (امانی اینقطه خلك و برادران وطن من در
حالتیکه می بیند کرورها ناپلیون بزرگ صرف اتحاد
لسان کرد و میخوانند که محض اشاعة لسان که علامت
استقلال است از خلك آمریک فلان شخص امریکائی به
ارومیه و اصفهان آمده مدرسه باز میکنند و می بینند
از اختلاف لسان در رعایای دولت عثمانی چه فسادها
ظاهر است و معتقدند که لسان ادب تمام حکومتهای
ترک و هندوستان تا سی سال قبل لسان شیرین فارسی
بوده بازوقی که محبت میشود میخواهند با کمال افتخار
خود را شاهد غلبه و فساد اخلاق احفاد جنگیز نشان
بدهند و هیچ ارباب اطلاع آنها با آنچه که اعتراف
دارند که آن لسان طاریت است و ننگ نام نیک اجداد
طاست باز در صدد چاره اینکار نیستند

از این شرح مفصل و تذکره خاطر مدیر محترم
توا مقصود مقدس ما آن بود صکه گناه کار دولت
نیست نیست نیست و در آنچه می شماریم ثابت و علاج
آنچه می گویم اینست - درد بدی تربیت است یعنی فساد
اخلاق و طادات و علاج بدون نردید آزادی دادن
چشم ادب و صفحات روزنامه جات و تاسیس مکاتب
جدیده با سلوب فرنگی (یعنی چه) یعنی فضائل اخلاق را
از برای اطصال بشکل طاعت گذاشتن تا بعد از چاه
سال ملك الملوك شرق شویم - درد یکی است علاج یکی
اگر قبول کند کربلای ایل یکی

این محبتها هیچ ربطی بمذهب نداشت و ندارد
میگویم و گفتم که آن قدر مذهب تصرف دارد که در
اول ظهور از برای يك جمیع تشکیل دایره يك نفع
موفقی میکنند و در آخر همان اندازه صورت نشان
میدهند که طاعت شده است يك مثال حسی تمام ساکنین
هرستان متدین بدین اسلام هستند ولی طادات قدیم آن
مردم دزدی و راه زنی و غارت بوده است حالا در
حالتیکه باید گرامی بدارند حجاجی را که بطرف خانه خدا
میروند چرا که سمت وارد دارند بر آنها و در خلك
آنها مهیا هستند و بر حسب اعتقادات مذهبی قتل
و سرق ایشان حرام است و شایان مجازات معذالك
باوجودیکه قلباً مؤمن بدین اسلام اند جهان طادات
مخفیة ظنیة رفتار میکنند و اجداد مذهب در ظرف

وقت صرف حکم برای جواب ولی من عرض ملامت وطن و نصیحت شما متحمل اینقدر زحمت شدم امید است که رفیق خودمان و سایر عقلا را بعد از این زحمت نیندازید از خداوند برای شما توفیق هدایت ابدی خواهانم

در حالیکه از تمام خطیات مدت صدارت صدر معزول و از خیالات امروزی رفتاری او و خودش مطلع هستم هیچ نمیگویم همیشه از اهل الصاف سوال میکنم که روزنامه جبلالتین را مصادف تحریر آن لوراق حکم بدخول ایران دادند در جائیکه چند نفر از وزرای بزرگ من میدانم که سه سال بود در این کار سعی میکردند که یکی از آنها حضرت مستطاب اجل شیرالدوله بود چرا قائده نمی کرد آنوقت اگر دشمن معارف پادشاه بود چه نند که بمحض تبدیل صدارت پادشاه طریق معارف پروری گرفت پس بدون هیچ تردید میگویم که سلاطین مستقل باصلاح خودشان یکی از نوکرهای صادق خودشان را معض نفع عامه صاحب اختیار کل قرار میدهند که هر چه او بگوید قبول میکنند چون صدر قدیم ایران افعال حسنه نداشت و خائن خائف بود دخول يك روزنامه آزاد از برای او خیلی مضرت داشت مگر چه خود کسی ما که در منبع دخول روزنامه قانون از او بظهور رسید - و حضرت اشرف والا عین الدوله چون خود منسوب بسرپر سلطنت و خانواده دولت است بلکه بواسطه قرابت بمنزله نفس پادشاهست و خیال هیچ گونه خیانت در ضمیر اقدسش نیست حکم بدخول کرد و من امیدوارم که تنها آزاد برود نکرده باشند بلکه آزاد کرده باشند که بنویسد اهل قلم صحیح و سقیم آنچه را که میدانند و ایشان مثل وزرای اروپ سقیم را رد کرده صحیح را مسمول بدانند تا خشن از این و صادق از کاذب معلوم شود

و محل ارفع وزارت عظمی اگرچه از شکران مثل من ضعیفی ینبازست ولی صحبت در اول مقاله از شکر نعمت منم بود لقا این بنده یکی بوجه فردیت و دیگری بسمت مأموریت از طرف جمعی در مقدمه شکران خود را همین هم گونه افتخار و شرف میبخشیم همین قدر میگویم که پادشاه بداند و بستگان مأمور

و علم ایشان عمل کنند لازم ترست بارها گفتم و بار دیگر میگویم جبهه خرابی اداره حکومت ایران طلب قمع شخصی است و صرف نظر از نفع نوعی و قومی - هر چه ایمنانه مکرر شود (هوالسک ما کرره) يتضوع چرا فلان وزیر گان میبکند که باید شخص او پیش پادشاه موثوق و محترم باشد و رفیق خود را خان و تادرس قلم میدهد کذاک رفیق او هم بهین فکرست - این است که ناچاراً ما وزرای محترم نداریم همین طور لئ این صنف عالی گرفته و بدرجات نزول میکنیم تا مردم بازاری و رعیت - قلب من خودم دو سه نفر نوکر داشته ام معض تجربه با هر کدام صحبت کرده ام و ذائق آن دیگری و فضائل خود را شرح داده است که در واقع نفس الامری با کسی فکر مسئله معلوم است که شرافت بدین قاعده در هیچ کدام موجود نیست مثلاً مدیر محترم تریا تصور میکند که اگر روزنامه جبلالتین غیر مقدس شد و بد شد باوجودیکه مذهب و شوار او معلوم است بهامه مردم روزنامه تریا آتقدر ترقی خواهد کرد که بلك هم خواهد رسید خیر اگر روزنامه جبلالتین غیر مقدس شد و متروک شد روزنامه شما (تریا) بطریق اولی متروک و غیر مقدس خواهد ماند چون قصد از هتک حرمت اهل قلم ندارم از بعضی معلومات مخصوص خودم صرف نظر میکنم و خواهش میکنم مثل اینکه روزنامه های اروپ و مردمان آنها در حفظ نوع سعی هستند شما هم باشید و حرمت اهل قلم را بدارید من نخواستم مطالبی بنویسم که شما را پیش نوع اهل قلم باعث خجالت شوم ایندفعه مدافعه را با کمال ادب کردم و از شما التماس دوستانه میکنم که هنوز قوای ادبیات ما سخت و دواثر معارف ما وسیع نشد است فقدان ادب و معارف است که شخصیکه در رجه روزنامه هر بی بفارسی در جای جنگهای خوریزاه (مخاریات دموی) مینویسد در سلك اهل قلم در ح. میشود - اگر بر جبلالتین نصیحت لازم بود بخا. و خودت قسم شایسته بود که ز ط ب ساید سلمه مثل مجیرالدوله و ذکاء الله و ادب هالان شود پس یقین است که در اینجا مف. را. مبرعات این حرکات شما عاقلانه نیست میدانم مدیر جبلالتین هیچ راضی نبود که من

در بین هیچ دولتی سرریزی از خواہشات دوستانه مایه خصوصیت و رنجش نتواند شد - پس هرگاه ما از حقوق خود واقف باشیم و در حفظ آن اقدام نایم و از تکدر و رنجش بی‌ارمهایگان چندان نه ترسیم احدی را بر ما حق و قدوت دست درازی نخواهد بود

بالجمله (میجر اسکاید) و خان بهادر اصفهانی خان در بندر عباس اعضای کمیسیون را استقبال خواهند کرد - این کمیسیون از راه سعیدآباد و بهرام آباد بکرمان خواهد رفت در کرمان (میجر اسکاید) کمیسیون را وداع خواهد نمود از کرمان آنها بعضی مقاطع معتابه را در طریق سیستان - الاحظه خواهند کرد و بعد از آنیکه به (مپور) رسیدند برخی کوههای شرقی (ماگس) و (ماک) را خواهند دید و عودت خواهند نمود از راه دره هندوان و راه (کیچ) بگوار و باقی درمیت این کمیسیون چند نفر سواره (بنگال لاسر) و چند نفر سبایان محافظت سفارت خواهند بود

کمیسیون سیستان تصفیه شرب رود (هلمند) را نموده و کرنل (مکمند) مشغول است به نصب ستونهای سرحدی چنان تصور میشود که این کمیسیون در آخر موسم سرما مسافرت هند نماید تصفیه مجرای رود هلمند بجه قسم شده هنوز با اداره خبری نرسیده است

تکرافات

(۲۶ رجب - ۷ اکتوبر)

§ خبر روتر که در اردوی جنرال (اوکو) است بیان مینماید که بیوسته ذخیره بسیاری از توپخانه و سیورسات بذریع راه آهن به (لیاویانک) میرسد - و زاپونیان در راه آهنیکه تازه ساخته آمدوشد مینمایند - و هر روزه نیز مقداری از قشون کک با آنها میرسد - و قشون ژاپون تحمل سورت سرما را نیکو دارند

§ خبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که توپخانه بزرگی از یون یک جهاز جنگی روس را در بندر آرتھر فرقی نموده و سه جهاز دیگر را ساخته تقصان زده نام جهازات تا کون معلوم نشد است

§ خبر روتر از (سینکتر) خبر میدهد که یکی از جهازات آلمانی که به (ولادی ووستک) سابقاً آمده بود باز آمده است و غالب جهازات در اولادی ووستک رسیده اند - روسها بر استعکانات شهر افزوده در بندر سرنگ های دریائی تهیه کرده اند

(۲۷ رجب - ۸ اکتوبر)

§ لاردر لندنون وزیر خارجه دولت انگلیس در جواب یکی از وقایع نگاران اخبارات اظهار داشته که هیچ يك از دولتين متناظرين، كسكون خواهش صلح نموده و دولت انگلیس دوايغوف نمیتواند از دواتین مشارالیهما مستدعی صلح شود

§ بموجب تلگرافیکه از واشنگتن به روزنامه (مارشنگ

حولت که فرض عقلی نیست مردمی صکه از اهل قلم يك ملت هستند اقدام کنند بکاری که اسباب خصاطره باشد از برای وطن و نوع خود آنها یقین است که تمام مردم در افکار خود مصیب نیستند بعضی هم خاطلی میشود از خطاهای فکری يك فرد ضرری حاصل نمیشود و از افکار عالیة بعضیها فوائد کلیه حاصل میگردد (بشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین مدام الله و اولئک هم اولوالالباب)

کمیسیون تجارتي

کمیسیون تجارتي انگلیسان ۱۴ شهر جاری از بعضی حرکت نموده ۲۲ وارد بندر عباس خواهد شد آنچه وقایع نگاران مونتق اداره خبر میدهند حسب الامر دوات علیه ایران بمسوم حکام و قاطبه مأمورین که در حایه سیر اعضای این کمیسیون واقع شده تأکیدات ائیده و سفارشات عذیده شده که با کمال دقت نگران حرکات اعضای کمیسیون باشند - و هرگاه بیرون از اندازه حدود خود حرکتی کنند فوراً بدربار دولت اطلاع دهند - و علاوه بر این نیز چند نفر نگران مخصوص حولت گماشته که در پرده هم حرکات آنها هم سلوک حکام و سائر مأمورین را با آنان دیده بان باشند - این کمیسیون هیچگونه سمت رسمیت ندارد دوات علیه نیز یخویی میتواند مانع از ورودشان بخاک ایران شود و مخالفت دولت از ورود آنان بدین اسم و رسم منافی با دوستی دواتین مشارالیه از روی قواعد بین الدول نبود - بجه تصور اجازه دادند معلوم نیست

بالجمله چون شیوههای بلتیکی اروپاییان چندان مستور نیست که برای پیش رفت مقاصد خود و بدست آوردن بهانه بلتیکی از جان عزیز دریغ نینمایند و بسا شده که برای پیشرفت مقاصد دولتی و ملتی چند نفر از جان خود گذشته اند - رجال دولت علیه سد این باب را نیز بدین قسم نموده که جهی سواره و پیاده باهم محافظت در نگران آنان مأمور ساخته اند که از بندر عباس مهمت با کمیسیون نینمایند آنچه ظاهر و هویداست دولت ایران فعلاً چشم باز کرده نیکو نگران حرکات و ملتفت خیالات همسایگان شده است ازین رو میتوان اطمینان نمود که اگر صد مثل این کمیسیون همسایگان ایران بفرستند ذره به نفوذ و وسوخ سیاستشان سودمند نخواهد شد - مشروط براینکه چنانچه تدارک نگرانی این کمیسیون شده در آنها نیز معمول شود - همه میدانیم که آنچه تا امروز همسایگان از ما ربوده اند بفریب و دغا و بی‌علی و جهالت و خود قرضی رجال خود پند بی‌حسبت بوده و هرگز

§ بوجب تلگرافی که از شکائی به اخبار مارشک پست رسیده ژاپونیان کشتیهای کوچک بسیار که بجانب بندر آوتوهر حمل آذوقه مینموده گرفتار کرده اند.

§ روزنامه (پورس گرت) منطیبه (پترسبرگ) تاریخ ۹ تلگرافی که از (مکدن) یافته و بدین عنوان بود اشاعت مینماید که قلب لشکریان ژاپون بجانب جنوب عقب می نشینند.

ژاپونیان نه تنها آن مقاماترا که بعد از جنگ لیاویانگ متصرف شده از دست داده اند بلکه بسیاری از مقامات که قبل از آن متصرف بودند نیز خالی کرده اند - مینه قشون ژاپون ده میل عقب نشسته - از چند روز با نظر طرف سیاهکیان - سیپاتسی - قشونک) را خالی کرده اند.

§ دوپترسبرگ از عقب نشستن ژاپونیان متعجباند گمانشان ایست که سرداران ژاپونی برای حفظ لیاویانگ جمیع قشون خود را در یک مرکز جمع مینمایند - جنرال (کرویاتکن) در مواضع شکستی که از ژاپونیان یافته تدارکات کامل دیده است و در راههای پیشقدمی خود سبک و استحکامات متین ساخته.

§ مخبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که ژاپونیان بر آ و بحر آ قوای خود را بجانب مغرب بندر آرتسر زیاد مینمایند و تمام توجهشان بر غرق نمودن جہازات جنگی روس است و بر غرق سه جہاز جنگی روس کامیاب گردیدند - نام جہازات معلوم نیست.

(۱ شعبان - ۱۱ اکتوبر)

§ مخبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که شاهنشاه ژاپون ورقه مشوقانه بدین مضمون اشاعت داده - (تاکنون لشکریان ما در هر میدان مقضی الامرام بوده اند ولی آخرین منزل جنگ هنوز دور و رما لازم است که صبر و استقلال را از دست نداده با قوت قلب اقدام بمقابله خصم نمائیم)

§ مخبر روتر از پترسبرگ خبر میدهد که از عنوان اشتهاو جنرال سکرویاتکن که اشاعت یافته جراند پترسبرگ همه بجهوش و خروش آمده هاوین اشتهاو را موضوع بحث قرار داده تمجید و توصیف از جنرال موصوف مینمایند - و قشونهای روس را با کمال سرعت امیدوارند و ازین رو مجدداً خیالات عامه به جنرال مذکور رجوع کرده و بر الفاظ اشتهاو او اظهار بشارت و خرمی مینمایند - و از برای شکست دادن ژاپون قطع جنرال (کرویاتکن) را قابل و سزاوار این مقام ذکر میکنند - اداره منکی روس پیشقدمی را بجانب دشمن نسبت بمداخله ستر و مفید تر بیان میاید - ولی با این همه در ادارات لشکری از حرکت جنرال موصوف بیم و هراسی نیز نمودار است -

§ چنان تصور میشود که خلا پنجاه هزار لشکر نسبت به (لیاویانگ) بر اردوی جنرال (کرویاتکن) اضافه شده است.

§ بموجب تلگرافیکه از مکدن به پترسبرگ رسیده تمام یوم یکشنبه جنگ بین نوبختانهای روس و ژاپون جاری بود - مینه و قلب لشکر روس مشغول باین جنگ بودند - ژاپونیان از هر طرف بواسطه قوت حملات روسیان عقب می نشینند.

§ مخبر روتر از توکیو خبر میدهد که رسماً ظاهر شده که کشتی جنگی ژاپون (هین) که ۳۱۱ نفر در او بود در دریای (چون) که غرب بندر آرتسر است ۱۷ ستمبر بمصاف با سرنگ دریائی شده غرق گردیده قطع چهار نفر جان سلامت بردند - و این خبر را تا امروز پوشیده داشته بودند.

یست) رسیده دولت ژاپون ابتدای جنوری آینده در مینه دستقراری مبلغ هنگفتی از امریکا مییابد - دولت روس نیز ساهبست استقراری بزرگ بخاید ولی تاکنون مقضی الامرام نشده است.

§ راه آرم دوره دریاچه بیکال را دولت روس تصحیر کرده رسماً افتتاح نمودند.

§ جہاز گرمه روس (اسواتکس) در (هاروی) مشغول بحمل ذغال است.

§ روزنامهات حریت طلب آلمان که نیکو واقف از رموز کاراند مینویسند کشتیهای کوچک وماکینه وغیره از لوازم جنگی در (استین و اوکیل) رای روس تصحیر می شود.

§ اخبار (نیویارک هرالد) خبر میدهد که پنج کشتی جنگی کوچک از ساحل (پاسیفک) حرکت نموده و چنان تصور می شود که برای دولت ژاپون است.

§ راه آرم (اورنبرگ) تا (تاشقند) با منتهای سرعت تسحیر می شود و امید است که تا ماه اپریل بانجام رسد.

§ یکی از کپتان های آلمانی در (لاسیالاس) بیان نموده که کپانی (هبرک امریکن) ذمه گرفته است که ۴۲ جہازات (باتیک) را ذغال رساند و دوازده جہازات آن ذغال حمل نمود بجانب (لاس پالاس) می آید.

§ جہاز گرمه (اوروره) از جبل طاروق بتاريخ ۱۸ بطرف (لاسیالاس) روانه خواهد شد.

(۲۸ رجب - ۹ اکتوبر)

§ اعلیحضرت امپراطور روس و والد و زوجه محترمه شان در (ریوال) رسیدند -

§ اعلییکه جنرال (کرویاتکن) به صوملی قشون در خصوص فرار بجانب (مکدن) داده در پترسبرگ اشاعت یافته در آن اظهار داشته که بواسطه قلت قشون و کمی قوت بوده که در لیاویانگ مقابله نه نمود - و نیز در آن اعلان بیان مینماید که اعلیحضرت امپراطور از صمیم قلب خواهان فتح و نصرتند - و بروفق این امید قشون کک و همه قسم مدد بمامیرسانند - و نیز لشکریان را آگاه مینماید که وقت آن رسیده است که دوسها بر خصم حمله نمایند و شاهد فتح را در آغوش کشند.

(۲۹ رجب - ۱۰ اکتوبر)

§ اعلیحضرت امپراطور روس در (ریوال) دو ساعت کامل دسته جہازات جنگی را ملاحظه فرمودند.

§ مخبر روتر از پترسبرگ خبر میدهد که رسماً خبری از پیشقدمی جنرال (سکرویاتکن) نیست ولی از تلمراقات بحرمانه ظاهری می شود که لشکریان روس (نیایشی) را متصرف شدند - و ژاپونیان در این پیشقدمی مرید خوردند - جنگ نکرده راه خویش گرفتند.

§ مخبر (روتر) از چیفو خبر میدهد که جہازات جنگی ژاپون با کمال دقت در تدارک و تلاشی جہازات دول اجنبیه مشغولند - چه امران بحری ژاپورا خبر رسیده که سه جہاز انگلیسی گوشت و سار لورم خوراک برای لشکریان روس در (بندر آرتسر) میبرند.

§ دولتین ژاپون و روس ذغال (ویش) را برای جہازات جنگی خود خرید می نمایند - هرماه صد و پنجاه هزار تن از (مردم) میبرند - و نیز از نیویورک وسائر بندر به رسترنجنل مرست می شود و نیز ذغال زیادی در یکی از جزائر مغرب امریکه جمع نموده اند که به جہازات اقلیه خادع شود.

§ افواه است لشکریان روس تماماً از رودخانه (مین) عبور کرده که بر اردوی جنرال (سکروکی) حمله نمایند و مقابله را که ژاپونیان در کمال استحکام قلعه بندی نموده بودند اراده تصرف داشته قشون ژاپون آنها را عقب نشانند - و در این جنگ قصائی طرفین بسیار بوده است

(۴ شعبان - ۱۷ اکتوبر)

§ خبر روز از برسرگ خبر میدهد که دست جہازات بالٹیک که چهل و دو فروند است از (ریوال) بجناب (لیو) حرکت نمود

§ رسماً اعلان قبضه لشکریان روس را بر (ساهیو) مکه بین (مکدن و یئتائی) واقع است داده اند

§ خبریکه در این ماده رسیده قصائی روسیان صد نفر چش نبوده و این حادثه بواسطه آن واقع شده که طوفان شدیدی روسیان را از عقب منهد مینمود و ژاپونیان را از جلو مانع میگردد - سورت سرما در منتهای شدت - و دست و پایی قشون از کار افتاده است

§ تلگرافیکه از شنکائی به (دبلی تلگراف) رسیده ظاهر میدهد که در جنگ (لیاویانک) قوت قلب و شجاعت جنرال (ندزو) مایه فتح و سکامیابی ژاپون گردید -

چه مارشل (اویاما) و سائر سرداران ژاپونی اراده دادن حکم به عقب نشستن قشون داشتند - جنرال (ندزو) در این حکم ترض کرده خواهش نمود مکه حمله سختی نموده قشون خصم را از جای برکنند و طاقت نیز چنین شد - از آنرو ترض و توصیف این فتح همه راجع به جنرال (ندزو) است - چنان تصور میشود که مارشل (اویاما) عملاً قریب به (یکوهاما) طلب شود - اینک قشون در مقامات خود

والی موسم سرما در حرکتند و در غیاب مارشل (اویاما) اختیار کل قشون با جنرال (ندزو) خواهد بود

§ بموجب خبریکه از (مکدن) به جرابد روسیه رسیده در شمال (یئتائی) بوم دوشنبه و سه شنبه جنگی سخت واقع

همه نتیجه تاکنون غیر معلوم است و نقصائی طرفین پیشار ولی شب سه شنبه بعضی از روسها در قرب (یئتائی) دیده شده اند

§ خبر روز که در اردوی جنرال (اوکو) است بوم شنبه تلگرافاً خبر میدهد که مارشل (اویاما) سنگرهای خود را محکم نموده و حکم پیشقدمی بجناب میسره لشکریان روس داده است و دو لشکر توام آفاز به پیش قدمی نمودند

کشتی جنگی ژاپون (مین) که ۱۷ ستمبر غرق شده بود ۱۹۷ نفر را پیش حامل نبوده است

§ امروز متوالیا جنگ رفرار بود و نتیجه جنگ غیر معلوم است روسها با قشون زیاد حمله رمیخته لشکریان ژاپونیا بجناب (یتسوهو) مصمم گردیده ولی چنان منصور است که ژاپونیان جلو جلات آنان را گرفتند

§ نشوینش زیادی در برسرگ من باب سواران تحت امر (جنرال مسچنکو) که دو روز است از او خبری نرسیده مریه است - و چنان تصور می شود که موضوع تلگراف روزی که از (توکيو) رسیده که دو هزار سوارا روسی با دو

هراده توب از (یتسوهو) تاریخ نهم عبور نموده مقصد حمله بر اردوی جنرال کروکی ژاپونیان آنها را عقب نشانند و قصد محاصره شان مقدم گردند شاید سواران جنرال موصوف باشد

§ (مارشل اویاما) بتاريخ دهم خبر میدهد که ژاپونیان

§ نشوینش زیادی در برسرگ من باب سواران تحت امر (جنرال مسچنکو) که دو روز است از او خبری نرسیده مریه است - و چنان تصور می شود که موضوع تلگراف روزی که از (توکيو) رسیده که دو هزار سوارا روسی با دو

هراده توب از (یتسوهو) تاریخ نهم عبور نموده مقصد حمله بر اردوی جنرال کروکی ژاپونیان آنها را عقب نشانند و قصد محاصره شان مقدم گردند شاید سواران جنرال موصوف باشد

§ (مارشل اویاما) بتاريخ دهم خبر میدهد که ژاپونیان

§ نشوینش زیادی در برسرگ من باب سواران تحت امر (جنرال مسچنکو) که دو روز است از او خبری نرسیده مریه است - و چنان تصور می شود که موضوع تلگراف روزی که از (توکيو) رسیده که دو هزار سوارا روسی با دو

مجدداً مقامات از دست رفته را به تصرف خود می آورند - و جلات لشکریان روس را در (سیانگوان) که در شمال مغربی (سیپاتسی) است رد کرده آنان را عقب نشانند

§ جنرال (سزاروف) بتاريخ یازدهم خبر میدهد از جنگ سختی که بجناب شمال (یئتائی) واقع شده و اظهار میدهد که مقامات منیه را گاهی روسیان و گاهی ژاپونیان به تصرف خود می آورند جنرال (دانیلوف) در این جنگ کلونله به پای او خورده

باین حراحت در مقام خود مانده فرماندهی قشون اشتغال دارد

§ جہاز انگلیس (لوینگ) که بجناب بندر آنتور میرفت ژاپونیان گرفتار نمودند

(۴ شعبان - ۱۳ اکتوبر)

§ مارشل (اویاما) جلو لشکریان جنرال (آیوانکن) را در بیک جانب (یئتائی) در میدان وسیعی مانند ستون رخ نموده بودند

بست لشکریان منتشره روسی نمودند که قبل از آنیکه قشون (مارشل اویاما) بقوت تمام جلوگیری از آنال به نیابند بر آنها حمله نمایند

§ بوم سه شنبه علاوه بر حرکات قشونی روس که بحیال پیش قدمی بود اراده حمله بر بین اردوی ژاپون داشتند

§ بتاريخ یازدهم رسماً خبری که اشاعت شده ظاهر میدهد که بین اردوی ژاپون کمال قوت را دارا بود و مقام تحکمی که در نواح (یتسوهو) که بالای رودخانه (یتسی) بود به دست داشتند

جنگی بسیار سختی واقع شد و قشون کک قشون روس رسید

§ جنرال (اوکو) که باندائی میسره اردوی ژاپون را در دست بین اردوی او با یسار اردوی جنرال (ویدزو) بر (دول) و

تیتزو) که چهار میلی شال یئتائی واقع است حمله نمودند ولی تا شام نتوانستند قشون خصم را از جای خود بکنند - قلب اردوی جنرال (اوکو) لشکریان روس را عقب نشانند از مقام

(تاشان) که بتاريخ نهم روسیان بقبضه خود آوردند - میسره اردوی جنرال (ویدزو) بعد از حمله بر دشمنان (شلیاشانگ) در غصه نموده بجناب (کوکیاگانگ) پیشقدمی نمودند -

§ قونسل دولت ژاپون مفیم بمشی موجب خبریکه از دولت متبوعه خود یافته رسماً چنین اشاعت میدهد - که کشتی کریمه ژاپون (شیراناکا) بتاريخ دوازدهم جہاز انگلیس (لوینگ) را که حامل شیهه ممنوعه جنگ بود و بجناب بندر آنتور میرفت گرفتار نمود - رپوریکه درباره میدان جنگ از مارشل (اویاما) رسیده بموجب ذیل است

بنا بر تاریخ نهم در لشکریان دشمن احساس بی قراری بود برای حمله بر بین لشکریان ما بیک فوج سواره و دو هزار پیاده و دو توب

برای این حمله مصمم بودند صبح نهم از رودخانه (یتسی) عبور کردند در مقامی که چهل میل فاصله تا لیاویانک دارد وارد گردیدند و محاربات بین (سیهونگ) و

پنسی هو را مد کردند - قشون (یتسوهو) بعد از دو ازده ساعت جنگ مقامات خود را گامداشتند بعضی از سواران دشمن توپخانه خود را در شمال (پنسی هو) رفرار گداردند - بتاريخ نهم بیک دربرن از لشکریان

دشمن بر قلب شکر ما قریب برآه آمد حمله دو بین راه مکدن و لیاویانک بود رخ نمودند شام دشمن از مقام خود بجناب جنوب حرکت نمود و قدونیکه از دشمن بجناب بین

بنا بر تاریخ نهم در لشکریان دشمن احساس بی قراری بود برای حمله بر بین لشکریان ما بیک فوج سواره و دو هزار پیاده و دو توب

برای این حمله مصمم بودند صبح نهم از رودخانه (یتسی) عبور کردند در مقامی که چهل میل فاصله تا لیاویانک دارد وارد گردیدند و محاربات بین (سیهونگ) و

پنسی هو را مد کردند - قشون (یتسوهو) بعد از دو ازده ساعت جنگ مقامات خود را گامداشتند بعضی از سواران دشمن توپخانه خود را در شمال (پنسی هو) رفرار گداردند - بتاريخ نهم بیک دربرن از لشکریان

دشمن بر قلب شکر ما قریب برآه آمد حمله دو بین راه مکدن و لیاویانک بود رخ نمودند شام دشمن از مقام خود بجناب جنوب حرکت نمود و قدونیکه از دشمن بجناب بین

(۴ شعبان - ۱۴ اکتوبر)

بموجب ریورنیک جنرال (کروواتکن) میدهد جنگ دور سه شبه و شب چهارشنبه بسیار سخت بود. لشکریان روسی مراکز خود را بجانب چین متصرف بودند و شام به مرکز اصلی خود باز آمدند. قلب لشکر مجبور شد به بازگشت در مقام اصلی خود بساعت دو بعد از ظهر و از مسیر لشکر خبری نرسیده است. درین میدان تقصایات مازاد بود و من اکیدا حکم داده ام که برای فردا در مقامات خود سنگرها را محکم نمایند.

عبر (روتر) که دو اردوی مرکزی ملجور است خبر یافت که مینه اردوی ژاپون آغاز به تعاقب دشمن بجانب شمال نمود و نیز حقه بجانب (شیپیا توزو) فرستاده شدند تا دشمنانیکه باز می آیند از (ینسی هو) جلوگیری نمایند قلب لشکر تاکنون مشغول به پیشقدمی است دشمن متصل تا شام عقب می نشست دو حله شدید ر میسر لشکر ما شد تا کمال استقلال و تحمل تقصایات آنان را دفع دادیم.

جنرال (استال) از بندو (آوتیر) خبر میدهد که قشون ما مجدداً کوه (سگنل) را قبضه خود آوردند ژاپونیان از توپخانه جدید و قلاع متصرف خود سخت بر قلعه مرکزی شلیک می نمایند و بی در پی حلات آتل شدید تر میشود جنرال جنرال بستی بموجب اطلاعات رسی که از دولت خود یافته واقعات جنگ (بتاتی) را چنین می نویسد. از قرار

بیان (مارشل اوپاما) در قرب (ینسی هو) بوم چهارشنبه قشون ژاپون متصل حلات دشمن را دفع داد. حقه از مینه اردو بجانب (شیکیا تزی) که هشت مایلی شمال (ینسی هو) میباشد فرستاده شد سکه راه فرار را بر خصم به بندد و قلب لشکر و حقه از یار مینه اردوی ما بوم چهارشنبه برخی مقامات را که در جاب جنوب و شمال معدن (بتاتی) است متصرف شده و دایره و پیخودانه حله آورده دشمنان را تعاقب می نمایند قلب اردوی ما شب سه شبه آغاز جنگ کرد و متصرف شدند بعضی مقامات چند مایلی شرق (بتاتی) را و غنیمت حاصل کردند از تعاقب دشمنان دو توپ میدانی و هشت کالسکه حملو از قورخانه را غنیمت گرفتند بازده کالسکه قورخانه و بازده توپ میدانی و نیز در (سانکوا اشیا) گرفته علاوه یکصد و پنجاه اسیر نیز دستگیر کردند مینه و قلب اردوی ما در تعاقب خصم مقضی الرام بود و بوم چهارشنبه بیاید و سواره دشمن مجنونه و بی اختیارانه غیر منظم فرار نمودند بجانب دوازده مایلی (بتاتی) وسائر اردوی های روس بطریق غیر منظم بجانب شمال فرار کردند و میسر اردوی ما شب سه شبه قرب راه آهن که ده مایلی شمال (بتاتی) است بر دشمن متصل حله می آوردند قلب حقه میسر لشکر ما بعد از آنکه اردوی قوی خصم را عقب نشاند به تصرف خود آورد (لندزی شیچ) سکه پنج مایلی شمال و جنوب (بتاتی) است از آن بعد ما تعاقب نمودیم دشمنان را که با کمال بی نظمی فرار می نمودند و مجدداً چهار مراده توپ غنیمت حاصل کردیم در بین تعاقب دشمن دو سربیه بی در پی بلز گشت بر ما حله نمود ولی با تقصای بسیار هر دو توپ آنها را از جای کشیدیم. بین میسر اردوی ما در حقه تعاقب دشمن در قرب (شیلپور) پنج توپ و پنج کالسکه توپ خانه غنیمت حاصل کردند.

بود چندان مضطربانه حرکت نمیکردند از آن بعد از چهار طرف ما مشغول بچنگ شدیم.

جنرال موسوف واپورت (مارشل اوپاما) که بتاريخ دوم و یازدهم رسیده ازین قرار اعلان میدهد دو مقامیکه در سی مایلی لیاژواک و قرب (ینسوهو) واقع و دشمن از قبضه ما گرفته بودند یکی را به شیخون و دیگری را به پورش مجدداً بتاريخ دوم متصرف شدیم جمیع مقدمه الجیش و قشون بین ما تا شام بدفع دشمنانیکه پیش قدمی آغاز نموده و یکصد و پنجاه هزار و دارای توپخانه بزرگ از هر قسم بود اشتغال داشتند و بتاريخ یازدهم قلب و میسر لشکر ما مشغول بچنگ شده دشمنانیکه از تاریخ هفتم به بعد حله بر (سی انیکوان) که ۲۰ مایلی شمال شرقی (سیباچی) است حمله میکردند بتاريخ دوم شیخون بر آنها زده از جای کنده عقب نشاندیم جنرال نگار (بایر) از لندن خبر میدهد که سیاستون انگلستان و پاریس و نیویارک پیشقدمی جنرال (کروواتکن) را حله بر یکی از دو امر می نمایند یا حله و داعیه اوست از سبسالاری قشون اقصای شرق یا از بترسبرگ مأمور به پیش قدمی شده است.

جنرال (جریل) پاریس می نویسد که عدم رسیدن خبر او جنرال (سچنکو) با سواران او موورت تنویش اداره حکی (بترسبرگ) شده و از تلگرافیکه از (توکیو) رسیده معلوم می شود که جنرال موسوف و سواران او را ژاپونیان محاصره کرده گرفتار نموده اند.

جنرال متواتر که از جابین رسیده ظاهر میدارد که در اطراف (بتاتی) میان دو اردوی بسیار بزرگ که تجدید نمیتوان کرد متوالیاً بدون وقفه جنگ جاری است لشکریان روس سعی و جاهد اند که قشون جنرال (کروکی) که مینه اردوی ژاپون را در جاب (ینسی هو) فرمان گذار است از جای سکندمه منتشر سازند. جنرال (ندرو) که کماندان قلب لشکر است با جنرال (اوکو) که فرمانده مینه اردوست توام سعی اند که مینه لشکر روسی را از جای سکندمه منتشر نمایند جنرال (ندرو) ده مراده توپ میدانی را از لشکریان روس غنیمت گرفت.

عبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که جنرال (اوکو) بیست و پنج توپهای میدانی روس را غنیمت حاصل نمود که حله با توپهای جنرال (ندرو) گرفته سی و پنج می شود. از آخرین خبریکه از میدان جنگ رسیده ظاهر می شود سکه ژاپونیان هر یک ازین میدان نیز فتح و غلبه سوده اند.

جنرال (سحارف) خبر میدهد که بتاريخ یازدهم لشکریان ژاپون بر دو جاب راه آهن و شمالی بتاتی شروع بحمله نمودند قشون ما تمام روز مقامات خود را حفظ کرده سوازی چند قطعه که قشون آن نقاط را برای قوت مقامات دیگر طلب شده بود که قبضه دشمن آمد.

عبر (روتر) از (توکیو) رسماً خبر یافته که اردوهای مختلفه ژاپون در جنگ بوم چهارشنبه عموماً تعقیب شده و هر سه لشکر ژاپونی سکه میسر و حقه و قلب باشد کاملاً مقصر الرام گردیدند در نواح (ینسی هو) ژاپونیان در محاصره دشمن کم کم کامیاب میگرددند این واپورت می نماید که تعاقب نمودن جنرال (کروکی) و جنرال (ندرو) حسب حرام بوده و بر جیبان اردوی خصم را منتشر ساخته اند.

جبل المتین کلکتہ

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم ادارہ

آقا محمد سجواد شیرازی است

هر دو شنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دو شنبه

(۱۴ شعبان ۱۳۲۲ هجری)

مصادف با

از هر کس و هر جا بلا استثناء ابونہ اخبار

(مقدم گرت می شود)

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

(-الانہ - شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپہ - ۷ روپہ)

ایران - افغانستان

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک)

روس - و ترکستان

۲۴ اکتوبر ۱۹۰۴ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) (۱۰ منات - ۶ منات)

جبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

در این حربہ از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

مراسلات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست

فہرست مندرجات

- خبر مقدم
- تلاکرات
- مکتوب
- جبل المتین
- تفریط
- ملاحظہ حال شرق و غرب
- مکتوب از
- انزلی
- مال کار نابکار بزد
- جبل المتین
- کرمان و بلوچستان و بلوکات
- استراباد
- گنبد قابوس
- اصلاحات جدیدہ
- مکتوب بوشہر
- ایضاً مکتوب
- جبل المتین
- مقالہ یکی از رجال بزرگ طهران
- بوشہر
- خطبہ
- جسکامہ
- ترجمہ از روزنامہ
- غرامتلوید
- قابل توجہ شہزادہ صدر اعظم
- ہرستان
- جبل المتین
- مکتوب از اسلامبول
- جینہ
- تلاکرات
- کیسیون تجارتی

خبر مقدم

یگانہ دانشمند فرزادہ جناب آقا میرزا آقا (لیب الممالک) مدیر محترم روزنامہ شرقی مظفری بوشہر کہ بی یاز از تعریف و توصیف است محض تحصیل فن تکمیل ادوات مطبعہ چند روز میشود سلامت وارد بمبئی گردیدہ نوع خواهان معارف بڑوہ را از ملاقات خود محظوظ و متلذذ نمودند۔ جناب ایب الممالک از رجال خیر ذی ہمت وطن خواہ است کہ الحقی وجودش را از غنائم وقت باید شمرد۔ ایرانیان بمبئی و تجار محترم معارف خواہ ہمہ قسم احترام و ہمہ گونه پذیرائی از ایشان نمودند اعضای ادارہ جبل المتین با منہای مسرت و خوشوقتی قدم ہم قدم گرامی خود و ورود بمصر

محترم خویش را تبریک گفتہ سلامتی ایشان و نیل بمقاصد عالیہ شان را کہ ہمہ در راہ خدمت مایہ و دولہ و وطن برقی است از خداوند مستات مینمایند

تلاکرات

(۱۴ اکتوبر - ۴ شعبان)

در پترسبرگ غنیمت گرفتن ژاپونیان ۱۶ ہرادہ توپ را از قشون روس تسلیم نمودہ اند

یکی از وقایع نگاران اخبارات روسی بیان مینماید کہ جنگ موجودہ سخت تر و شدید تر از جنگ (لباؤباتک) بود۔ لشکرین متنازعین از جان گشتہ بجنگ برخاستہ اند۔ ہریک از مقامہای مضابہ کہ در قرب وجوار میدان جنگ است در یک روز شش مرتبہ و ہفت مرتبہ ہریک از دو لشکر قبضہ نمودہ دیگری با خصانات بسیار از تصرفش بیرون آورده است۔ و غالباً جنگہای دست یغہ پیش می آید۔ و ہریک برای ہلاک خصم ہمہ قسم تدبیر مینمایند۔ تمام شب بدون وقفہ از طرفین شلیک توپ جاری است

از مراسلات روسی جنرل (کروباتکن) کہ دربارہ جنگ یوم چهارشنبہ نوشتہ استفادہ میشود کہ بواسطہ مدد رسیدن قشون ژاپون حہ اولیہ قشون ما بحساب (بنی ہو) - و دمنند واقع نگردد۔ و پیسرہ قشون مارا نقصان رسید و آن حصہ قشود کہ کاملاً از لردو جدا شدہ بود نابود گردیدہ۔ جنرل بوصوف تسلیم مینماید

دشمن بهاب بین رودخانه (شاهو) رود شده دشمنان
بانتصابی زیاد عقب نشستند - علاوه بر توپ - تفنگ
قورخانه و کالسکهای بسیار غنیمت لشکریان ما شد

(۶ شعبان - ۱۶ اکتوبر)

§ خبر (روزی) از (توکيو) خبر میدهد که از قرائن آنچه
ظاهر شده راپورت مارشل (اویاما) دربارهٔ مقتولین
روس که سی هزار نفر بقیه آمده بسیار قلیل و کم است
لشکریان روس چهار هزار و پانصد مقتولین خود را در
اردوی جنرال (کرووی) بدون دفن گذارده فرار نمودند
قط در این میدان قصاصات روسی بست هزار نفر بود
جنرال (اوکو) و جنرال (بوزو) خبر میدهند که در جنگ
چهاردهم اول دو هزار و تاقی دو هزار و پانصد
مقتولین روس را دفن نمودند

§ (مارشل اویاما) مینویسد که آنچه بقیه آمده در تاریخ
۱۵ و ۱۶ لشکریان روس ده هزار کشتگان خود را در
میدان جنگ بلا دفن گذارده فرار نمودند

§ بموجب تلگرافیکه از مکن رسیده در جنگ ۱۴
اردوی نمبر ۱۷ و ۶ روسا قصاصات بسیار رسیدم است
این دو اردو شش نوبت حملات واپون را جلو گرفتند
و سه مرتبه توپخانه واپون را خاموش کردند - و ماقبت
قبل از جنگ اطراف رودخانه (شاهو) فرار اختیار
کردند

§ قشون روس تا کنون با کمال تهور بجنگ ایستاده
مترصد فتح خود و شکست دشمن هستند - لشکریان واپون
نه فقط قشون روس را شکست داده تا مسافت بسیار
بیدی آنها را تعاقب نموده و مینمایند - علاوه بر توپخانه
قشون واپون از لشکریان روس غنیمت گرفته اسباب
جنگی و قورخانه و تفنگ بسیار هم متصرف شده اند -

قصاصات واپون نسبت بروس بسیار کم بود ماست
§ ۲۸۵ جهاز جنگی روسی از آبنای (دارن هلم) (دارن هلم)
بجانب اقصای شرق رهسپار شده اند

§ بواسطهٔ کشتار یشمار و خونریزیهای بسیار اهالی
واپون درین فتنه ندهای خود در توکیو چندان اظهار
بشاشت و مسرت نموده - و غالباً اهالی نوع پرست از
رجال دولت پرسش مینمایند که آیا وقت آن نرسیده است که
دولت واپون شرایط صلح را بدولت روس پیش نماید ؟
§ خبر (روزی) از (مکن) خبر میدهد که دیروز
تنور جنگ سرد بود - امروز در ده میلی جنوب
شرقی مکن جنگ در پیش است - خبر مذکور میگوید
اگرچه جنرال (کروپاتکن) سی هزار نفوس را تلف
نموده ولی هنوز مقتدر است که ایستادگی نماید و جمیع
قشون خود را برای جنگ معیا مینماید -

قصاصات عظیمهٔ این جنگ را ولی بیان تفصیلی آن
را مینماید

§ دربارهٔ توپخانه واپون غنیمت گرفته اند جنرال
(کروپاتکن) بیان مینماید که حصهٔ قشون مینمهٔ اردو
عبور شد که توپهای خود را از دست بدهند - مگر
بعداً توپهای خود را سوای ششازده عدد هم را
متصرف شدند

§ حملات سخت قشون روس واپون را عبور نمود
که از توپخانه متصرف بودند بگذرند

§ خبر (روزی) از توکیو خبر میدهد که بموجب راپورت
مارشل (اویاما) جنگ میدانی دولشکر با منتهای سختی
جاری است و لشکریان واپون در هر میدان کامیاب می شوند
(۱۵ اکتوبر - ۵ شعبان)

§ مارشل اویاما تفصیلی جنگ چهارشنبه و پنجشنبه را
چنین مینویسد - حملات بی دویی قشون روس را در
(پنسی هو) یوم چهارشنبه لشکریان ما رد کردند قلب
و میسرهٔ لشکریان ما دشمن را از مقاطعات منبیهٔ خود
خارج نمودند - و بعد از حملات سخت کامیابی کامل
حاصل کرده حصهٔ از مینمهٔ لشکر ما دست از قشون روس
را از سر کار خود خارج ساخته آن مقاطعات را بقبضهٔ
خلویش در آوردند

§ خبر (روزی) از (پتسبرگ) خبر میدهد که انتشار
اخبار جنگ موجودهٔ منچوریا خیلی مورت اغتشاش
حواس اهالی گردیده عوض آن همه سرمهائیکه از
انتشار اعلان جنرال (کروپاتکن) حاصل شده بود
حالهٔ رنج و صدمه گردیده - تلمات قشون روس را هشت
هزار تصور میکنند

§ جنرال (اوکو) یوم گذشت مجدداً ده هزارهٔ توپ
را متصرف گردیده و جنگ سختی با لشکریان روس در
پیش دارد

§ یکی از وقایع نگاران اخبارات فرانسه از (پتسبرگ)
خبر میدهد که اهالی شکستهای جنرال (کروپاتکن) و
قصاصات عظیمهٔ قشون را خیلی مایهٔ تپاهی و برادی
تصور میکنند

§ شهرت داده اند که یقهٔ روسی جنرال (کروپاتکن)
برای شکست دادن دشمن لازم بود - چه قلوب عامه
از اخبار شکست (لیاویانک) افسرده شده بود و قشون
دشمنی روس در رفتن به میدان جنگ تن در عیداد
§ مارشل (اویاما) خبر میدهد که تلفات قشون
روس (۳۰۰۰۰) نفر بقیه آمده و لشکریان روسی
در هر میدان شکست فاحش خورده نا بود می شوند
§ مارشل (اویاما) خبر میدهد که جمیع حملات

۱- کشتی دو آبنای (گريت پلت) دیده شده اند
 ۲ جنرال (سمنارف) راپورت میدهد که بعد از جنگ سخت دیروز لشکریان روس ژاپونیان را از کوهیک در جنوبی (شاهو) میباشند عقب راندند و در آنجا متصرف شدند

۳ مسر (هیانی) جنرال قونسل ژاپون منیم پیشی بموجب رپورت مارشل (اویاما) که بتاريخ ۱ داده رسماً چنین خبر میدهد که مقتولین روس در میمنه اردوی ماچهار هزار و پانصد بود. و آنچه را خود روسیان دفن کرده حسابش بدست نیامده و صد نفر از لشکر روس بتازکی اسیر شده اند. و چنان تصور می شود که دیروز نقصانات روس بیست هزار نفر بود. تلفات روس در قلب و میسره لشکر نیز ندارد می شود عدد کشتگان روس که تا روز پخشیه لشکریان ژاپون دفن کرده اند دو هزار نفر بوده و این خبر راجع به میسره قشون است. مارشل (اویاما) عدد مقتولین روس که در قلب لشکر دین شده و تا کنون بقیه آمده دو هزار و پانصد مینویسد. تا دیروز عدد مقتولین روس که ژاپونیان دفن کرده هفت هزار و پانصد و پنجاه نفر بوده است. و نقصانات میسره لشکر که در جنگ سخت چه و شبه واقع شده. درین شامل نیست در هر نقطه مقتولین روس افتاده و کشتهگان روسی ملاحظه می شوند.

مارشل (اویاما) درباره جنگ یوم چه چنین رپورت میدهد. که يك حصه قشون بسرداری (برسن کابین) بجانب راست (پتسی هو) که هفت میل (پسی هو) میباشد مشغول بجنگ میباشد. حله و پیشقدمی لشکریان ما خیلی با انتظام و خوب صورت بود. قشون میسره ما ده مرافه نوب دیگر از روسیان غنیمت گرفته اند. قلب لشکر ما دشمنان را بجانب چپ رودخانه (شاهو) که منشأ اصلی آنان مطابق نقشه که در پیش داشتند حله بر ما بود فرار دادند. نقصانات روس اضافه از سی هزار بشمار آمده یوم پخشیه دو هزار نفر مقتولین روس را ما دفن نمودیم. غنیمت زیادی از تفنگ و قور خانه و کالسکه و غیره علاوه بر آن توپهایی ذکر کردیم غنیمت مانده است

۴ خبر (روتی) از (توکیو) خبر میدهد که لشکریان روس باکل قوت و سختی تدارک حله دیده بر میسره قشون ما که

۵ قبل از جنگ خبر مذکور جنرال (کروبانکن) را ملاقات نموده بین صحبت جنرال موسوف تعریف زیادی از همت و جادری ژاپونیان نموده است و ضمناً اظهار داشته که قشون ژاپون در نگاهداری قوانین جنگی با کمال وفاداری استقامت میورزند. نیز جنرال (کروبانکن) میگوید که در بسیاری از جنگهایی که خود شامل بوده مقام عبوت و تپاشا بوده است

(۷ شعبان - ۱۷ اکتوبر)

۶ خبر (روتی) دیشب از (توکیو) خبر میدهد که مارشل (اویاما) از تاریخ دم آنچه جنگ شده بجنگ (شاهو) موسوم نموده و چنین مینویسد که جنگ میمنه و قلب لشکر موقوف شد ولی هنوز در میسره بقی است

۷ خبر (روتی) که در اردوی روس است خبر میدهد که شش روزه این جنگ از جنگ (پاوانک) شدید تر بود و نتیجه جنگهای مختلفه برای قشون روس جز قتل و فرار نبود. ایشوقت لشکریان ژاپون بر قلب لشکر روس حله میبایند. بواسطه شدت شلیک توپ طوفان عظیمی بر پا شده تگرگ زیادی باریده است. و قشون دولین متعاریتین کاملاً از جنگ حسته شده اند.

۸ خبر (روتی) از (مکن) خبر میدهد که یکدفعه جنگ موقوف شده و قشون حسته گشته اند. و آذوقه طرفین کم گردیده است

۹ روزنامه دیلی تلگراف در اخبار خود سوال مینماید که آیا در دربار دولت روس هیچ وزیری نیست که از تلهی حنظل جنگ امپراطور معظم را آگاه نموده ترغیب دهد که اینک صلح باید کرد؟

۱۰ روزنامه (دیلی کراکل) مینویسد که ژاپونیان در این جنگ ثابت نمودند که هم در جنگ و هم در اصول سرداری لشکر بدرجات شق از دشمنان خود زیادند

۱۱ روزنامه استردرد مینویسد که اصول قشون ژاپون بهترین اصول دول جنگجوست.

۱۲ خبر (روتی) از (مکن) خبر میدهد که دیشب تا صبح تنور جنگ گرم بود. خصوصاً از نصف شب که جنگ بسیار سخت شد. قشون روس تا کنون در نواح (شاهو) دیده می شوند. ولشکریان حصه شرقی اردوی مغربی او را همد میروانند

۱۳ دست جهلانات (پاتیک) امروز ذغال گریه

تحت امر جنرال (اوکو) است حمله نمودند. شش توبت حملات بی دربی کرده با قصابی زیاد ژاپنیان آنرا عقب نشاندند. فروپ آفتاب هفتمین حمله را نیز نموده پیشقدمی آثار مسکروند. تلفات روس بسیار شده است § وکیل [روتر] با (بارن هیاشی) سفیر ژاپون در لندن امروز ملاقی شده - درباره صلح سؤال کرده. سفیر هنزی آلیه جواب داده که تکلیف ژاپون نیست که درباره صلح آغاز به بحث نماید و موقع آنرا ظاهر دارد - این امر بسته عیل خاطر شخص شخص امپراطور روس است - سفیر موصوف اظهار داشته که در موسم سرما هیچ ضرورت و مانی ما را در پیش نیست که جنگ را موقوف داریم و پس ازین جنگ هم قبضه ما بر (نینگ) خواهد بود - و از آن بعد پیشقدمی قشون ما را بچسان (هاربن) هیچ مانی نخواهد بود -

§ دولت ژاپون به بچار جنوب (اسکاتلند) برای لباس زمستانی لشکر حکم و فرمایش زیادی داده است (۸ شوال - ۱۵ اکتور)

§ مخبر (روتر) که در اردوی ژاپون در بندر (آهر) است در مراسم یازدهم خود بیان می نماید که تا سی و یکم جولائی قصابان قشون ژاپون در بندر مذکور پنج هزار بوده و تلفات روس هزار و پانصد

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که در جنگ (شاهو) دوست هزار قشون پیاده و پست و شش هزار لشکریان سواره و نهصد و بیست توب در مقابل ژاپون مشغول بجنگ بود

§ مخبر (روتر) از اردوی جنرال (اوکو) خبر میدهد که مظلون است لشکریان روس از رودخانه (منهو) عبور کرده با ژاپنیان سخت مقابله نمایند § ژاپنیان تدابیری برای قبضه و تصرف مسکدن نموده اند

§ از مراسلات روس و ژاپون که از میدان جنگ رسیده ظاهر میشود که مجددا لشکریان روس با غایت استقلال جمع شده که بر قلب و میسر اردوی خصم حمله نماید - چنانچه درین حزم مقضی للرام شده و حمله نموده ۱۶ مراده توبت ژاپون را قبضه نمودند

§ وزارت خارجه کپان مسکو رسالت (موتیلا) را

را آنگاه نموده که هرکس اسباب راه آهن یا پنه برای دواین متعاریتین حل نماید خود ذمه دار خواهد بود § مخبر (روتر) از توکیو) خبر میدهد که در شب لشکریان روس با منتهای جلالت و استقلال بر اردوی جنرال (ندزو) و جنرال (اوکو) و جنرال (مسکروکی) حمله نموده در هر میدان با قصابی زیاد حملاتشان رد شده است

§ (مارشل اولیا) رپورت میدهد که در مقابله جنرال (ندزو) روسیان را قشون کک زیاد رسیده است - درباره از دست دادن ۱۷ مراده توبت چنین بیان می نماید که یوم یکشنبه دو فوج که تحت امر (ریگیدر جاطالا) بود بعد از شکست دادن دشمن برگر خود معاودت می نمود قشون روس که اضافه بر ۴۰ هزار بودند در کین نشسته بر آنان حمله نمودند - با اینکه جنگ دست به پنجه شد بعد از زده و خورد زیاد قشون خود را نجات داد - ولی اسبهای توپخانه بسیار کشته شده بودند بناچار چهارده توبت را گذارد غنیمت دشمنان گردید

§ قصابان ژاپون در جنگ یوم یکشنبه هزار نفر قتل آمده است

§ جنرال (سزاروف) خبر میدهد که شب یکشنبه با حملات قشون ژاپون بر میمنه اردوی قشون ما کوه (لونتری) را از دست نداده هنوز تصرفند و مقام دیگر را در هری (شاسویو) تصرف کردند قشون ژاپون برای مقابله با قلب لشکر روس تدارک می بینند - در مسره لشکر دیروز جنگی پیش نیامد

(۱۹ اکتور - ۹ شعبان)

§ کپانی (ویلس) اضافه بر پانصد تن ذغال و چوب و غیره از دریای مدیترانه بجانب مغرب افریقا ار راه (کپ) در اکتور ونومبر و دسمبر بحساب دولت روس روانه خواهد نمود - این حکم فرمایش محرمانه به کپانی (ممبرک امریکن) رسیده و کپانی مذکور فرمایش به دوازده نفر بچار که وکیلشان در (کاردیف) موجود بود داده است

§ مخبر (روتر) از (مسکدن) تاریخ مقدم خبر میدهد که نعت و سختی جنگ در کنار شرقی رودخانه (شاهو) بیت و بسیار کم خبر میدهد و جنگ بسیار سخت خواهد بود

مکتوب

از هنگامیکه تکمیل اداره کمرکات شده خاصه از یکسال گذشته هر ماه یا هر هفته تعریف و تمجید از حسن اداره و نظم دایرة این وزارت در جراید ایران و مراسلات ایرانیان دیده شده است - و ما هم مینویسند بر حسب امر (مستقر) فلان یا جناب فلان بنمای فلان عمارت نهاده یا تمام شد

بنده انتظام کمرکات را متصرف و در منافض هم حرفی ندادم ولی هر روز در روزنامه فارسی اینگونه مضامین نگاشتن خوش نیست - نظم دادن هر اداره و ساختن سراها و ایستگاه های لازمه فرضی منصفی وزارت کمرکات و اجرای ایشان است ادای وظائف چندان واجب تمجید و تحریر در جراید نیست بلی اگر مانند سهو و خطای یک مأمور قرظینه سبب اسباب سرایت و با شده و مایه اتلاف عزادان قوس محترمه گردید بنویسند سود و ثمرش زیاد است

بهری انتظام کمرکات و اجرای قانون یکی از خالات عالیه و علانیة امیر کبیر رضوان مکان میرزا تقی خان اتابک اعظم بود و در سنه (۱۲۶۷) امر فرمود سکه در یک جا از مال التحاریر کمرک بگیرند و سواد یک رقم آن سر و م که در حواب مهربان بخار یزد سر قوس فرموده اند ذیلاً نقل میشود

سواد رقم سر حجت شهب امیر کبیر

(میرزا تقی خان اتابک اعظم)

بعد از عنوان تجاودار الباقی یزد سلامت بوده خوشوقت باشند - نوشته شماها رسید و مضمون آن من اول الی الاخر معلوم گردید حواب مطالب شماها را مشروفاً مسبوفاً بمالیجه اهت و نجات همراه نتیجه الحوائج العظام شیخ علی خان نایب الحکومه یزد نوشته ایم و این مختصر را هم میویسیم - اینکه نوشته بودید تمدغن شده است که از بندر عباس مال التحاریر نیاید و همه بارها از بندر ابوشهر بیاید و این برای شماها سرد دارد معلوم میشود که شماها از مضمون نوشته این جانب کما یبغی استحضار هم فرمایید - من نوشته و دم که چون در یزد از بعضی احساس موافق تحصیل سکه در نوشته سابق قید شده کمرک گرفته میشود - از آن احساس کمرک گرفته شود - باین معنی که هر قدر مال از بندر ابوشهر بیاید چنانچه تذکره از مباشر کمرک آنجا در دست است در یزد کمرک آنرا نگینند لیکن باری چهار هزار دینار بابت راه داری از آن گرفته شود و اگر تذکره در دست نداشتند کمرک آنرا در یزد بدهند و اما هر باری که از بندر عباس به یزد می آید حکم این است سکه در هیچ جا کمرک نگینند مگر در یزد در این باب شرحی هم بمالیجه شیخ سیف نوشته شده که در بندر عباس کمرک مال را نگیند و چنین حکمی نشده است که بارهای تجار همه از بندر ابوشهر بیاید از هر جا که بخواهند بیاورند - و در باب مال فرنگ که از تبریز به یزد می آورند بمالیجه شیخ علی خان نوشته شده است که باری که از سمت تبریز می آورند در یزد کمرک آنرا نیز نگیند همان راه داری را مطالبه نماید اما مالی که از فرنگ باشد و از بندر عباس بیاورند در یزد کمرک باید گرفته شود و در باب مالی که نایب الحکومه بجهت گرفتن کمرک آن از شماها اسیار نموده است و شما خواهش نموده بودید که این دغه هم از این بارها کمرک گرفته نشود تا حکمی از دیوان اعلان برسد این خواهش شما ضرر دیوان ما یون است

در این باب بنایب الحکومه نوشته شد که تحصیل مال را و وجه کمرک را از شماها تمسک معتبر گرفته مالهای شما را رد کند و نگاه ندارد که باعث خاری و بی اعتباری شماها بشود تا مجدداً از دیوان اعلان در این باب برای نایب الحکومه حکمی برسد و شماها در هر باب و هر مواد بدل و انصاف پادشاه اسلام بنا فر و جاء خلدافه شوکت امیدوار بوده مطالب و مستدعیات خود را اظهار نمایند حردی فی چهارم شهر ربیع الثانی سنه (۱۲۶۷)

حبل المتین

بلی تشکیل وزارت کمرکات و اجرای قانون از مقاصد اصلیه و مکنونات قیة در بر عدیه النظر امیر کبیر بود - اگر وزرا و اسراء طهران در آن زمان اطاعت امر پادشاه کرده و با آن مرحوم همراهی شده بودند سالیانه ده تا دو تومان بهد از مخارج عاید دولت شدی و تا حال با قصد و شصت کرور تومان بر بیت المال فزایش یافته و اسباب هزار گونه سعادت و منفعت ملت از انتظام ملک اداره فراهم میشد بلکه در صورت اتفاق و اتحاد رجال در اراده اجراء قانون مالیات ایران - ایالت اقلای سینه بکصد کرور تومان ابلاغ میگرددید و اکنون دولت روز از روز فزایش از قانون بیشتر رفته بود حیف و دردنا که ز شأنت کثرت الدنگهای حوش بخت در طهران آن وقت و موقع نیکو فرصت طولانی از دست رفت ولی از سر حجت امیر کبیر و طابن شریعت مطهره و حسن بیت و اقتضا سعادت عظمی مجدداً شخص منظم کافی مسد وزارت عظمی را بمنزلات مبارک مشرف ساخت

دست غیب آمد و بر سینه بدخواهان رد

دو باره نوبت فرصت طولانی رسید - لهذا بر دست

هفت دس دارانه ملک محترم باین هواماً و خانواده سینه سلطنت و چاکران دولت خصوصاً مرض و لازم است که منی حکم محکم (اصحی لله و اضیه الرسول و الی الامر) را عموم حالی فرمانند و همگی را اجراء احکام آن مجید و قانون مفید و پیشرفت منطلوبات عادلانه اقدس پادشاهی و کمال همراهِ با صدارت جلیله عظمی ز دل و جان سعی و جهد شوند تا داری سعادت داری گردند و خداوند یار و معین جلی گردد

دوات همه ز اتفاق خیزد - بیداری از اتفاق خیزد

تقریظ

رسالة شریفه (اشکال المیزان) در علم منطق - که

تصور معانیش تصدیق دامان سال هوش اهل قال - و نتیجه صغری و کبرایش میزان اعتدال منطق و مغال - زبان متکلمین تصدیق مقالاتش گویا و منطق متبحرین به موجبات کلماتش بویا جزئیات اشاراتش شوارق الهام و کلیات بیاناتش شفای علل و اسقام دور هر سطرش شرطهای لای محزومه مکنون و در هر کله اش خزانه های گوهر مراد مغزون (ولعمری یبغی ان تسبی هدایة المرشدین لانها سلم برقی بها الی ذروة الیقین و یحق ان تنقل بها حور الجنان - بدلاً عن قلاید اللؤلؤ والمرجان)

که از تصنیفات ریاضه و تألیفات فایقه فاضل بیکانه و عالم
فرزانه سرآمد دانشندان جهان و سرخیل افغان
دوران حکیم حکمت پژوه و فیلسوف ارسطو شکوه مقنن
قوانین فلسفه و حکمت میرزا محمد صیر حسینی شیرازی
متخصص به (فرصت) که خدایش فرصت دهد برای اشاعت
علم و معرفت باداره رسیده. الحاق مسائل منطقیه را با
کمال ایجاز و اختصار بلفاظ کم و معانی بسیار داراست
عربی زبانان را سالی است بجهت ارتقای مدارج علم
و ادب بیمنت تعلم و آموختن زبان عرب - امیدوار
ز الطاف حضرت آفریدگار چنانیم که اطفال دبستان
وطن و نوباوهگان بوستان زمین را از برکت این تصنیف
منیف بعلی درجه ترقیات علمی آیل فروده مصنف
جلیل را اجر و مزد زیاد فرماید. بالنی و آله الامجاد
صلوات الله علیهم الی یوم التناد

ملاحظه حال شرق و غرب

(شماره ۴)

پس همه اعضا مجلس بانفاق کله از ژاپون در
خواست نمودند که بر حکمرانی قرار گیرد و در کمال
فصاحت بیان و طلاقت لسان بدون باک و هراس
آنچه را در طول زمان آموخته و آزموده است از
حقیقت مرض مشرق زمین و دواء این درد مزمن
و کیفیت استعمال ادویه تقریر نماید و این بارگران غم
و اندوه را از دوش خاطرهما بردارد
ژاپون نظر بخواش اعضا مجلس بر کرسی صروج
مود و بنای خود را چنین شروع کرد
آقایان و برادران - سوء احوال این مریض ناشی
ز تداخل و تراکم چندین امراض مختلفه و ناخوشیهای
متعدده است که در یک موضع جمع گشته بدن را کاسته
و روح را خسته اند - چه امراضیکه هر یک بانفراد
مرضی بزرگ و دردی صعبالعلاج اند - هر یک بجهت
وبرای جهانی کافی و اعدام عالی وافی است
(اول) جهالت ملت و نادانی امت چه این اقوام
شرقیه سالهاست از سی در تحصیل علوم و فنون
خصوص حکمت عملی که عبارت است از تهذیب اخلاق
و تدبیر منزل و سیاست مدن باز مانده اند کتب و دفاتر
علی و بیک سونهاده مدارس و کتاب را تعطیل کرده
قد - بر بسترواحیت و آسایش خفته اند هر روزندان

و دانش آموزان بدور افتاده - نامه بخردان را افسانه
و اساطیرالاولین شمرده آلات و احوات فیه را ضایع
و باهال نموده اند. علم علم را سرنگون کرده و درخت
دانش و بینش را از بیخ و بن برکنده آینه حقایق
و فضائل را بسنگ جفا شکسته خانه فضل و کمال را با
طهره نادانی ویران ساخته آتش در خرمن هستی معارف
انداخته اند. معلومات سابقه بمرور ایام از لوحه خواطر
سفرده معارف جدید را نیز نیاموخته از آن باز مانده
و بدین یک نرسیده اند - تا آنکه صحت علم و سلامت
معرفت کناره جسته مرض جهالت و نادانی انرا احاطه
نموده دایره وار همگی را فرا گرفت

این مسئله معلوم است که صحت و مرض را لوازم
چند و هر یک را توابع متعدده است - چنانکه قوت
مزاج و خورد و خواب معتدل و استقامت فکر و
زانانی از جنود سلامتند. و ضعف و قور و انقلاب
حال و خروج از نقطه اعتدال در خوردن و خوابیدن
و اعوجاج قوه فکریه و وجع وغیره از لشکر مرض -
همچنین چون علم رخت بیست پیروان اونیزه تابش کردند
و بر آرش بار بستند. از طرف دیگر مفاسد و معایب
بسیار که رفیق جهالت و دست بروردگان اونند شروع
بجلبوه و ظهور نمود که برخی از آنها را در این موقع
میشمارم و مابقی را بخرد و هوش حاضرین وا گذار مینمایم
(الف) فساد اخلاقی و صفات دمیجه و عادات قبیحه

از قبیل نفاق و شقاق و مکذب و بهتان و خود
رضی و خود بسندی و افتراء و ابداء نوع و شرارت
نفس و شرارت طبع و طمع در اموال غیر و نظر
در ماهوس دیگران و تقاب و حيله و دسیسه و خیانت
بولی نعمت و دزدی و قساوت قاب و بیرحمی و
نا جوان مردی ، فسق و فجور و لواط و زناه
محسنه و حسد و بخل و کینه زاده جهالت است پرده
غبادت بر چشم بینسانی پوشید - حسن و قبح اشیاء را
در حجاب استنار پنهان ساخت خوب و زشت بدو
نیک را بهم مشتبه نمود. چه جهالت بمنابۀ ظلمت و علم
در مرتبه نور است باوجود ظلمت و تاریکی تشخیص
الوان نتوان داد - کور مادر زاد که از فیض نور بی
نسیب است چگونه و چاهت خود چنان را با زشتی
غول بیابان تمیز تواند داد - و کرطیعی صوت بلبل

باز ماندگان را نیز پیر دازد و در روز روشن تدارک شب نار را بنماید و در وقت صحت لوازم مرض را فراهم نماید - اینست هرچه بطرف استقبال پیش روند کار جاهل آشفته و خانه خام شسته و رفته گردد - حرکت این همه باوج و رفعت و سیر آن همه بخصیض و ذلت - چنانکه هر قدر زمستان پیش آید حیوانات منمنده را موقع راحت و عیش شود و حیوانات وحشیه را زمان رنج و طیش - چه آنان توبه و تدارک این وقت را پیش از وقوع نموده اند - بالعکس آنها که در پی راحت فوری بوده و ملاحظه ایام تنگی و سختی را ننموده اند (باقی دارد)

مکتوب از انزلی

امروز شاهنشاهزاده اعظم عضدالسلطان در ماضی طای گیلان به طریق بحر خزر از رودسر بانزلی تشریف آورده بطرف طوالش و همسپار گردیدند که بامووات کشوری و لشگری و پیدگی فرمایند - چون وقت تنگ بود بمدرسه (عضدیة) تشریف بیورده و ولی پناه نرشاگردان مدرسه مبارکه عضدیة در حالتیکه معلم و معاور و ناظم بطور نظام همراهشان بود بقسم دفیله در عمارت دولی شمس الماره از حضور گذشتن سلام دادند - شاهنشاهزاده خیلی خوشوقت از حسن خدمات (عمی هاپور) ایب الحکومه انزلی شده اظهار محبت خود در اجابت بمؤسس این اساس فرمود - نطق شاهنشاهزاده عضدالسلطان

بدین نطق فرمودند - این شاگردان که نواوگان وطن گرامی اند برادران من هستند و من آنها را بواسطه این برادر خطاب مینمایم که هرچه زودتر فارغ التحصیل شوند و بمدارج عامیه ارتقا جویند بخدمات ماتی و دولتی بهتر خواهند پرداخت و بعد از تحصیل علوم لازمه قرار نخواهند کرد تریاک نخواهند کشید حرکات پست و زشت را مرتکب نخواهند گردید - مدرسه خیلی محسنات دارد این اطفال و قبیله که دوره تعلیم خود را تمام نمودند میتوانند نوع خودشانرا تربیت کنند چند سال دیگر بندر انزلی بل نیامت گیلان از اثر مدارس جدیده تربیت پیدا خواهد نمود و اغلب شان از مدارس فارغ التحصیل خواهند درآمد و خیلی خوشی و قلم که در بندر انزلی مدرسه بنام من دائر شد است و فوق العاده همراهی در بقای این امر عظیم لازم است از شما اعیان و اشراف و مسالین این

را با صدای زاف و زغن چه تفاوت خواهد نمود - مگر در تواریخ ملل قدیمه نخوانده اید یا در امم و حشیه حاضره مشاهده نکردماید اخلاق و عاداتی را که آدمی از تصور آن منضجر گردد و شخص متعین را خیال آن مرتضی سازد - همه بواسطه جهالت و تیرگی صفحه سینه آنهاست بمثل رسولان و فرستادن و طشوران - ازال نامهای آسانی همگی سبب تحمل مال بجهلیه اخلاق حسنه و صفات حمیده و ترك طادات زشت و افعال ناروا بود - چرا که اول قدسی که در راه تمدن باید نهاد همان تهذیب اخلاق است و آن موقوف بتربیت و پرورش در مکتب علمیه و آگاهی از حقیقت انسانیت است شخص مائل دمای خردمند هرگز پیرامون رذائل صفات و قبایح افعال نمیگردد و از وجدان خود ارتکاب کردار ناپسند را شرم میدارد و حاکم عقاش رخصت بر زشت کاری نمیدهد - ولی آنکس که رمام امرش بدست جهالت است سرمنزاش ناچار بوادای شقاوت - جاهل است که نفع عاجل را اگرچه بسی ناقابل باشد بوخیر آجل ترجیح میدهد - نادان است که سود شخصی را از اقاء و اعدام ملک و ملت خود بهتر میشناسد

(ب) تکامل و تکامل و تن پروری و شکم پرستی - چه جاهل تاری از زیور علم و از عواقب امور و پیش آمد کارها غافل است - کسل را که احلی از عمل است بر تحمل شدت و مشاق و قبول زحمت سفر و حضر و بیداری شب و پیودن راههای دور و دراز مقدم دارد - از آرزو که در فکر طاقت نیست و خیال نتیجه در سر ندارد دمی نشاط را غنیمت داند و لحظه تمتع و عیش را مفتنم شمارد - تن بیطالت در دهد و از لوازم بشریه و تکالیف زندگانی و معیشت بدور افتد و همی در عیش و نوش و پیودن کاسات راح و می لعل غام و بسر بردن با ارباب جمال و حوران ماه چهره سیم اندام عمر عزیز را تلف نماید و این را خود کمال شرف و افتخار تصور کند و در مجالس و محافل بعنوان خود ستائی صحبت دارد - ولی بخت یارو زیورک هوشیار که مستقبل احوال از نظرش عبو نفوذ و از سپای امروز واقعه فردا را تلاوت میکند ساعتی را بیطالت و کسالت صرف نماید و هر شریف و نوبت گران بها را بر ایگان از دست ندهد بلکه کار اخلاقی و

این مدرسه خواهانم که غیرت و همت و حمیت بخرج داده اطفال این بلد را تربیت کنید که اسباب نیک بختی دولت و ملت را فراهم آرید اینک بطرف طوائف معیوم انشاء الله در مراجعت از آنجا مدرسه آمده از اطفال بشخصه امتحان خواهم گرفت - سپس یکی از شاگردان خطابه ذیل را ابراد و قرائت نمود

﴿ خطابه ﴾

سیاس بی قیاس بارگاه مجددیگانه را سزاست که قامت با قابلیت اسان را بخلعت علم و دانش آراست و پیراسته فرمود و ثنای تا معدود بر تمام نژد یکان و فرستادگان او - سپس در عهد دولت و تاجداری خسرو معارف پرور عدالت گستر شاهنشاه اسلام پناه چراغ علم و دانش در کران تا کران حکومت ایران مینویشان تا قته دبستانها باز و درهای دانش بر همه گان فراز از آب گوارای علم نونهالان وطن آب یاری میشوند بشکرانه این نعمت بی پایان ما اطفال این سامان رطب الاسان یکدل و یک زبان زنده باد پادشاه ایران و اقبال و دوات حضرت والا شاهزاده اعظم که بر ما پدر مهربان و مؤسس این اساس شرافت بنیان اند از خداوند مستات میبایم

در آن وقت تمام اطفال یک زبان دست ها را بلند کرده آمین گفتند از این خطابه شاهزاده آن قدر سرور شدند که بصورتی آید و خیل حسن انتظام مدرسه را تحسین کردند - یک طاقه عباى مخصوص خودشان را بپوشید مدرسه خلعت دادند - مراجعت از طوائف بمدرسه تشریف خوانند آورد

﴿ مال کارنا بکار یزید پلید در دنیا ﴾

(شماره ۶)

پس از آن (سلسی) قصه و گذارش حال خود را از وقتیکه در قصر یزید بود تا آخر داستان خویش بیان نمود آنگاه پیر پرهیزگار از وقوع واقعه حکربلا تا حکایت روز گذشته و بیاله شربت عمل و نوشانیدنش را به یزید بدستیاری (سلسی) بیان نمود در این حال (سلسی) مبادرت بسخن کرده به پیر بزرگوار گفت که از تمیز صورت و هیئت خود خبر ندادی گفت حالا نمیگویم اما سبب درنگ و تأخیر از باز گفتن خود را بیان میکنم

من به سبب آبرودن طعام برای (سلسی) از او

دورنهم اما مقصودم جز این نبود که دریافت کنم که طاقبت آن بیاله شربت زهر آورده چه شد - با شتاب هر چه تمامتر بجانب (بصری) رفتم و آنجا استفسار خبر کرده معلوم کردم که یزید صبح شبی که بیاله را نوشیده بود سوار شده و از درد پهلو مینالیده و مبتلا بمرض مهلك خنق شده که آن مرض ابتدای علامت اثر این زهر بود و گمان نمیکنم که در مردن او از این اصابه در همان چند دقیقه شك و شبه باشد و اسلام و مسلمین از شر خلافت او نجات نیافته باشند - پیر خدا شناس در حینیکه گفتگو میکرد طامر متوجه سر و صورت و سیاهی او بود چرا که شباهت با کسی داشت که او را میشناخت چون سمند سخن را به قرب موت یزید رسانید از سایر مشغولیات کنار کرده مغفول بخوشی و خرمی شدند و شب را از فرح و سرور نخواهند مگر اندکی - روز دیگر هنگام جاشت راهنای را که به (بصری) فرستاده بودند باز آمده بیان نمود که پیر پرهیزگار را که تیاقم اطاعتیم که یزید در نواحی حوران روز ۱۴ ربیع الاول سنه ۶۴ هجری در عمر بی و هفت سالگی از مرض مهلك خنق و درد پهلو فوت شده - پیر پرهیزگار با آواز بلند پرسید حکه حقیقت موت او را درست جوابا شدی ؟ گفت بی مولانا - پرسید سبب موتش چه بود و حال آنحکه ما او را جوان تندروسی دیدیم ؟ گفت شنیدم حکه مبتلا بمرض خنق و درد پهلو شده طاند سرب آب شد - پیر بزرگوار تأسف نمودار ساخته و بهاسی گفت حکه او را از ایجا دست بسر کن - طامر برخاست و اظهار تشکر و تعریف از او کرده و منصرفین کرد و باز آمد بدو هر چهار نفر در آن حجره (صرح القدر) خلوت کرده و روزی از آن بهتر و خوشتر بر آنها نگذشت علی الخصوص بر (سلسی) چرا که او مباشرت در انتقام خون پدر خود کرده بود

عبدالرحمن با دیدهای پر عشق و محبت بجانب (سلسی) نگریسته می گفت چگونه تورا دوست ندارم و چگونه حب خود را بنو ظاهر نکنم و چرا در عشق تو نمیوم که در زمره زنان اشرف و در طایفه مردان هم بمرادگی بیمنل و مانندی کمال و جمال و وقار و حکمت و شجاعت و جلال با طری و از محسنات تو همین پس که در گفتن

دشمن اسلام و خاندان رسول فاز شدی و مسلمانان را از ظلم او نجات دادی همه ما عاجز شدیم و تو انتقام خون پدر خود را از پسر کشنده اش گرفتی (سلی)

بحرکت چشم و ابرو جواب داد که همه اینها را در راه عشق تو کردم و هیچ چیز در راه عشق تو بر من دشوار نبود - در این اثناء پیر متقی در فضاء مستغرق الخيال ابستاده و گویا در امر بسیار عظیمی متفکر است و طاهر علی العاده او را با گوشه چشم خود میدید و بسبب شباهتی که با یکی از شناختگانش داشت چشم را از او بر نمیداشت و همه او را دوست میداشتند عبدالرحمن چون از سخن خود پرداخت پیر از خیال است که در آن مستغرق بود مانند کسی که از خواب بیدار شود ملتفت آنها شده و گفت وقت من هم رسید که قصه خود را از آنچه از من می پرسید باز گویم بیاید همراه من همگی در حجره خلوت رفته و پیر پرهیزگار با سپای بافته و چهره تافته که ضعف پیری بر او دست یافته بود مانند کسیکه مبتلا بخون بوده و حالا طاقل شده پیش از آنکه بدستان خود آغاز کند رو بامر کرده و گفت ای طاهر مرا نمی شناسی - طاهر بنظر قوس او را دیده و گفت الآن شناختم آیا تو (عدی) پدر (حجر) هستی - گفت بلی چون این سخن را سرودند (سلی) در صورتش نگریسته و گریه بر او غلبه کرده و گلوگیر شده گفت پس تو جد من هستی گفت بلی ای جان شیرین جد تو هستم - شاید این معنی را در کربلا روزی که مرثیه حسین ابن علی علیه السلام را گفتم فهمیده باشی (سلی) خود را بر دستهای پیر افکنده آنها را میبوسید پیر هم او را میبوسید و میگریست و فریاد میزد عبدالرحمن هم میگریست و دست پیر را میبوسید پس از آن گریه وزاری خوشحالی پیر گفت اطسب مستور داشتن حال خودم از همه کس این بود که چون خبر کشته شدن فرزندم حجر بمن رسید زندگی بر من تلخ شد و هیچ چیز بر من شیرین نمی نمود مگر دم در سینه برای انتقام خون (حجر) می طپید که چگونه انتقام بگیرم و از کی بگیرم در این خیال خود را بموت معاویه امیر شام تسلی میدادم که بعد از او مردم به حسین ابن علی علیه السلام بیعت خواهند کرد و بر این توبه فرزند خود متکفف شدم و در نواح

دمشق بسر می بردم و خاک قبر پسر را می بویدم اما حسین ابن علی را چون بیعت نکردند و شهید شده یزید متولی امر خلافت گردید و من جامه سبز را بر خود پوشیده در آنظار فرج یاموت بودم - هنگامیکه شما پدر خالد آمدید و زیر درخت انجیر سکوی قرار گرفتید و عبدالرحمن متمرد قتل یزید شد من بر بالای همان درخت پوشیده نشسته بودم و من بودم که از بالای درخت شما میگفتم و (شرالذین ظلموا بمذاب الیم) و بر همین منوال خود را پوشیده و مستور داشته و در مساعدت شما میکوشیدم - چنانچه میدانید و می ترسیدم که طاهر مرا بشناسد و هرگاه او را حائی میدیدم روی خود را از او می پوشانیدم از وقتی که بصیبت کشته شدن (حجر) مبتلا شدم بین خود و خدای خویش عهد کردم که موی خود را نه چینم و غیر از میوه درختان نخورم و در منزل پناه نگیرم تا به آرزوی دل رسیده به انتقام خون فرزند قاتل شوم و روح خود را تسلیم کنم - چون دیشب خبر نزدیک بودن موت یزید را شنیدم نذر و عهد خود را شدم و موهای خود را چنانچه می بایند چیدم اما چون یزید محققاً معلوم شد که هلاک شده مرا هم وقت رسیده که روح خود را تسلیم بایم وصیت میکنم شما را به پرهیزکاری و خدا ترسی و خود کشی در یاری اهل بیت و آنکه پانید در مکه و کربلا حج بکنید و هر قدر بنواید بر کشتگان کربلا بگریید و (سیتس الله من القوم الظالمین) این را گفته و خرخره در گلویش افتاد همه بگریه و شیون در افتادند و تعجب میکردند پس از آن تکیه نهاد و دراز شد میگفت بعد از آن که خاک قبر پسر خود را بخون پسر قاتلش تر کردم موت را به شیرینی و شرف می پذیرم - هنوز سخن را تمام نکرده بود که حالت احتضار بر او دست داده روح را تسلیم نمود بر او گریسته و ندبه کنان از داستان عدی در تعجب بودند و عصر آنروز او را تکمین و تجهیز نموده بر او نماز گذارده دفن کردند و از آنجا بکه روانه شدند و حکومتی از بی امیه باقی نمانده بود و حاکم ابن الزبیر بود آنگاه سلی بضد عبدالرحمن در آمده با عیش و عشرت زیستند و در آنجا هر را بسر بردند انسی و قطع دابر القوم الذین

ظلموا و الحمد لله رب العالمین

﴿ جبل المتین ﴾

این حکایت را رساله شریفه (الاهلال) مصری نوشته و جناب معارف فساب آقا میرزا کاظم نازی مترجم عساکر خاصه نظامت حیدرآباد دکن ترجمه نموده چون درحالات (حجر) آنچه ذکر شد مخالف است با آنچه را ما در کتب سیر داریم لازم است تصریح شود که این عنوان بطریق روما و قسه است نه اخبار و احادیث از آنجائیکه تا اندازه موثرت سرت قلوب عامه مسلمانان بود در جبل المتین نگاشتیم

﴿ کرمان و بلوچستان و بلوکات ﴾

اگرچه هنوز اخبار نگاران جبل المتین از وضع حایه این مملکت چیزی نه نوشته و جواب مکاتب جبل المتین کاملاً از آن نواح نرسیده است - لاسکن خطوط عدیده از شهر و بلوکات خاصه از رفسنجان - سیرجان - زرنند - جیرف و غیره با اداره رسیده که بعضی بدون امضا و بعضی با امضاست - و همه از وضع تهی و نارت و نامالایات عمال و ضباط شکایت داشته اند و برخی چیزها نوشته که عقل از قبول بعضی از آن ابا و امتناع دارد که بی نوع اسان نسبت به برع خود آخور سلوک نماید - چون جبل المتین هنوز بطور یقین بر صدق و کذب این مراسلات واقف نیست لهذا از شرح آنها و درج در اخبار معدرت میجواید و خدا همس میکنیم که خطوط بی امضای با اداره نرسید که محل اعتماد ادا نیست و امید داریم اخبار نگاران اداره که محل وثوق و اعتماد میباشد صدق و کذب این حالات را بنویسند - مسلم است مثل شاهزاده رکی لدوله که رکن رکن دولت ایران و طالب نام نیک و یکی از رجال بزرگ دولتخواه سلطان پرست میباشد و ساها در مملکتی مانند خراسان فرمانفرما بوده اند راضی نخواهند شد که بواسطه بی اعتدالی بعضی عمال شهر و بلوکات هم نام ایشان خدا نخواسته در سده سنی شاهنشاه عادل تا دل (که مظهر عدل و داد و رافت و مهررانی میباشد و کراراً بگوس خود شنیده اند که بافظ دربار رعایا را فرزند خطاب فرموده اند) به یسق ذکر شود - مسلماً رضا نخواهند داد نسبت برعیت که فرزند شاهنشاه و و دایع پروردگارند ظلمی از عمال و ضباط بشود

و یقیناً رافت و مردم داری شاهزاده صدارت عظمی (که وجود مبارک خود را بجهت انتظامات امور دولت و آسایش رعیت وقف نموده) واقف میباشند که هرگز جنم پوشی نخواهند نمود بلکه ظلم و تعدی یکی از رطایب ایران بشود

علاوه بر این رجال با سیاست دول همجوار حاضر و ناظر - بجهت تدابیر مملکت داری خود مأمور با محدود میفرستند باید خیلی اشخاص لایق کاردان با دیانت را مأمور دارند بر فرض بعض امور نزد رجال دولت ایران مستور ماند نزد خارجه که جزئی و کلی را ثبت و ضبط نموده کتابها طبع مینمایند مستور نمی ماند امروز کردار دیروز آفتابی میشود فردا رفتار امروز - دولت عایه در تمام ایران آنچه شنیده شده سی در کشف سلوک حالات حکام و عمال با رطایب دارد حقایق روزمره بعرض اولیای دولت میرسد چنانچه معمول تمام دول متمدن و غیر متمدنه است - فعلاً جبل المتین از اندراج اخبارات عبرت انگیز کرمان و بلوکات بواسطه عدم اطمینان صرف نظر نمود - همینکه اخبار نگاران اداره مطالبی را نوشتند مضایقه و ملاحظه نشده بعضی خدمت بدولت و ملت در انتشار آن باک نخواهیم داشت - اگرچه بخمال بعضی در نزد اغیار کشف معایب خوب نیست لکن برای استحضار دولت اید خدمت خیلی مشرفتر است - حالات وحشیگری ضباط ایران در تمام روی زمین ضرب المثل شده چرا باید در ایران هنوز این وحشیگریها جاری باشد - این بیان آشفته جواب عموم مکاتب است و این حرکات از رجال موجوده بعید مسلماً بحکومت نیز هرایض شکایت نگاشته اند که ضباط عموم رعیت را جریمه مینمایند بعضی ده دو بعضی ده یک علاوه از مالیات محل با چوب و شکنجه مطالبه دارند و چون احدی باز پرس نمیکند ناچار جلای وطن مینمایند این فقره هم حقیقت آن معلوم نیست بعد از رسیدن رپورت از اخبار نگاران شرح ماجرا و صدق و کذب درج خواهد شد

﴿ آذربایجان ﴾

وضع این حدود از هر جهت منظم و اهالی آن بدعا گوی وجود مبارک شاهانه مشغول میباشد بعد از اشهار ناخونی طهران اعضای حکومت آنچه لازم بود در باسکینگی شهر و بلوکات بعمل آورده و در

بجانب کمرنگانه آمدند قراولهای موج صرب و عجم سیاهی آنرا بسظر آورده علی الرسم صدا زدند آنها در جواب گلوله انداخته سر باز هم فرصت نداده تفنگ بطرف آنها گشاد داد چون مانند میشود که جمعیت آنها زیاد است قراولانرا اطلاع داده در کودالی متحصن شدند و قریب نیم ساعت تیر اندازی از طرفین جاری بود آخر الامر یک نفر از تراکه بیرون و دستگیر شده مابقی فرار برقرار اختیار کردند و قادر دست برد نگردیدند

اصلاحات جدیدہ یا

خیالات عالیہ وزیر اعظم

(از شماره ۵)

چون تاریخ نیول و ابتداء این عمل غیر مقبول معلوم و آشکار شد اینک شروع بوجود مضار و عیوب و مناسد آن نمایم - شاید توجه اولیا امور و مباشرین مهام جمهور را بآن منقطع سازیم و ما بدرستی میدانیم امروز وقت آن رسیده که عیوب مرتفع شود و مناسد بمصلح تبدیل یا بد روشی در کار ملک و ملت پدید آید و آب رفته بجوی باز گردد و هم نباید صاحبان نیول از ما افسرده و دلتنگ شوند و اظهار شکایت نمایند چه ما را از این عارین جز خیر دولت و ملت قصدی نیست - اگر از فلان امیر یا وزیر نیول را سلب کنند در حق ما مقرر ندارند و از آن عمل ما را بهره شخصی باید نشود جز آنکه نوع ما راحت شوند و ملت و دولت ایران بتدریج در مقابل مال و دولت دیگر اظهار همتی نمایند و در عداد مال حیه و امم زنده داخل شوند بلکہ آوازه و نام آور کردند و البته هیچکس داضی نشود ملتش ذلیل و حقیر و مسکین و فقیر باشند و اگر وقایع ذلت و ابام نکبت آنها را در لوحه تاریخ عالم خواند بالطبع ملول و مکدر بلکه دلخون شود و چون زمان شوکت و اجلال و هنگام قدرت و استقلال آنها پند خوشدل و شاد گردد و وجد و نشاطی باندازه دروی پدید آید - هرکس زرق و استعلاء ملت ژاپون را در این ایام و فتوحات این قوم را میبیند یک نوع محبتی از این ملت غیور منتظم بدانش ظاهر میشود با آنکه ملتی اجنبی و بیگانه است پس

چندین نقاط از سوارهای کرد و ترک و قزاق مأثور نموده قرائین های محکم گذاردند ولی بواسطه کثرت کثافات آبهای استعمالی اهالی استرآباد نسبت بمعوم شهرهای ایران و بمصدق (المبد بدير و الله يقدر) از بیستم شهر جمادی الاولی مرض وباء در دهات اطراف شهر ظاهر گشته در پست و یخچ شهر سرایت کرد تا اندازه مخلوق را مصطرب و پریشان کردانید اکثر خانه و اموال خود را گذارده بجننگها و بیلاقتها فرار نمودند و تمام دکا کین بسته گردید رجب از اهالی در شهر باقی نماند آنها هم قالبی بودند متحرک حکومت یکجا بود که به بیلاقی رفته بود بعضی بروز اجتراس امر و مقرر فرمود بدستیاری جناب آقای محمد صادقخان سربق قزاقخانه و نایب الحکومه ورود میوه جات بشهر منع باشد و آنچه لازمه تکالیف شرعی و عرفیه بود از حاضر نمودن دواجات و اطباء و دفن نمودن اموات در بیرون دروازه های شهر و اندود نمودن قبرها در نهایت جدوجهد بعمل آمد

در این مرحله که در سنوات قبل بدون مآخوشی اهالی آن اثر اوقات دارایی مال و جان خود نبودند - امسال باوجود پراگندگی که اموال خودشانرا در خانهای ریخته قفل زده فرار نموده بودند و بازار آشفته مهیا بود جبهه سارقین - وزنی مال احدی حیث و میل نگردید مگر یکی دو فقره اول دزدی شد فوری دزد آن که علی نام بود گرفتار شده بعد از تحقیق و استنطاق اقرار و اعتراف کرده اموالی را که برده به بیض از کسبه شهر و دهات فروخته بود باز گرفته بصاحبانش مسترد داشتند و از نظر توجهات ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین که عموم ناس از هر باب آویس گردیده التجا بدرخانه آن بزرگواران آورده شبانه روز از تعزیه داری و ذکر مصیبت غفلت نمودند عده اموات که غمره شهر رجب میباشد بچهار پنج نفر رسیده آنها از تبقیه مرضای قبل میباشد و امید است که دیگر اثری از این مرض در شهر باقی نه باشد

گنبد قاوس

چندی قبل چند نفر از سارقین تراکه که از طوایف کولان بودند بخیال اینکه بواسطه شدت مرض در آنجا مستحفظی مقرر نیست شبانه بقصد دست برد

کست که ترقی نشون ملت خود را نخواهد - و از آشفتنی امور دولت دلخور نیاند - و از خداوند سعادت و خوشبختی قوم خویش را ملتس نکردد - و چگونه در نظر عقلاء و خردمندان بر اظها معایب و نشان دادن طریق اصلاح مقصر و مجرم شود - و ما در این قضیه وجدان صاحبان نیول را حاکم قرار میدهم اگر آنچه گوئیم وجدان خود راست و صواب یابند اندکی با ما همراه شوند و در خدمت بدولت و ملت مساعدت نمایند

نیول را دوگونه مضرت است یکی راجع برطایست دیگر باید به دولت و موجب خسارت اوضاع سلطنت - اما ضرر و خسارتی که از این عمل بملت راجع است زیاده از حد اجزاء و بیشتر از کمجایش این اوراق است شمه از آنها را بجهت نمونه و بدست آمدن بیحکمه عمل عرضه میداریم و بقیه را بفهم ارباب درایت و اصحاب بصیرت واگذار و تفویض مینمایم

(۱) ظلم و ایذاء برطای نیول میباشد چه بدیهی است ارباب نیول را از این عمل غرضی جز جلب منافع و جذب عوائد و قزونی مداخل نبوده نیست نه در فکر آبادی قری هستند و نه در خیال دلشادی رطایا نه از خرابی خانان رحمت ترسند و نه از تباهی حال دولت اندیشه نمایند پس آنچه توانند تا مقدار آخرین قوت و قدرت خویش هر اسم و رسم اموال و املاک و حشم و حشر و ضیاع و عقار رطایا را ظلما و عدوانا بکلی بکنند و بیپناهای بیجا و اعذار ناموجه متمسک شوند بر بزرگو کوچک و گدا و توانگر رحم نمایند حتی آنکه چون بچینند و از شر اربابان خلاص شوند صاحب نیول وارث بزرگ است بلکه ثلث و نصف و اگر تواند تمامی مایملک او را تصاحب کند و فرزندان آن بیثوا را محروم و بی نصیب سازد و اگر حکومت محلیه علاوه بر اصل مالیات ده بک بشوای تفاوت عمل میگرفت صاحب نیول ده پنج مطالبه کند چرا که حکومت این ناحیه را بک ساله یا دو ساله اجاره نموده رطایا اجیر و مزدور اویند - ولی صاحب نیول مالک رقاب است و رعیت بمنزله بنده و برده - اگر گویند صاحبان املاک و قری و مزارع نیز چنین اند چه قریه فی الحقیقه مطلق بلوحت پول داده خریدار است -

گوئیم فرق بین ملک خاص و نیول بسیار است و تفاوت بسیار جو مالک اگر بر رطایا ستم روا دارد بزودی ماسکتش خراب و نمونه سراب گردد و از قیمت آن بکامد و بر تروتن ضرر فاحش وارد آید و پولیکه در ازاء آن داده تلقف شود - بتاجار یا رطایا سلوک کند بلکه اگر قائل است مهربانی کرده دل رطایا را بدست آورد تا ملک معمور تر گردد و بر قیمت آن افزوده شود - نمیگوئیم مالکین بر رعیت ظلم نمیکندند و بحق خود قانع اند ولی ظلم نشان تا درجه حدود است برخلاف نیول که چون خراب و ویران شد و از رونق افتاد و ساکنین او هر سو برآکنده شدند فوراً صاحب نیول در پیشگاه دولت عرضه میدارد که این قریه دور است و مقرری من از وی باید نمیشود یا آنکه رطایای این قریه مردمان شرور اند و حرا ممکن نیست مالیات آنرا جمع نمایم - هر ساله مبلغی معتدیه از مالیات آن در محل باقی مانده است مستعفی است در ازاء خدما - چندین ساله این چاکر تبدیل فرمایند و محلی دیگر را بتیول فدوی دولت ابد مدت مقرر فرمایند تا موجب مزید امیدواری کشته براحت مشغول خدمت و جان نثاری باشد - پس قریه خراب و بدولت واگذار میکنند و در عوض ملکی آباد و معمور میگردد باندک مدتی ملک ثانی را خراب تر از اول کرده بشاکی میبردازد

یکی از تعات حکایت کرد فلان که از اجزاء محترم دولت است تا کتون در آذربایجان قریب بی دهات معتبر را ویران نموده است در حالتیکه زیاده از دو هزار و کسری موجب و مرسوم ندارد و ازین عمر تا بحال بقدر دویست هزار تومان آندوخته است - در این صورت صاحب نیول چه ناک دارد که برقراره و ضغفه تعدی شود و ملک تنزل نماید و از قیمت آن کاسته شود و چنان چشم رطایا را ترسانیده و زهر چشم گرفته اند که قدرت تنظم و عرض شکایت ندارند پس معلوم شد که ظلم و تعدی ارباب نیول بمراتب از ظلم حکام پیشتر است و لا اقل حکام چون از مرکز سلطنت دورند اندک ملاحظه دارند - ولی صاحبان نیول خود دودربار حاضرند و جلو هر امر را میگیرند و نیز عمل حکومت چون موافق است اندکی در رضایت نامه سی

(۲) خرابی املاک و ویرانی ضیاع و عقار و قمر و فلاکت اهالی قری و مزارع است چرا که آنچه در عرض سال بکس زمین و عرق حین تحصیل مینمایند بزور جوب و ضرب شلاق و جاق از آنها میگيرند بازدازه که بجهت مخارج بومیه مجبور بفضلی و خارجی میشوند و در موقع کاشتن تخم و شخم ناچار از قرض و وام میگيرند و اغار فراری شده بولایات خارجه میروند آیا چه جهت دارد در ملک فرانسه یا سوئیس و غیره بکثیر اراضی باور پیدا نمیشود و در ایران اگر اراضی باور و لم بزور است؟ سبب همه این خرابی را میتوان همین مسئله دانست (بقیه دارد)

مکتوب پوشهر

یا عالم عالم بشارت

ای جلال‌الدین خدایت یار باد
وی مؤید یاورت دادار باد
نامه ات ایران گلستان کرده است
حماه ات صد ارمنان آورده است

حق مقام باقتضای وطن برحق است که اوقات شریف را بواسطه عریضه خود تضییع مینمایم و چون علت غائی اظهار اخبار است مسرت انگیز لذا چشم داشت دارد که از این جسارت معذور گردد چندی قبل در ضمن بعضی از نمرات جریده مقدمه مسئله غالی و تریاک تقابلی مذاکره گردیده از طرف آن اداره جلیله اشاره شده بود که بعضی ترویج امتعه ایران اولی و اسب است که از طرف قرین الشرف اولیای دوت جاوید مدت باداره مرکزی کرک امر شود که در خروج این اجناس لازمه تحقیق بعمل آورده در صورتیکه نقل بنیوب رسید جلوگیری نمایند شاید بدین وسیله آب رفته بجوی آید بحمدالله واللله تر دعا بیدف اجابت رسیده حکمی محکم از طرف اولیاء دوات قوشوکت شرف فاذا یافت که ابداً غالی و تریاک تقابلی از مملکت محروسه بمالک خارجه حل نشود و مستزایت این کار بسیده. امورین کرکی مقرر گردید

بمجرد وصول این امر قدرقدر از اداره کرک خبر بنجار محترم داده شد که حل غالی و تریاک تقابلی یکی موقوف و هر قدر از این اجناس در کرک آید اداره

میکند تا از وی منشی نشوند و اظهار کنایات و کاردانی در پیشگاه دولت نموده تا سال آتی را نیز بحکومت برسد برخلاف صاحب نیول که کان میکند دولت ملکی باو بخشیده و باید نسلاً بعد نسل در تصرف اعتقالباش باشد و خود صاحب اختیار مطلق است بلکه سلطنتی مستله دارد که احدی را در وی حق حداطه نیست حکومت شرعی و عرقی آنمحل باخود است و اگر از وی انتزاع نمایند آنرا ظلم داند و ناحق تصور میکنند بملاوه تمدنی حکام معهود است یعنی در عمل طالبات همان که در کتابچه دولت نوشته شده باضافه ده یک یا ده دو و سه میگيرد و اگر تمدنیات دیگر دارد نه بعنوان طالبات است ولی ارباب نیول مالک بالاستقلالند هرگونه مالیات بر هر چیز مقرر میتوانند هرکد از زمین علیحده از آب جداگانه از محصول جدا از حیوان مالیات خاص از انسان سر شماری حق از درخت و گند عسل و کب و مولود و میت و غیره بقول یکی از دانایان ارباب نیول فرنگ رفته و از وضع آنجا مطلع گشته جهان قسم که در اروپا از هر چیز مالیات میگيرند ایشان نیز میگيرند جز آنکه در آنمصرف اروپائی صرف نمیشود از خلفا مالیات میگيرند ولی اداره بلدیه ندارد و حفظالصحه در اروپا از طالبات خانها و کالسهما و امثال آنهاست اینجا از محصول و حیوانات حق سگ و گربه حق معینی دریافت میکنند اما در راه تأمین بلاد و آسایش رعایا صرف نمیکند حق آنکه شنبلیله در یک قریه یکی از فلاحین کرم خوابانیده ابریشم حمل آورد صاحب نیول فهمیده او را احضار و مطالبه مالیات نمود و جبراً آنچه انصافش بود از وی گرفت سال دیگر ضرر کرد و حکمرانها هرند صاحب نیول دید نمیشود مالیات ابریشم از وی گرفت مطالبه مالیات برگ توت را نمود - دیگری حکاری بود و شغلش چارواداری و چند قاطر و الاغ داشت هر سفر که بقریه خود میآمد ارباب نیول از وی مطالبه مالیات چارواداری مینمود و چندان از این قبیل بدعتها اختراع کرده اند که عقل متعجب و مبهور میشود و اگر خدا نکرده قدری فاضل نیول باشد که عصیت هتلی است آنچه از دزد مانده است فال

لشکری و بزرگ داشتن مهیات عسکری خواهند فرمود
که مزید افتخار ایرانیان خاصه لشکریان شده اسمی از
حضرت معظم بیادگار در محایف تاریخ ترقیات ایران باشد
خبر خواه ملت و دولت (ع)

شهر بوهر

(وقایع نگار ما مینویسد)

حد خدا را گری و حدت هوا شکست و از
توجه و اقدامات شخص شخص حکومت و متصدیان
امور حفظالصحة و قرنطینه ناخوشی مشهور از این
صفحات بالمره رفع و قرنطینه جبهات طرف بصره
و بحرین موقوف و اذن دخول بعضی از میوجات
در شهر دادند

صبح سیزدهم شهر رجب ۱۳۲۲ عید مولود
معمود حضرت بسوب لدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام بود از حوالی مدرسه سعادت مظفری
میگذشتم غوغائی شنیده داخل مدرسه گردیده دیده
بخ میخ مجاسیت خلد آئین و محفلیست رشک بهشت
برین اطفال بوخواسته صفها آراسته طفلی هشت و نه
ساله کم یا پیش میرزا محمد رضا که معلم از تحصیلاتش رضا
بود در کمال بلاغت خطبه که جناب آقا شیخ عبدالکریم
معلم ثانی انشاد کرده میخواند - وقت را غنیمت
شمرده با معلم و متعلم به هورا کشیدن و دعا گفتن
همراز و بلند آواز گشته - سواد خطبه و حکامه که در
تهنیت این عید سعید قرائت شده اغاذ اداره شد اگر
صفحات جریده مقدسه را بحال باشد درج فرموده
دیده ناظرین را متور سازید

خطبه

الحمد لله الذي علا في توحده و دنا في فردده وجل
في سلطانه وعظم في اركانه قصرت عن رويته ابصار الناظرين
و عجزت عن نته اوهام الواصفين - ثم نشكره على ما هدينا
الدين الاسلام و جعلنا من امة خير الانام محمد صلى الله
عليه وآله و شيعة مولانا امير المؤمنين علي ابن ابى طالب
عليه وآله افضل النجبة والسلام

پس از شکر و سپاس حضرت احدیت جات عظمت
و درود بر حضرت حتمی مرتب و ل اطهار آنحضرت
فرض ذمه و از تکالیف مهمه ما شاگردان مدرسه
سعادت مظفری که هم نوع اسباب عزت و ترقی و سعادت

خدای نکرده روزی دچار زحمت و گرفتار شدی شوند
آن وقت جز پشمانی خوردن و کف افسوس بودن
سودی ندارد و آب رفته بجوی نیساید - ایزد دانا
داناست که در این اظهارات غیر از رضای خدا و رفا
اهل وطن چیزی منظور نیست - اسم بررسی از شریعت
مطهره و قانون اسلامیت که اعظم قوانین دنیاست برای
ما باقی مانده - اگر ایقان بمعنی (حب الوطن من الايمان)
داشتیم هر آینه امروز زار زار بحال وطن گریان و
به پیروی دستور العمل محکم مقدس رسول اکرم
جویان و پویان بودیم

گوش اگر گوش توو ناله اگر ناله ماست

آنکه البته بجائی نرسد فریادست

ولی - بعد نومیدی بسی امیدهاست

از پس ظلمت بسی خورشیدهاست

با این همه نومیدی و یأس و گرفتاری شدت و
یأس (هموطنان عزیز را بشارت) زحمت شب دیجور
گذشت و اثرات روشنی صبح بظهور پیوست رنج به
کنج - افسردگی بشکفتگی - نعمت به نعمت - ذلت بعزت -
مبدل و فرج بعد از شدت حاصل - معشوقه (از
معالمسیرا) نقاب از چهره جمال کشود - از فکر متین
و نظر دور بین بیکر محاسن را زینت خلعت اجلال
بخشود نمونه های هنر و رموزهای شوکت که از نیات
معدلت آیات همیونی و مقاصد بزرگ که از نتایج افکار
این دستور با تدبیر و گنجور عالی ضمیر سرطایه شوکت
مملکت و شخص اول دولت حضرت مستطاب اشرف
والاهم شاهزاده معظم (عین الدوله صدر اعظم) دامت
شوکت العالی که خداوند با مکنون ضمیرش همواره مؤید
فرماید آنا قانا مرهم زخمای خسته و مفرح دلهای
افسرده است - همگان سپاس گذار و امیدواریم - چندی
نیست که در انتظام مهام مالبه مساعی جلیله جلیله فرموده
دفتری - از نو و قانونی تازه برای این امر مهم اهم که
اعتبار دولت و ملت است مقرر داشته بی اهمیت این
امر بزرگ اول لازمه جهات ترقی مملکت خواهد بود
(بزرگ میتوان لشکر آراستن)

بمونا الله چون امورات مهمه کشوری اصلاح و
اسباب فوز و فلاح فراهم گردیده الشفاء الله تعالی نظر
توجه و توجه مصلحان نیز در نظم و ترتیب اجارات

نایب و همه بیک زبان بگویم

تاجبان برجاست شاهنشاه ایران زنده باد

بر سر ماسابه دانشوران پاینده باد

﴿ حکامه ﴾

اشعار ذیل اثر خاتمه جناب دانش پژوه ادیب
آقای سروش الملك رئیس کل پستخانجات خلیج فارس
است که در آن مجلس مینویشان یکی از شاگردان
دبستان قرائت نموده

§ تا از حجاب غیب علی آشکار شد

کفر از زمین فراری و دین برقرار شد •

§ بت اسد چه خواست اسد را فرو نهاد

تعظیم کرد کعبه و شق الجدار شد •

§ یعنی بیا که بی تو مرا زین و فرتنه بود

اکنون جلال و مرتبه ام بی شمار شد •

§ در کعبه تا سه روز و سه شب کس نداشت راه

روز چهار جلوه پروردگار شد •

§ کر خوانمش خدای یقین کمر گفته ام

غیر از خدا هر آنچه بگویم نکار شد •

§ امروز روز فرحت و شادی و خرمیست

زائر که در آنجا بی استوار شد •

§ آنرا که بنض آل علی مست مریداست

وان را که حب آل علی وستار شد •

§ گرامه و دوزخیست هر آنکس که منکراست

فرخنده آنکس که سوی هشت و چار شد •

گفتا سروش ملک چه این شعرهای نثر

طبعش ز بطن مدح علی آبدار شد •

﴿ ترجمه از روزنامه غرامه لائوید ﴾

● منطبعة مصر مورخه سه شنبه ۱۷ رجب ۱۳۲۲

مخبریکه بین (بارن هیاش) سفیر ژاپون در لندن
و وقایع نگار اخبار (متان) در ماده جنگ اقصای شرق
بتاریخ ۵۵ ستمبر شده ازین قرار است

وقایع نگار مزبور مینویسد که امروز بعد از ظهر بقصد
ملاقات (بارن هیاشی) بمنزل ییلاقی اودر (ریشمونه) رفتم و
هرگاه گفته شود بعد از اعلیحضرت امپراطور (نیکلاد)
درار و بساحب رأی و تدبیری مانند این نایبند اعلیحضرت
میکادو در پای تخت انگلیس یافت نمی دود سخن بگراف

ابدی از برآیان آگاه و میبایست چنین است که در این
روز مبارک که عید مولود مسعود حضرت ولایت مآب
امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و روزی
میباشد که حکم و حرم و مطاف بنی آدم از
برکت ولادت با سعادت آنحضرت که درود خداوندی
بر روان پاکش باد زینت و زینت یافت و با عزت
و شرافت مسکنت - نخست از درگاه قادر متعال عن
لحمه سلامتی ذات اقدس همیون خسرو داد گستر
معدلت پرور اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پشاهالسلطان
حظقرالدین شاه دامت ایام شوکت و سلطنته که در او ان
طبعته اقتزانش بساط معارف و معارف گسترده انواع
خنونرا رونقی تازه حاصل شده شعوس دانش در هر
گونه مملکت درخشان گردیده از سیم قلب و خلوص
نیت و عقیدت درخواست و تمنا نموده همه با آواز
بلند از درون جان و بندندگان بگویم

بیت بقاء الله پاکهف اهل • و عذا دطاء للبریه شامل
و سلامتی و اقبال و پیشرفت خیالات طالبه و
مقاصد متعالیه حضرت مستطاب دستور معظم شاهزاده
صدراعظم مدظله العالی که امروزه حامی هیئت اجتماعیه
ملت و احیای دین و دولت بسته به تشبثات مبصرانه
و مجاهدات خالصانه و اقدامات مجدانه و افتخارات آنحضرت است
از درگاه خداوند سبحان مسئلت نمایم

سپس جناب مستطاب آقای درباریکه امیر تومان دام
اقباله که اساس مقدس این مدرسه را که بصنوف
سعادت آراسته است بدست ابد پیوست خویش نهاده
و در تأسیس اولیه و ثانویه آن کمال مواظبت و همراهی
را داشته و دارند تبریک و تهنیت گفته ادعیه قلبیه
مصومانه خود را که برای سلامتی وجود مسعود
مبارکشان پیوسته از خدای تعالی درخواست نموده ایم
ابراز و اظهار داریم - و ادای تشکرات مرام و عنایت
خاصه اش را صمیمانه فرض ذمه خویش دانسته
پیوسته بدین مقال مترنم شویم

(شکر احسان شما چندانکه احسان شماست)

همچنین آقایان و وکلاء محترم انجمن مدرسه و اعانه
دهندگان خیره که علت مبقیه و دوام این اساس مقدسند
و همواره در ترقی آن سعی و کوشش مینمایند و همه نوع
مواظبت و همراهی نمودند از دل و جان دمای خیر

حفظه استیلاء و قبضه ما بر بندر آرژانتین شود شرایط
مصلحت از امروز سخت تر میشود و آنچه امروز
قائم نتوان قناعت کرد - پس فردا که (ولادیمیر) را
را قبضه و تصرف نمودیم و (هازی) را محاصره
کردیم مطالبات و خواسته‌ها پیش از پیش خواهند شد -
زیرا حاکم شرایط و خواسته‌ها ما برای صلح بسته
بخسارت و ضررهای ایام حرب است آنچه گفتیم
در صورتیست که ما قنایب باشیم

ولی هرگاه قنایب نشدیم چنان جنگی سخت و
خونریزهای شدید بشود که متحارین را یکباره بیکار کند
بخوی که دیگر جا و محل شرط و خواسته نه ماند -
این نکته نیز مخفی نماند که اهالی اروپا گمان میکنند که
دولت روس بواسطه شجاعت و سخاوت و جفا حاکمی
قشون خود میتواند در جنگ چندان پایداری کند که
شهرهایی که ژاپونیان از قبضه او بیرون آورده و تصرف
نموده مسترد نمایند و دشمن را شکست داده مغذول و
منکوب سازند و چنان تصور میکنند که ژاپون را قوه
باقی داشتن محاربه نیست مگر در مدت قلیلی که منتهای
آن دو سال باشد زیرا که نه مالی دارند و نه اعتبار
این خیال نیست مگر بواسطه بی خبری و عدم اطلاع
آنها از اقتدار و ثروت ما زیرا که ژاپون را قرض خارجی
ابداً نیست و موارد معتناها برای مخارج محاربه دارد -
این مخارج جنگ نسبت بان عایدات اهمیت ندادند -
بجهت اینکه لشکر ما در کوریا و منچوریا مثل آست که
در شهرهای خودشان باشند چه منتهای نزدیکی را بیای
تخت خود دارند لذا چندان تفاوتی ندارد مانند قشون
در ملک خود یا میدان جنگ - برخلاف روس که میدان
جنگ تا مملکتشان غایت بعد و مسافت را داراست و
بدین جهت رساندن کمک برای او نهایت اشکال را دارد
عقرب دیده خواهد شد و بر جمع اروپاییان
آشکارا خواهد گردید که تا هنگامیکه روس در جنگ
قدم استوار دارد ژاپون خواهد ثابت قدم ماند چنانچه
پیش از محاربه گمان همه این بود که روس در جنگ
بری قویتر است و توحات بری ژاپون آنرا تکذیب
کرد و خلافتش را ثابت نمود اکنون نیز که میگویند
ژاپون را استعداد امتداد جنگ نیست - خواهند بعد
از این فهمید که بخطا بوده‌اند - فتا می‌شود که اگر باشیم

رفته قوت نفوذ سیاست و پتیک دلی او در معاملات
خارجی بر همه کس آشکار است پس مسلماً گفتگوی
حکامیه و قایل نگار مذکور و سفیر مغزی‌الیه شده
دارای همه قسم اهمیت است

در اثنا گفتگو از (بارن هیاشی) سؤال نموده که اگر
دولت سابره میان افتاده بخواهند بین روس و ژاپون را
اصلاح نمایند ژاپون اجابت مشغول آنها را میکند یا نه
آن سیاست مجسم (بارن هیاشی) جواب گفت هنوز
هنگام اسفاه گفتگوی صلح و توسط دولت سابره نرسیده -
هرگاه دولت روس طالب صلح شود خود باید آشکار
و علانیه میل خود را بجانب صلح ظاهر دارد وگرنه تا
دولت روس مشغول بحرب و قتال است ما هم بناچار
باید مستعد به جنگ باشیم

این مطلب را هم فراموش نباید کرد که تعدی و
پیشقدمی از جانب ما نشده با که ما ناچار از راه دفاع و
بیرون کردن دشمن از خانه خود می‌جنگیم - زیرا که
مداخله روس در منچوریا و جمع استمدادات حربه
خود را بر رودخانه (یلو) پیش از جنگ دلیل قوی
بود بر اینکه دولت روس میخواهد پیشقدمی بر ما نماید
و بر مملکتها پیش آورده مسلط شود درین صورت
بر ما لازم بود که راه آنها را بسته و از خانه خود
بیرون نمانیم با این حال چنان میتوانیم که دست از
جنگ یاز داریم تا کار خود را انجام ندهیم با آنکه
پیشقدمی از ما نشد است

پس بر دولت روس لازم است که از محل نزاع
خرج شده بمالک خود مراجعت نماید تا از جنگ
رهائی یابد - و ما هرگز ترك سلاح و جنگ نخواهیم
گفت مگر وقتی که یقین بدائیم که دشمنان ما میخواهند
بمیتوانند از برای ما اسباب خوف و خشیتی فراهم
آورند

اما در ماده شرایط ژاپون بجهت صلح و ترك محاربه
شرط مخصوص و امر محدود نیست همیشه بحسب
اقتضای وقت و زمان و احوال فرق نموده و خواهد نمود
چنانچه پیش از جنگ فقط اعتراف روس را بر اینکه
منچوریا حق دولت چین است طالب بودیم - ولی
اکنون که جنگ واقع شده و ضررهای زیاد مالی و جانی
رسیده نمیتوانیم بمان مطالب اول اکتفا کنیم - فرما

جنگ بطور ایجابی دولتین متخاصمین هر دو تباہ شوند
لکن تباہی و بریادی دوس بیش از ژاپون خواهد بود
زیرا که ژاپون فقط بجهت حفظ حقوق خود میجنگد لاغیر
آیا خیال کردید که میدان جنگ بعد از این درجه
تعمه خواهد بود - این میدان در (نیلگ) خواهد
آراسته شد و محیاره بدر زمستان لایقطع جاری
خواهد بود و اسباب آمد و شد و رسانیدن لوازم
لشکر بطرف شمال در نهایت خوبی از برای ما آماده
است و بدین سبب جنگ و پیشقدمی برای ما کمال
سهولت و آسانی را دارد

اما بندر (آرتر) وای ما از یرش بردن و بغلبه
تصرف کردن آن برگشته محاصره خواهیم کرد تا
محصولی از گرسنگی تسلیم شود ولو برای این مطلب
زمانی طولی دوکار باشد و نیز اگر بندر (آرتر) را
تصرف کنیم پنجاه هزار قشون ما که الحال بمحاصره
آن مشغولند آسوده میشوند و میتوان میدان جنگ
شمال فرستادشان لکن الحال ما از آن قشون نیز بی نیازیم
و حاجتی بآنها نداریم

قابل توجه شاهزاده صدراعظم

وظیفه شناسی امرای عسکریه

اعظم ادارات دولتی که عمده ترین شرایط و وظیفه
شناسی باید در آن مرعی شود اداره عسکریه است که
روح دولت و روان استقلال هر سلطنت شناخته شده -
چنانچه یکی از حکماء با دانش درین ماده چنین مینویسد
هر دولت و سلطنت را روح روان دو اداره
است. اول عسکریه و سپس مالیه یا اول مالیه و سپس
عسکریه این دو اداره هر یک مر دیگر را لازم و مدروم
واقع شده و هر کدام نیز برای دوات در مقام خود
قطعه اول و مرکز اولی شناخته می شود اغتشاش
اداره مالیه مورت اختلال جمیع امور داخلیه ارتشوریه
و لشکریه است و عدم انتظام اداره عسکریه
موجب حالات خارجی و خلل امنیت در امور داخلیه
و ارتخاع شوکت و قدرت و شکست رعب و هیبت دوات
در خارجه و داخله است -

پس هر دولت که اداره عسکریه و امور مالیه
خود را منظم ندارد و درایام صلح بمخیال جنگ نباشد
و در امنیت تدارک دفع لغتغاشات محصورند و

نباید لا محاله مضیحل وزیر دست دولت بسایره جبهه
همچوارا بپوشند واقع خواهد گردید - و هر سلطنت که
این دو اداره خود را منظم و مرتب داشته پیروی از
این اصول محکم متنس کرده عماره عزیز و فوت و
سرفراز بوده - چه خصم بارشاد طبیعت چهاره منتظر
فرصت نشسته همین قدر صککه رقیب را بی خبر و
قوای او را بی اثر یافت لا محاله جری گردیده چیزی
آغاز مینماید - و چون اندک در جواب عاجز یافت طبعاً
حایه جسارت و سبب پیش قدمی وی گشته کم کم در
نظر او خصم قوی و مقتدر حلوه کرده بر عکس او
در نظر دشمن کوچک و حذیر عموده فطوره دشمن
جسور و او مرعوب میسکردد و این سرعوبت
عاقبت سبب انعدام و اضمحلال وی تواند شد پس هر
دوات صککه استقلال خود و هر سلطنت چه صککه
بقای ساعه خویش را خواهد است بدوا باید قوای
دفاعیه خود را در برابر هر یک از رقب و همسایگان
خویش بمیزان اعتدال گذارد و مطابق همسری و موافق
زمان و مقتضای وقت با آنان سلوک کند و در هر
سورت نگران باشد که خصم فنی نکار او نزند و در هیچ
قطعه و هیچ امر غلبه یلتیکی بر او نباید و همین است
معنی (تا توکل زانوی اشتر به بند)

دیگری از حکما میسراید (قشون همین که مدتی از
جنگ طاری شد ، ایام را به بطالت گذراید مشاق جنگ
بر آنان گران آید و چون سستی که نتیجه بطالت
است اعصاب لشکری را احاطه کند هرگاه تهور و شجاعت
فطری هم در آنان باشد اندک اندک سلب شده حیانت
چهار بندشان را فرا گیرد - و اگر سقتاً امری پیش
آید که موقع روز جوهر و شجاعت باشد با هر گونه
جمد - اسباب کاری از پایش نتواند رود) -

چون بدقت در صفحات تاریخ نظر اندازیم نظائر نامه
و شواهد کامله بر این موضوع بسیار مشاهده خواهیم نمود -
جواب پرویز بخسرو وقتی که از میدان بهرام چوین فرار
کرده خواست لشکری از عرب عدد خود طلب نماید
این عنوان را نیکو دلیل است - پرویز میگوید (ای
فرزند لشکر عرب کم تجربه و بی تربیت آید و در مقابل
تقشون عرب با تربیت ایستادگی نتواند کرد)
این است که دول فریک علی سید الیموم تقشون را

تمام است معین و روان شده و البته مفید برای نظام کار اداره خواهد بود -

بقرار مسعود جناب اعظم السلطنة امیر تومان حکمران کل عربستان برای سرکشی به دزفول عزم تشریف فرماتی دارند

حیل المتین

چون اخباریکه خبر نگار مخصوص اداره سابق نگاشته بود و به امور تمام عربستان شامل بود در تحت عنوان عربستان مندرج گردید و شرحی هم که از مشارالیه نبود و تا آن درجه به تمام خطه مزبوره شمولیت نداشت در صفحه ۱۵ شماره ۴ باز بهمان عنوان منتشر شد لهذا برای تقریق و رفع شبه و تردید اداره قرار میدهد آنچه را وقایع نگار سابق بنویسد کماکان در عنوان عربستان درج و هر چه را غیر ایشان می نگارند باسم خاص خود آن محل نشر خواهیم داد که جای اشتباه نماند -

مکتوب از اسلامبول

مؤید الاسلاما خدایت مؤید بدارد - معنی است مزاحمت نورزیده عدم سعادت مرا از این فیض باز داشته است ولی چون میدانم جناب هم مانند مخلص طالب اینخزده هستید لذا بنگارش این مختصر مزاحمت ورزید در این هفته بسته ایران رسید یکی از دوستان طهران در مقام تهنیت بمخلص مراتب ذیل را نگاشته بود

جناب اشرف پرنس ارفع القوله در غره شهر حال وارد طهران شدند و در دولتسرای شاهزاده صدر اعظم منزل کردند و یوم ورود بخاکبای مهر اعتلای مبارک بندگان اعلی حضرت اقدس هاپونی مشرف و مظهر عواطف کامله و مراحمی اندازه گردیدند و در روز چهاردم شهر حال که موجب هاپونی تشریف فرمای باغ مبارک آباد که متعلق بشاهزاده صدر اعظم است گردیده بودند بدست مبارک نشان و حمایل رتبه امیر نویانی را به جناب پرنس ارفع القوله مرحمت فرمودند و از هنگام ورود بطهران هم روز از طرف قرین الشرف ملوکانه و اولیای دولت علیه مورد همه گونه عنایت و التفات گردیده اند سواد فرمان و دستخط جهانمعالج مبارک هاپونی بموجب ذیل است

بدون مشق نمیکذارند و جنگهای مصنوعی که امروزه در دول اروپا مروج است و در ایراتهم گاهی بارش را در می آورند همه بواسطه تجربه و مشق قشون است که مشاق جنگی و نکات حربی را فراموش نکرده از تجربه ماری نفعه - سستی اعصاب لشکر را احاطه نه نماید -

چون دامنه این عنوان وسیع و بیان این سخن دراز است بمقصود اصلی که وظیفه شناسی امرای عسکریه است رجوع مینمایم - خوب است برای شاهد مدعا عنوانی را که یگانه مجرب با سیاست یعنی مرحوم امیر عبدالرحمن خان امیر متوقای افغانستان (که به تصدیق سیاسیون انگلیس در وسط آسیا یکتا وی همنا بود) و در سوانح عمری خود در خصوص ادارات عسکریه نوشته است نقل نمایم اگر چه برخی از دستورات و اعمالهای امیر متوقی مناسب و موافق باحالت حالیه ایران نیست ولی روی هم رفته سر مشقی نیکو برای رؤسای اداره عسکریه ما تواند بود (باقی دارد)

عربستان

مأمور تجارتن دولت بیته روسیه که پرنس (اماتوق) نام و مرد دانای زیرکی بود - باین طرفها آمده عمره و ناصری و شوشتر و دزفول و غیره را از نظر تدقیق گذراند و در اجرای مرسوم دولت متبوعه خود اقدامات و تا یکدوره منقضی المرام معاودت کرد -

مالیات بی طرف و حویزه که چند سال بمسئله تمویق مانده بود از سینه ماصیه طوائف مزبوره به حوزه حکومت و ابوالجلی جناب معز السلطنة سردار ارفع حکمران عمره و هواز مزید و سپرده شده و جناب معزی الیه که هیچ گاهی در خدمات دولتی خود داری ندارند پارسال در اصول و ایصال مالیات و منال و انتظام امور و اعمال آنجاها اقدام نمودند ظاهراً در حده السنه جداً اهتمام و انشاء الله یکباره حسن اداره و انجام می کنند - گویا اردوی درستی هم از دارالخلافه اهتمام خواهند کرد

این روزها کشتی جنگی دولت نفیمة انگلیس بیست نفر سواره هندی با مازومات در سرحد عمره پیاده کرده میگویند برای خدمت قونساکریهای انگلیس در ناصری و کرمانشاه است و در عمره مأموریتی ندارند از ریاست جلیله کمرکات عربستان مأموری برای پل (بلوتک) که در طریق بختیاری و عربستان که شارع

چهارمین روز (پنجشنبه) - چهارم شهریور (۱۳۰۳) - شکرانه معارف

چهارمین روز (پنجشنبه) - چهارم شهریور (۱۳۰۳) - شکرانه معارف

نووجنم اشرف صدراعظم - چون پاداش خدمات
 جی.یک از چاکران دولتخواه که در پیشگاه هایون ما
 تقدیم مراسم خدمت را مایه تکمیل فضایل نسبت و
 تحصیل جلال مکرمت و مومنت قرار دادماند همواره
 از مقتضیات طبع رؤف ملوکانه طاعت - در انموقع که
 جهانب - حسن خدمت و مزایای درایت و کفایت و
 صدق نیت و کمال دولتخواهی پرنس ارفع اللوله سردار
 بدر حضور هایون - شهود و علائم صداقت و طاعت
 لو در حفظ شرایط و تکالیف چاکری و اجر او وظایف
 خدمتگذاری کاملاً در پیشگاه هایون ما موقع ظهور
 یافت محسن اظهار علائم مرحمت خودمان و مزید
 همیدواری و استظهار مشاوریه از تاریخ صدور این
 دستخط مبارک او را برتبه و مقام نبیل امیرنویان انضمام
 حایل و یشان مخصوص آن قرین کمال مفاخرت و
 مباحات فرمودیم که انمومنت ملوکانه را سرمایه عرف
 و سعادت ابدی خود شمرده پیش از پیش خاطر ملرا از
 حسن خدمات خود قرین خورسندی و رضامندی دارد

بدر دستخط مبارک همین شده

نووجنم اشرف صدراعظم - ارفع اللوله در واقع
 توکر قابل لایقی است حقیقت شایسته این نشان بود

مکتوب یکی از موثقیین

مؤیدالاسلاما - برجناب عالی روشن است که شکر
 نعمت بجزای نیاوردن در حکم کمران نسبت است - و
 سکوت از تعجیبات صادقه رجال مطوف بزوه امین
 صادق دولت دوست وطن خواه - همان اثر را مجدد
 که تعجید از مردمان خلق بی حیت نمک نلتکاس

پس همان قسم که از افعال مبشوم و سعادت بی حردانه
 برخی شکایت می رود باید از مسلك دولت خواهانه
 وطن پرستانه بعضی هم حکایت آرد تا از یکطرف مودت
 تنبه و از طرف دیگر اسباب تشویق گردد

نگارنده را برای تکمیل و تصبیح نقشه ایران
 بنسایت کتاب جنرافیان که میباشد در دست دارم
 نقشه ایران (که در روسیه طبع رسیده) لازم شد -
 بحضور مبارک جناب مشیرالملك سفیر دولت علیه ایران
 در قمسیرنگ محل اسبق انجمن آقای مشیرالوله و وزیر
 امور خارجه بدون سابقه نوشته مایه ضرورت را این
 اظهار نمود به علاوه یک از بزرگان وطن خواه و تشویق

نقشه مطلوبه را فرستادند - شکرانه معارف و زوی این
 مرد فیروز وطن دوست معارف خواه را که مایه یک عالم
 امیدواری رجال دانش پژوه است لازم دانست معینه
 بنوسط نامه مقدسه عموده غربت و اقبال و توقیلات
 آن وجود محترم را در خدمات ملیه و دوایه از درگاه
 احدیت مسئلت نمایم و از دیاد این گونه رجال وطن
 خواه دولت پرست را از درگاه احدیت در رجال
 دولت متبوعه خویش مسئلت دارم (ر - ض)

حبل المین

(نطفه پاک بیاید صکه شود قابل فیض)

(ورنه هر سنگ و گلی اولو مرحلن نشود)

اعظم خدمات شدگان آقای مشیرالوله و وزیر امور
 خارجه ملک و دولت تربیت و خود با سیاست و دانستی
 چون آقای مشیرالملك فرزند ارجمند ایشان است - بارها
 در نامه مقدسه نوشته ایم که هرگاه دولت علیه را چند
 نفر رجال با سیاست با اطلاع عالم مانند آقای مشیرالملك
 بودی هر آینه ما را از استخدام بیگانگان مستغنی
 می نمود - علاوه بر علم و دانش و سیاست در جناب
 مشیرالملك برخی از صفات حسنه و وجود است که از
 روی حق و الصاف در رجال این دوره ایران کمتر
 دیده و شنیده شده یکی از آن صفات را محض سرمشق
 رجال تربیت شده محترم می نگاریم

با اینکه جناب مشیرالملك از صغر سن و آغاز تربیت
 و تعلیم معروف و نگارنده را از صفات مدوحه
 و لحصال پسندیده و درجات تعلیم و تعلم و رشادته و
 کفایت ایشان اطلاع کامل بود وقتی جناب مفعم السلطان
 وزیر مقیم که بدست کاری و وطن خواهی و تحریج
 کلامی ایشان را شمره عموده ایم وارد کلاسکت شدند
 روزی ن ساخته از ایشان سؤال نمودم که آنچه شاید
 و باید از حالات جناب مشیرالملك مطلع میباشم اولی
 از آراییک ایشان را ملاقات نه نموده میجوام تجربه
 شخصی خودتارا از مسلك و مشرب ایشان بیان نمایند
 وزیر مقیم فرمود چون شما از وضع ایران
 و ایرانیان نیکو واقفید یک جمله مختصر بک جناب مشیر
 الملك را برای شما هم میباشم (جناب مشیرالملك شخصی
 است که با آن همه عیبه های جایله در خارجه و داخله
 داشته و ما آن بینه رسوخ و تقوی که در امور موافق دارد
 هنوز اسع و رسیرو و تعارف و تشویق را نمی شناسیم و نمی

شماره (۸) ۱۴ شعبان (۱۳۲۲) - وقایع جنگ خوارزم - ۲۴ اکتوبر (۱۳۲۲) شماره (۸)

و از منی و حقیقت این لفظ واقف نیست
اگر بنور ملاحظه شود برای رجال محترم ایران
بالا از این تعریف متصور نیست - بارها نوشته
بازم مینویسم که وجود با دانش و علم و صاحب تجربه
و سیاست مانند جناب (میرالک) حیث است که از
پای نهمه دور باشد چه ما امروز در داخله بوجود اینگونه
رجال با علم بیشتر محتاجیم - اگر چند روزه معاونت ایشان
در وزارت خارجه این همه قوانین محکم متقن است
حکما تا امروز بموقع اجرا می آید - امید ترقی
خواهان ایران ازین و بعد بوجود اینگونه رجال خیر
وطن خواه با سیاست و علم و تجربه است - امیدواریم
عقرب جناب میرالک مصدر خطای شوند
که ملت و دولت ایران پیش از پیش از وجود ایشان
سوفند و فائده برند چه سرطانی فواید ملیه و منافع
دولیه که درست کاری و دیانت شعاری و دولتخواهی
و وطن شناسی و علم و تجربه و سیاست است در این
وجود محترم جمع است - خداوند سازر رجال محترم ما را
توفیق دهد حکما مسلک و مشرب مرغوب ایشان را
سرمشق قرار دهند

بقیه تلکرافات

(۱۹ اکتوبر - ۹ شعبان)

§ وقایع نگار اخبار (بایر) از لندن خبر یافته که
بموجب رپورت جنرال (سزاروف) قشون ژاپون کوه
(لون نری) را که قبضه آن نهایت سهولت را برای آنان
داشت متصرف نشده با اینکه بوم یکشنبه با ملتهای استعداد
حله بر آن نمودند - کثرت کشتگان و عظمت خونخواری
این معان را دلیل کافی این است که از دیروز آغاز بدفن
کشتگان شده تا امروز حتم شده است - بطریق غیر رسمی
بیان شده بعد از آمادهی نوبخانه قشون پیاده روس
بسیاحت چهار عصر بر ژاپونیان حله نمودند و نام شب
در میدان طاقه مجددا ساعت چهار صبح پرش بردند
ماقت جنگ با سر قنک و کشتی رسید و با صد نفر
ژاپونیان مقتول و صد و بیجا نفر اسیر شدند این فتح
شور جنگ را در قشون روس زیاد نموده است

§ از (پتسبرگ) خبر رسیده که جنرال (کروپاتکن)
با بجا هزار قشون کک جنرال (ندزو) را شکست
داده پانزده توپ از آنان غنیمت یافته است
§ بموجب تلگرافی که از [مکن] رسیده جنگ [شاهرا]

خونخوارترین میادین اقصای شرق بلکه این عصر بوده
وسخت ترین شلیک و شدید ترین پرشها را طرفین بر
یکدیگر نموده هر دو لشکر دیوانه وار از خود گشته
یکدیگر رو بر رو شده دست به یقه می جنگیدند

§ وقایع نگار (جنرال) پاریس از مکن خبر میدهد
که جنگ موجوده مورد ثنای اعدام نوع است
§ در (توکو) غنیمت گرفتن روسیان چهارده عرافت
توپ را تسلیم میانند

§ مستر [هیاشی] جنرال قونسل ژاپون در پهنی رسماً
چنین اطلاع میدهد که دسته از قشون ژاپون که تحت امر
(بریکدیر جاملا) بود بتاریخ شانزدهم بعد قشونیک دو
میسره بر دشمن حله می نمودند و بر شمال (شاهوپو)
بود رهپار گردید - در قریب (اوجیالوتکو) دشمنان را
شکست داده و دو توپ و دو کالسکه قورخانه از
آنان غنیمت گرفت - از آن بعد روسیان را دو
(سالانلا) کاشندی) از جای کنده بمقام اولیه خود باز
می آمد - قریب بساعت هفت شام ۲۵ هزار قشون
روس آنها را احاطه کرده جنگ دست به یقه شروع
شد مع ذلک این عده قلیل از بین لشکریان کثیر روس
خوبیقتن را نجات داده بمقام اولیه خویش باز آمدند
بواسطه سقط شدن اسبهای زیاد و نقصان جوی از
نویجیان نه عرافت توپ میدانی و پنج توپهای کوهی را
در میدان گذاروند و دشمنان را متصل بعد
میرسید - در جنگ بوم یکشنبه عده قسامات ژاپون
هزار نفر بوده است

طرشل (اویاتا) خبر میدهد حکما بوم دوشنبه
دشمنان حلات سخت بر میمنه و میسره قشون ما نموده
در منتهای خوب سورتی رد کردیم ماقت لشکریان روس
باتقصای زیاد فرار کرد و بسیاری از لشهای خود را
گذارده عقب نشستند

§ جنرال (سکروپاتکن) خبر میدهد که شب هفدهم
ژاپونیان مجددا برای قبضه بر کوههای [لون نری] حلات
سخت نموده قشون ما آنان را رد کردند - هیچ
جنگی دیگر پیش نیلنده و باران راهها را بلند از
خراب کرده که قابل عبور و مرور نیست

§ دسته جهازات جنگی [اتیک] از آبای [گرم]
پله] میگنزند

§ جنرال [سزاروف] خبر میدهد که ژاپونیان دو

آن سزوا که در غربی راه آهن واقع است جمع می شوند. همه از قشون روس در قرب و جوار [شالواپو] دیده شده که موتوب و اپونیان را منصرف شده اند در این میدان لشکریان روس را هیچگونه قصاصی وارد نیامده است

کیشان (صلیب سرخ) آلمان که در میدان جنگ به کفن و دفن مقتولین و پرستاری مجروحین اشتغال دارند اعلان داده که دولت روس از انجمن آنان خواستگار مدد گردیده ازین رو در (ارکوتسک) تمسیر سفارخانه می نمایند و برای حرکت بهاران کالسکهای مخصوص آماده کرده و مطابق آن نیز جای کشتگان و مجروحین ژاپونی تهیه و تدارک میشود

(۱۰ شعبان - ۲۰ - اکتوبر)

عبر (روتر) که در اردوی جنرال (اوکو) ست میان می نماید که ژاپونیان تهیه دیده که در بازده میلی شمال بجانب رودخانه (مین) و [ارام] حرکت نمایند ولی مظلون است که درین چند روزه حرکت نکنند

عبر (روتر) از [توکیو] خبر میدهد که قشون روس برای مقابله با ژاپون جمع شده مشغول بقلمه بندی اند فاصله بین اردو از ششمالی هزار زرع است

ژاپونیان بر سرداران روسی اعتراض نموده که محض اقتبای کاری به قشون مائشکریان روس در لباس جیبی حرمی آیند و این حرکت مخالف با قوانین جنگی است

وقایع نگار اخبار (استندرد) که در اردوی جنرال «کروکی» است اظهار میدارد که حصه از قشون روس که از رودخانه (پتسی هو) عبور نموده بود تماماً نیست و نابود گردیدند لشکریان ژاپون آنها را محاصره کرده باتوپهای ماشینیه همه را از میان برداشتند

مستر (هاباشی) جنرال قونسل ژاپون در بعضی بموجب رپورت رسمی (مارشل اوپاتا) چنین خبر میدهد که یوم دوشنبه بطرف میمنه اردوی ما دشمن کم دیده میشد فقط دسته از قشون خصم مانند دیده بان به نظر می آمد - لشکریان روس که در (پتسی هو) شصت خورده بجانب مشرق بطرف قلب اردوی خود فرار می نمایند در شب دشمنان بر قشون ما حملات چند نموده همه را یا کمال استقلال رد کردیم - امروز فقط دو نوبت توپخانه شلیک نمود در مقابل میسره لشکریان ما نیز خبر منظم خصم شلیک میکرد

جنرال (سخاروف) خبر میدهد که یوم سه شب تئور جنگ سرد و میدان حصارزار آرام بود بین قراولان اردو زدو خورد کمی آنها دست به یقه شده است

عبر (روتر) از (چینو) خبر میدهد که لشکریان ژاپون در بندر (آرتور) بتاریخ هشتم حمله سختی بر (ارتنگشام) نموده کامیاب نگردیدند - بتاریخ نهم مقامی را در پنج هزار زرمی آن قبضه نموده لشکریان روس در دفع آنان خیلی جاغشانی کردند باینکه قصان زیاد یافتند سودی نبردند - تجهیزات موشک شکن روس بتاریخ دهم بر میسره ژاپونیان حمله نمود ولی کشتیهای موشک ژاپونی آنان را خواهوش - اخته فرارشان داد - درین گیرودار یکی از کشتیهای موشک شکن ژاپون با سرنگ دریایی مصادم شده قصان یافت - بتاریخ ۱۳ در نواح (ارتنگشام) جنگ سختی پیش آمده - بعد تر از لشکریان ژاپون بقتل رسیدند

عبر (روتر) خبر میدهد که مقتولین و مجروحین اردوی جنرال (اوکو) پنج هزار نفر بشمار آمده و تاکنون فقط سی هزار قشون کک برو-بیان رسیده است

عبر (روتر) که در قلب اردوی جنرال (کروپاتکن) است دیروز از (معدن) تلگرافاً خبر میدهد که جنگ موقوف و هر دو لشکر در برابر یکدیگر افتاده اند و (شاهو) در میان آنان است بتاریخ ۱۸ و ۱۹ توپخانه طرفین مشغول بشلیک بود قلب اردوی روس اندک اندک پیش می آید میسره اردوی روس مقام منتهی را بر نیه کوهی که رو بروی (شاهو) میباشد از تاریخ شانزدهم منصرف است و حمله قشون بناده و شلیک توپخانه بر آنان خیلی شدید بود از کثرت باران جمع رودخانه ها طغیانی شده

(۱۱ شعبان - ۲۱ اکتوبر)

جنرال (سخاروف) خبر میدهد که دیروز جنگی واقع نشد و لشکریان همه در مقامات خود و در تهیه کک و ازدیاد سامان جنگی اشتغال دارند

لشکریان روس در تیرگی مه و غیر هوا یک نوبت ژاپونیان را که مقابل کوه (لون نری) بود گرفتند

دسته جهازات جنگی [بالاتیک] وارد دریای شمالی گردید

فرقه کیشان معروف به (سرخ صاب) روسی از

جبل‌المتین کلکته

مدیرکل کالج استریت نمبر ۴

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

منتظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

(۲۹ شعبان ۱۳۲۲ هجری)

مصادف با

۳ اکتوبر ۱۹۰۲ میلادی

از هر کس و هر جا بلا استثناء اونه اخبار

(مقدم گرت می شود)

روزنامه مقدس

قیمت اذتراك

(سالانه — شش ماهه)

هند — و برمه

(۱۲ روپه — ۷ روپه)

ایران — افغانستان

۴۰ قرز — ۵ فران

عشاقی — و مصر

۵ مجیدین — ۲ مجیدی

اروپا — و چین

(۳۰ فرانك — ۱۷ فرانك)

روس — و تركستان

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

جبل‌المتین

سنه ۱۳۱۱

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و مدافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
مراسلات عام المصحه منقول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- سیاسی • استدعا از وکلای محترم • قصیده نهایت
- چکامه • استرآباد • ملاحظه حال شرق و غرب •
- مقاله یکی از رجال دانش پژوه اروپاییه • عالم علم انوارت •
- جبل‌المتین • تبریک نامه از اسلامبول • کتاب یکی
- از دانیان • تلکرافات •

سیاسی

تأییدات مضبوطه دولت انگلیس بژاپون در مناقشات
اقتصادی شرق و فتوحات ژاپونیان در جنگ منچوریا
دولت روس را پیش از پیش از دولت انگلیس مکرر
ساخته دوخت رقابت دواتین مشارالیه زاید علی سابق
تن آور و بارور گردیده است - خصوصاً از زمانیکه اتحاد
مغنیانه دواتین روس و آلمان آشکارا شده دولت
آلمان بطریق میان داری متصل آتش رقابت را دامن
میزند - بر او باب بصورت پوشیده نیست باندازه
قرنیه است در مشرق سلسله رقابت دواتین روس و
انگلیس مستحکم شده شدت دواتین انگلیس و آلمان
در مغرب زمین استوار گردیده است

پرنس بسارک که اول مدبر آلمان و سیاستش مسلم
جهانیان است اتحاد ملت آلمانیه را با روس و
مخالفان را با انگلیس مایه پیش رفت و ترقی دولت

خود بیان نمود - و بعد از جنگ با دولت فرانس آلمان
هماره در این نقطه سیر کرده موقفی یکسو که بتواند مزایای
اتحاد خود را با روس بر اساسی محکم و مفید گذارد
و برامیدر نیگرید - چه از بعد جنگ فرانس رقیب
دیگر آلمان که فرانسها باشند در پیشرفت معاصره
سیاسی خود اتحاد با روس را مغتنم شمرده درین
مندان ختک تدبیر راند - و چون افراض روس که جلب
ثروت در محالک خود با هم انقضاض باشد از فرانس
حاصل می شد اتحادش را علناً ترجیح بر آلمان داد -
و دولت روس در اتحاد فرانس آنچه قلده مدنظر
داشت تدریج حاصل نمود - آ جائیکه انگلیسان فرانس
را گاو شیرویه روس خطاب دادند - و برعکس فرانس
افراضی را که با اتحاد با روس مدنظر داشت نتوانست
حاصل نماید - با این همه آلمانیان در جلب قلوب روسیان
هم قسم سی و از نقشه پرنس بسارک منحرف نشده
در عامه حادثات سیاسی که بین الدول واقع میگردد مؤید
خیالات روس خوبشترن را حلوه می دادند - میلان
آلمان را در اتحاد روس همین نکته کافی تواند بود که
امپراطور حلیه برای جلب قلوب روسیان زبان روسی
را بدین فرض تعلیم گرفت که او این ملائیکه در
(پترسبرگ) با امپراطور روس بنیاید بلا واسطه بزبان

روسی تکلم کنند و اتحاد ملت را مؤید اتحاد سیاسی
دولتین آلمان و روس جلوه دهد

جد امپراطور حایه آلمان اهلحضرت (ویلم) باخلاف خود وصیت میکنند که مؤید خیالات سیاسی دولت آلمان در مغرب جز دولت روس نتواند بود. و مغرب آن سوی انگلیس تصور نتواند شد. لذا اتحاد آلمانیان را با روس و مخالفتشان را با انگلیس از مواد طیبیه باید تصور کرد

امپراطور حایه آلمان بارها در نطق خود اظهار فرموده که ازدیاد قوای بحری دولت آلمان از لوازم ترقیات مایه و درجه است چه فقط يك قوم در اروپاست که بقوت بحری طالع همه قسم پیشرفت ترقیات آلمان است (امپراطور ویلم) در این بیان به قوم انگلیس اشاره مینماید

بالجمله دولت آلمان را تا قبل از جنگ اقصای شرق نیل بدینتصود کاملاً حاصل نگردیده بود. چون فرانسه ما حصه عمده از ثروت خود را باسم قرض در طریق اتحاد بروسها سپرده و بواسطه صدمات اقصای شرق ستداب روس خیلی نزل کرد. بلکه سندات استراضی فرانسه هم در حایه عظیمه نزل سندات روس بآن اعتبار باقی نماند. لذا روسیسان بآن درجه تأیید مالی که در این جنگ از فرانسه امپوار بودند فاخر نگردیدند.

هم بمناسبت وقت و اقتضای سیاست و هم بملاحظه مرعوب داشتن فرانسویان از وخامت اتحاد روس با آلمان درین موقع روسهم اتفاق با آلمان را فوز عظیم شمرده هزدو را اغراض متحد شده مخفیانه عقد اتحادی بستند چنانچه روزنامه طمس لندن اشاره بدین موضوع نموده بود. و اخبارات نیم رسمی آلمان تردید کرده

مجدداً طمس بدین عنوان جواب داد (با اینکه آلمانیان تردید کردند اتحاد خود را در معاملات اقصای شرق با روس ولی ما باز هم بطریق وثوق می نویسیم که در معاملات اقصای شرق بدون شك و ریب دولتین آلمان و روس را مخفیانه اتحاد صمیمانه واقع شده است)

هرگاه درست ملاحظه شود حرکات آلمان در همراهی روس در معاملات اقصای شرق اتحاد دولتین مشارالیه را نبکو ثابت مینماید. چنانچه در شماره های گذشته گفت فرار جهازات جنگی روسها از بندر (آزهر) نوشتیم که قصدشان این بود که یکبار از بندر شرقی

آلمان پناهنده شده مدارک لازم جنگ را بآنگاه با کشتیهای جنگی آلمان توام بر واپسینان حمله نمایند. و نیز تدارک ذغال برای دسته جهازات (بالتیک) که باقی اقصای شرق رهسپارند (که مخالف است با اعلان بی طرفی دول در جنگ اقصای شرق) اتحاد روس و آلمان را دلیل دیگر است. اگرچه ذغال را برای جهازات (بالتیک) نهار آلمانی تدارک کرده و تجمار در حرکات خود آزادند ولی چون مقام اعتراض رسد نکته سنجان اثبات مدعای خویش را بدین وسیله نیکو نتوانند نمود. و بملاحظه همین نکته بود که انگلیسان نهار خود را از قبول این امر منع نمودند. تاکنون دولت واپون و سایر حرکات آلمانیان اعتراض نه نموده ولی ظاهر است که ازین نکته اهم نیز چشم پوشی نخواهد نمود یکی از سیاستپون انگلستان میگوید (آلمان شخصاً

مقتدر بمقابله با انگلیس نیست و هر قدر قوای بحری خود را زیاد کند دولت انگلیس برای ضعف او بر قوای خود می افزاید. ولی این نکته را انگلیسان مسلم باید بدانند که هر دولت با آلمان از در مقابله بیرون آید اول دوا تیکه او را مدد و تأیید کند و در مقابل انگلیس بایستد آلمان خواهد بود. پس دولت انگلیس را لازم است که در هر موقع نگران رقیب بزرگ غربی خود بوده او را موقع ندمد که حلالی در مقاصد سیاسی او اندازد) از این مقدمه از حادثات موجوده نیکو حسه توان گرفت و ملاتمت کند و بطنون حادثات و علت واقعات گردید

دسته جهازات بالتیک از (ریوال) حرکت کرده باسم اقصای شرق در دریای شمالی اروپا که بدریای آلمان مشهور است وارد شده. شباه بردسته جهازات مالی گیران که بالغ بر یکصد و پنجاه فروند بود حمله نموده چیز جهاز را غرق و جسی را مجروح و جسامتی را هم کشته و گذشته است. اهالی انگلستان این حرکت را وحشیانه گفته دولت را به باز پرس از روس تکلیف بلکه مجبور نموده اند. بخبر اینکه وسایین دولتین انگلیسی و روس واقع شده شدت غضب انگلیسان را ظاهر میدارد دولت انگلیسی و سایر از دولت روس بدستق امور اربنه ذیل را طلب نموده است

(۱) حضرت زین العابدین علیه السلام از حرکات ناشایسته

سخن میرانند - رجال دولت انگلیس نیزه‌ن تسلیت ملت اظهار همدردی و همراهی با خیالات اهالی می‌بایند و محققاً هرگاه ملت انگلیسیه بدین خوش و خروش باقی مانند و رفع فائده سرعت نشود دولت در همراهی بخیالات ملت مجبور خواهد گردید

باندازه اهالی انگلستان از دولت روس بخشم و غضب اند که سفیر دولت مشارالیه که از (برلین) پلندن آمد در این‌گاه راه آهن جماعتی او را تمسخر و استهزاء و یکی جسارت کرده شیشه کاله که او را اواده شکن داشت آنچه اجوبه سربسته از دولت روس داده می‌شود ملت انگلیسیه قابل سعادت نمی‌شمارند لذا دولت انگلیس بجهازات جنگی خود در چند مرکز برای جلوگیری کشتیهای جنگی (باتیک) حکم فرستاده - اخبارات انگلیسی می‌نویسند که دول اروپا باید بلام این حرکات وحشیانه جهازات باتیک را مانع از حرکت بجواب اقصای شرق شوند - نهلا تصورات جنگ روس و انگلیس واقعات جنگی اقصای شرق را از اهمیت انداخته است - این بحال غمناک است که مفصل آن از تکررات روز مره ظاهر میگردد ولی نکات پلنکی و رموز سیاسی که در طی این واقعات خزیده بسیار است که نامه مقدسه را گنجایش نگاشتن جمیع آنها نیست

از آغاز جنگ اقصای شرق اونها نوشته‌ایم که دولت روس حصه اعظم تدابیر خود را در برانگیختن جنگ عمومی صرف می‌باید - چه هرگاه دولت مشارالیه از قوای رقبای خود نگاهد و آنها را مانند خویش مبتلا سازد ولو آنکه لشکریان ژاپون را به (توکیو) باز گرداند آن رعب و هیبت و جلالت و عظمتی که قبل از جنگ از برکت استقلال و فتوحات عظیمه متوالیه حاصل کرده بود عود نخواهد کرد

نکته سنجان سیاست را پوشیده نیست که قبل از جنگ اقصای شرق میزان پلنیک و سیاست اروپا و آ با به نایل و توجه دولت روس سبک و سنگین می‌شد - ارتقاع آن همه رعب و هیبت برای روس از خساره هزارها میلیون ثروت و اتلاف چندین میلیون قشون بالا نرساند. جنگ ژاپون و فتوحات پدیداری اوستی که پرده از روی قوای بری و بجزی روس برداشته (سیخو پلنور) را

(۲) اطمینان دادن دولت روس که ازین و بعد این گونه حرکات از جهازات (باتیک) سرزد نخواهد گردید (۳) سزای کامل دادن بمرتکبین این حرکت وحشیانه (۴) ادای خساره که پاهای گیران از هر جهت وارد آمده است

اعلیحضرت امپراطور روس در تلگراف اعلیحضرت پادشاه انگلستان اظهار تأسف ازین واقعه عکسه از روی سهو و خطا واقع شده فرموده و وعده داده اند که پس از تحقیق دولت روس در اعاده بصیبت زدگان کوتاهی نخواهد نمود

سفیر انگلیس مقیم (بروسل) با الدانگ خشن تکالیف اریبه مذکوره را از وزیر خارجه روس خواسته و با منتهای شدت و سرعت جواب طاب کرده - وزارت خارجه روس جواب داده که در این موضوع تاکنون از امیرالبحر ما خبری نرسیده و معلوم نیست در کدام نقطه است که تحقیق شود - و ما آنچه خبر یافته ایم غم‌رسمی و از لندن بوده - جواب این مراسمه موقوف است به رسیدن رپورت امیرالبحر جهازات باتیک

اخبارات روسی درین موضوع بحث صکرده می‌نویسند قصوری بر امیرالبحر ما وارد نخواهد آمد چه دسته جهازات باتیک را خبر رسیده بود که بیج کشتی موثک دولت ژاپون از انگلیس خریده و آن کشتیها در دریای ژاپنی در راه آمان سرنگ می‌اندازند - محتمل است جهازات طای گیران را کشتیهای ژاپونی تصور کرده برای حفظ خود مرتکب چنین امری شده باشند و هرگاه دسته جهازات جنگی انگلیس یا سائر دول هم بود در چنین موقع خوفناک ازین حرکت باز نمی‌ایستاد ملت انگلیسیه عموماً ازین حرکات و تکارشات روسیان بجهوش و خروش آمده از جامه صبر و شکیبایی خارج شده فوراً جواب مراسمه خود را از روس طلب کرده میگویند هرگاه دولت روس قتل در جواب نماید دولت انگلیس مجبور است که مر راه بر جهازات پلنیک گرفته از حرکتشان باز دارد

وزارت خارجه انگلستان نیز ملاقات بسیار طولانی با سفیر روس مقیم لندن نموده در این موضوع بحث صکرده است - اهالی انگلستان از تهلل و تاخر روسیه جواب پلنیک برآخته عموماً بر مخالفه روسیان

شماره (۹) ۲۱ شعبان (۱۳۲۲) - سال دوازدهم - ۳۱ اکتوبر (۱۹۰۵) صفحه (۸)

وسيله دارد متحد شده جنگ همی را اذول و جان خواهان و نه تدابیر مختلفه ساهی اند که دولین انگلیس و فرانس را برانگیخته در جنگ شامل نمایند

دیگری از رجال (پاتیک) میگوید که هرگاه جنگ همی شود و دائره اش در اروپا و آسیا وسعت پیدا نماید بدواً جمیع قوانین بین الدول و پای بندی بقواعد جنگی که دول اروپا برای حفظ منافع خود مرتب کرده پای بند شده اند مرتفع خواهد گردید - و چنان جنگی وحشیانه واقع شود و میدانی خونخواره پیش آید که زبان از تقریرش عاجز و قلم از تحریرش قاصر ماند -

مسلماً در این جنگهای متصوره که وقوعش از منظرات سیاسیه است اعظم خسارات بممل و دول با مکت و نروت که انگلیس و فرانس باید خواهد گردید - و این جنگ اگرچه تا دیر باز طول کشد و شراره اش دامان آسیایان را فرا گیرد - ولی ماقبت ذلیل کتفه اروپا و عزیز نماید آسیاست - چه ظاهراً هرگاه در مغرب جنگی واقع شود که روس فرانس آلمان انگلیس شامل باشند سائردولتهای کوچک حتی امرای خود سر نیز تابع برخی این طرف بعضی آن طرف مبتلای بمصائب جنگ خواهند گردید - و بدون اشراق یک نفس از اهالی کاری مغرب سر در این سودا خواهند نهاد و خویشتن را فدای مقاصد حریصانه دول متبوعه خود خواهند ساخت - درین میدان نقصان ملت و دولت فرانس و انگلیس از همه پیش تصور میشود

حرمکت جهازات (پاتیک) در دریای شمال مبنی بر همین منشاء و مقصد است و بید نیست که اگر تیر تدبیر دولین آلمان و روس که محرک جنگ همی شناخته می شوند در این موقع نیز به هدف مراد نرسد تدبیری دیگر ریخته و بهانه دگر انگیزت دولین انگلیس و فرانس را درین خوان قیمت دعوت خواهند نمود - شمولیت دولت فرانس در جنگ اقصای شرق از روی معاهده منوط است بشرکت انگلیس درین میدان این است که همه قسم زیادت و اجحاف در این موضوع بر دولت انگلیس میشود تا از جانه تحمل بیرون رفته بچنگ آفتزد - نرجال دولت انگلیس این نکات را نیکو دانسته همه قسم در خوشی ملت و تسکین و تسکیت شان تدابیر لازمه مینمایند - فرانس نیز برای حفظ منافع خود دامن بر

بدین سخنان در نطق خود جبری ساخت که (روسی که سابقاً ما خوف از جمله او بر هند داشتیم امروز آن روس نیست)

بر واضح است که سیاسيون روس برای نگاهداری هیبت و رعب خود که بصرف ملیونها قشون و عالم عالم نروت در قرون متواله حاصل کرده از هیچگونه اقدامی باز نخواهند ایستاد - این است که از آثار جنگ تاکنون بر آنچه درخور مقام این موضوع است اقدام ورزیده و هر قسم تدابیر پلایکی ممکن بوده بکار رده که دولت انگلیس را دعوت بچنگ کنند تا فراسه از روی عهدنامه اقصای شرق مجبور بشرکت و حمایت روس گردد - آلمان نیز چنانچه نوشتیم عقبانه معاهده در همراهی روس نموده است -

حرمکت جهازات گزیده روس (پتسبرگ) و (اسمولنکس) و گرفتاری جهازات تجارتی انگلیس و تلافی آلمان و سائر بهانه جوئیهای سیاسيون روس در طایفه اشیا منوعه جنگ همه ناشی و مترشح از این مقصد است - دولین فرانس و انگلیس که امروزه چه در تجارت و چه در عمول و چه در قوای جنگی و چه در فود و روسخ سیاست رشته صلح و جنگ اروپا را در کف دارند بی بدین نکنه و خساره عظیمه که بر آن مرتب است برده با جمیع تدابیر خویش بر ضد آن ایستاده برداشت زیادتهای رنگارنگ را بر دشواریهای گونه گونه جنگ ترجیح میدهند

یکی از سیاسيون میگوید که دولت آلمان سی سال است در مابل مصارفیکه در اوردیاد قشون و قوای حربی خود نموده مانده حاصل نکرده است - و تا وقتی که مجدداً در میدان جنگی عظیم پای ننهد و دود دریای خون غوطه ور نگردد منافع سیاسیه را که سالهاست مدنظر دارد حاصل نتواند کرد - بلکه چون مستعمرات آلمان قابل و مداخل آن نیز کثیر نیست و تجارت او در پایه فرانس و انگلیس و امریکا نمیشد و عابای وی چندان تحمل اذیاد مصارف قوای حربی را ندارد و هرگاه فتوحات عظیمه که احتیاجات سیاسی او را کفایت کند حاصل نه نماید لامحالہ بدین عظمت و وقار و اسم و رسم باقی نتواند ماند و چون دولت ابطالی اندک اندک در درجهائی دوله بشار خواهد رفت - ازین رو دولین آلمان و روس در مقاصد مختلفه خویش که امروزه یک راه و

کر زده بوسیله روس را باز میدارد و از طرف انگلیس را از قاطب و حلیه جنگ عمومی متنب می سازد بر عکس آلمان آنچه میتواند روس را بجنب عمومی تشویق نموده در باطن برای برانگیخته گی انگلیسان نیز از اقدامات مجدانه فارغ نمی نشیند

بالله هنوز توجه سیاسیون از جنگ دولتی انگلیس و روس مرتفع نشده و ملت انگلیسه از آن جوش و خروش نیوفتاده و دولت روس نیز جواب شافی که ملت انگلیسه از او قانع شود نداده است - از طرف دیگر دولت انگلیس بتدارکات استدانی جنگ اقدام کرده از هر طرف به تهیه جہازات جنگی فرستادن در مقابل دستة جہازات باتیک است

(مستر بلفور) صدر اعظم دولت انگلیس در نطق خود ظاهر داشته که چون امیرالبحر روس در اظهارات خود چنین بیان نموده که بین دستة کشتیهای گیران دو جہاز موشک بود که بر ما حمله نمودند و بناچار ما برای دفاع چنین حرکت را مرتکب شدیم لازم آمده که تحقیقات این امر بدوا از جانب نالی بشود و همین هیئت محققین از جانب مجلس صلح عمومی (هک) باشد بهتر است

دولت روس هنوز اقرار نه نموده که در صورت ثبوت جرم او تکالیف اربعه دولت انگلیس را تسلیم خواهند نمود - و معلوم نیست - دولت روس رضا بحکمیت نالی درین موضوع شود - و هیئت محققین که مستر بلفور گفته که باید از جانب مجلس حکمیت (هک) مقرر شود قبول کند - فقط از تکرافات همین قدر مستفاد می شود که دولت روس حکم داده که تا مدت پست روز برخی از کشتیهای جنگی (باتیک) دو (دیگو) برای تحقیقات لازمه توقف نماید

(مستر بلفور) در نطق خود اشاره می نماید که تا جائی که هنر قومی مان را حلی نرسد از جنگ قاعد می ورزیم - و این جمله جہازات جنگی روس توقیر و هنر قوم ما را در انظار است و نابود نموده - این تقریر با کمال خوش بیانی ظاهر میدارد که اگر دولت روس بتدارک تحقیق جرم تکالیف اربعه انگلیس را صکر کردن نهد انگلیسان با کمال بی میلی بجنبک مبادرت خواهند نمود - و گمان نمیرود که تکالیف شاقه انگلیس را با آن همه متناصد سیاسیة که در طی آن اقدامات روسها داشته منظور شده تسلیم شود مگر آنکه عوائق و موافی پیش آید که

امروزه در تصور و نظر جلوگیری نیست امر دیگر که وقوع جنگ انگلیس و روس را حلی قوت میدهد همان مباحثات مجلس (دی قنس) و مجلس دفاعی است میباشد - اعضای مجلس مذکور اظهار داشته اند که لارد (پکر) سہ سالار هندوستان را در میدان کابل و قندھار با جازہ امیر افغانستان در مقابلہ با روس صد و پنجاه هزار قشون و اختیارات کامل باید داد - و در بارہ ساز تدارکات جنگی نیز بحث شده است از انعقاد مجلس (دی قنس) لندن ہر گاہ مقرون بصواب باشد و نکته اہم ظاہری شود (۱) آمادگی دولت انگلیس برای جنگ چه تا کنون در مناقشات روس و انگلیس مجلس دیفنس بدین صراحت بحث نموده بود -

(۲) ہر گاہ جنگ بین انگلیس و روس واقع شود در آسیا اہم ترین میدان سرحد افغانستان خواهد بود عقیدہ شخصی ما اینست که با این همه شد و مد فعلاً جنگ بین انگلیس و روس واقع نخواهد شد - میاموی انگلیسان برای مرعوب ساختن خصم است و طاقت با آن گذشتہائی کہ دولت انگلیس در اینگورہ مواقع اردوی عقل و سیاست بارہا بروز داده ازین اجحاف و زیادتی نیز خواهد گذشت

از آنراہی کہ دانشمندان مال ادیش در موقع سلم تدارک موقف جنگی بیند و در تحت فکر دفع علل میکنند دولت ایران راست کہ جنگ روس و انگلیس را از امروز شدہ انگاشته خود را برای پیش آمد چنان روزی مستعد دارد چه ارمساہات اولیہ جنگ روس و انگلیس در وسط آسیا برای ہند است نہایت وقت آن را معین نمیتوان کرد و ہر آن وقوع آن را مترصد باید بود

علی ای نحو کان ہر گاہ جنگ متصورہ واقع شود افغانستان شامل و مبتلا بمذاقہ و مهاجہ خواهد بود چہ بچند جهت کہ ذکرش ازین موضوع خارج میباشد مجبور است - و ازین جہت بود کہ مرحوم امیر عبدالرحمن خان و الاحضرت امیر حبیب اللہ خان ہمہ تن مصروف تدارک مذاقہ و تیبہ مهاجہ بودہ ، هستند

دوات ایران در صورت وقوع جنگ مجبور دو شمولیت وعدم آن نیست ہم میتواند بی طرفی اختیار نماید و ہم قادر است باینکہ از دولتی متعارضین اتفاق کرده شامل در جنگ شود - مسلم است صرف دولت ایران در صورت وقوع

جنگ بین روس و انگلیس بی طرفی است مشروط بر اینکه کاملاً استعداد جنگی و توبه منافی و تدارک مهیا باشد و دیده باشد دولت ایران در این جنگ اگر بی طرف ماند و تدارکات کافی برای خود دیده باشد و رجال با دانش و سیاست موقع شناس در صدد جلب منافع دولتی و فواید ملتی باشند باز اندازه قنده حاصل تواند نمود بلکه در جنگ برای آنان حاصل نگردد. ولی هرگاه استعداد دفاع نداشته تدارک مهیا ندیده باشد اهم برایشکه شامل در جنگ بشود یا نشود ضررهای بزرگ قاحش خواهد یافت که بیانش فعلاً از موضوع ما خارج است رجال دولت عاید ایران راست که ابداً بوعدهای شهادت همایگان و مواعید غدارانه فریضندگان فریب نخورد و مساعدات ناپلیون را برای حمله برهند و وعدهای انگلیسان را در ترك اتحاد و دوستی با ناپلیون که هیچ يك امانه نمودند فراموش نکنند. فرنگان عموماً بسهود و موافق خود تا وقتی پای بندند که اضراس خودشان مربوط بآن باشد. رجال دولت علیه باید از امروز با کمال سرعت در تکمیل اداره حربی خود و لوازم مدافعه بکوشند که بقای قومیت و استقلال سلطنت و عزت ملت و دولت منوط بر این قوه است و یقین بدانند که اگر ترك مسلک صلح خواهی حکم طار و تنگ و ذات ما هم از روی برخاسته نه نایم در فشار دو همسایه قوی خود که بچنگ مشغول خواهند بود واقع خواهیم شد. چه جنگ دولتین انگلیس و روس در آسیای وسطی از مسائل مسلمه است که جمیع موشکافان سیاست حتمی الوقوع تسلیم کرده اند و همه متفقاً میگویند آن روزی که در وسط آسیا سیلابهای خون جاری شود و از کشته ها پشته ها ساخته آید نزدیک رسیده هرگاه عوائق روزی چند این جنگ را معطل وارد یعنی تا خانه جنگ اقصای شرق معوق ماند پس از جنگ ژاپون اهم برقع و شکست روسیان سرعت باد و برق با کمال قوت خود بمجانب هند خواهند تاخت. تا قصاص از رقیب گرفته تلافی طاقات نموده شاید بتوانند جا خالی نقصانات اقصای شرق را بر نهند پس ایرانیان را لازم است این مزقع اهم که برای بدست آوردن ممالک از دست رفته و غنوک و عظمت

نا بود شده شان بهترین موقع است از دست نهند که ازین و بعد آمانا چنین موقع نیکو دست نخواهد داد. و خدای اخواسته هرگاه مثل سابق اداره حرب و کارهای لشکری را مهمل گذاریم در این جنگ چنان در فشار دو همسایه خود سائیده شویم که جز در تاریخ اسی از ما باقی نماند. جنگ ژاپون و روس و ترقیات اداره حربیه افغانستان اگر ملرا باز بهوش نیارد و از خواب غفلت بیدار نکند یقیناً تا روز رسوخیز ازین بوم ذات و مسکنت سر بر نخواهیم داشت

این امر تسلیم شده حکم در صورت حمله روی بر هندوستان اول منزل افغانستان خواهد بود چون از روی معامله دفع دشمنان خارجی افغانستان بر ذمه انگلیس است گویا مقابله روس با انگلیس را اول منزل سرحد قندهار خواهد بود. هرگاه افغانستان تسلیم نکند لابد است دفاع از حملات انگلیسان با روسی نماید و هرگاه چنانچه مضمون است با انگلیس هم آنگ شود حملات روس را باید جواب گوید. البته این يك برای افغان سهل تر است چرا که انگلیسها در این موقع از بذل هیچ شیئی در همراهی با افغانه دریغ نخواهند داشت و یقیناً روسها هم بدوا در جلب قلوب افغانه و همراه ساختن امیر با خود از هیچ چیز مضائقه نخواهند ساخت. ولی آنچه را افضلان بدو محتاج اند زاید بر آن را روسها خود محتاج ببری اند و کان آن در نزد انگلیسهاست یعنی پول و اسلحه جدید. لذا همراهی انگلیس با افغان زودتر او را قوی می سازد. ولی فواید ملکی از برای او ابداً مقرب نیست و در صورت اتفاق بارهس شاید بمضمون باد آورده را باد برد بعضی مواعید استملاک نیز با افغانستان داده شود. در هر صورت اهم از قلع و قمع سلطن امیر مجبور است بشمویت در جنگ خواه بدرشق باشد یا آشتی. این بود که امیر شوقای افغانستان از روی مال اندیشی چنین روزی را دیده قوای حربیه خود را پیش از گنجایش خاک و رطایب خود تکمیل نموده امیر حلاله نیز پیروی از خیالاته واد با بیسایت خود کرده بر لزوم قوای حربیه خود انزوه می افزاید. چنانچه بتازگی بنامه هزار نفر از طایفه افریدی واکه

دولتین روس و انگلیس بخوانند بیکدیگر نزدیک شود
مجبور اند در طی نمودن تالک افغانستان

بعد از میدان خونخواره (شاهو) تاکنون جنگی
که دارای اهمیت باشد بین لشکریان روس و ژاپون
واقع نشده و هر یک در استعداد جنگی و تدارکات
حربی ساسی و جاهدند اگر چه قشون ژاپون تا
امروز در هر میدان شاهد فتح را در آغوش کشیده
ولی در جنگ (شاهو) استقلال واستقامتی از روسیان
بروز کرد که شایان همه قسم تمجیدند. آنچه به تفریق
بیوسته و سمت رسمیت پیدا کرده قصصات روس
از تاریخ نیم تا هجدهم مه چهل و پنج هزار و هشت
صد بوده و خسارت ژاپون اضافه بر بازده هزار بیجاه
هزار قصصان در یک میدان خیلی عظیم و بزرگ و
برای توحش خاطر و نشئت شعل یک اردو کافی
تواند بود. مع ذلک اهدا در عزم جنرال (کروپاتکن) و
استقلال و قوت قلب لشکریان روس فرقی نمایان نیست
و پیش از پیش در کین تیزی و خصم افکنی سعی و
جاهدند.

درین میدان نیز جنرال (سکروپاتکن) با کمال
مهارت و شجاعت خود و قشون خویش را از محاصره
خارج نمود. چون قصصات روس زیاد شد و اسپر
بسیار و غنایم بی شمار ژاپونیان را بدست اوقاد -
جرائد اروپائی چندان از وضع فرار جنرال (کروپاتکن)
تمجید و تعریف نه نمودند.

قدون کمک بجنرال موسوف در (مکن) متوالیاً
رسیده و میرسد. یکی از جرائد انگلیسی می نویسد که
باندازه لشکر روس دو (مکن) جمع شده اگر این
نوبت شکست بیفتد فرار آن همه قشون با آن همه لوازم
دشوار بلکه محال است.

بالله جنگی که فعلاً در پیش است جنگ (مکن)
است و اگر روسیان در این میدان شکست بیفتد بناچار ترک
(مکن) را گفته راه تیانگ وهارین را پیش خواهند
گرفت و گمان نمیرود روسها در (مکن) بتوانند
کاری از پیش برند.

یکی از تدابیر ژاپون این است که بامتنهایی
مهارت تدارک زمستان را برای لشکریان خود
دیده و قه را در جنگ منقضى و لغت و سیاست ندانسته
است دولت روس را یقین کامل بود که موسم زمستان

اشجع طوائف سرحدیاند در قشون خود شامل نموده
و تا اندازه این خبر و سائر اخبار تدارک تدافیه و
تیهاجیه افغانستان انگلیسان را نیز مشوش و بنیال
انداخته است. ازین دو روزناجیات انگلیس درین موضوع
مقالات مختلفه می نگارند. و مقتضای همین نکات است که
مستر (دین) وزیر خارجه هند با جماعتی از رجال با
والس و سیاست عنقریب بکابل رفته تا معاهدات
جدید با افغانستان به نماید. در زمان امیر عبدالرحمن
خان که هیئت کیسیون بریاست مستر (دیورند) وزیر
خارجه سابق هندوستان که چند سال نیز سفیر ایران
بود بدربار کابل رفته معاهدات جدید نموده از روی همان
معاهده عمالک و طوائف سرحد به تحت حکومت
هند آمد. و الحاق برای حکومت هند منافی بسیار عظیم
دست نداد. و از همان سال مدد خرجی که دولت انگلیس
به افغانستان سالانه یک میلیون و دویست هزار روپیه
میداد یک میلیون هشتصد هزار روپیه کرد. درین موقع
هم البته برمدد خرج افغانستان مبلغ معتدیه خواهند
انزو و نتیجه این کیسیون برای افغانستان پیش از کیسیون
(دیورند) است و انگلیسان نیز پیش از آن منتفع
خواهند گردید. چه این موقع اتحاد با افغانستان برای
انگلیس واطمینان از آن سامان زاید بر آنچه تصور شود
دولت معارالیهارا نافع میباشد. این است که انگلیسان
امیر حبیب الله خان را راضی نموده اند که بعد از آمدن لارود
کرزن فرمانفرمای هند از لندن امیر عنایت الله خان فرزند
ارچند خود را که شانزده مراحل زندگان را طی کرده
(راولپندی) برای ملاقات فرستد.

سردار نصر الله خان که دومین پسر امیر مرحوم است
و برای ملاقات ملکه متوفاه انگلستان بلندن رفته بود
برای ملاحظه استحضات جدید و قلاع سرحدیه
قندمار. هرات. ترکستان. بدخشان و غیره از جانب امیر
مأمور شده (هرگاه قصی در امور سرحدیه و اداره
حربی ملاحظه نماید به نیکوترین وجهی تکمیل نماید
بالله افغانستان بواسطه تدارکات جنگی واستعداد
مدافیه که حاصل نموده در جنگ آسیائی دولتین روس
و انگلیس را بخود محتاج ساخته هرگاه موفقی او را
حاصل بود که میتواند در جنگ دولتین روس و انگلیس
بی طرفی اختیار نماید زیاده بر حد تصور فائده حاصل میگرد -
ولی چه توان کرد که در موفقی واقع شده که هر یک از

جنگ ملتوی مانده ندارد که کامل ناموس بهار تواند دید
 زایون بدین جهت جنگ را در زمستان ملتوی
 نکرد که حمل قشون و نقل لوازم جنگ بذریعه راه
 آمن در موسم سرما نیز چندان برای او دشوار نیست
 ولی برای روس در زمستان رساندن حواجج و قشون
 کک از راه سایبریا دشوار بلکه محال است. سال گذشته
 با این که جنگ در اواخر بهار آغاز شد در طریق راه
 آمن سایبریا شدت برودت و برف جوی از لشکریان روس
 را صدمه رسانده تلف نمود از (توکیو) تا (ایاوائیک)
 بلکه در تمام منچوریا زمستان به شدت و سورت
 (سایبریا) نمیشود این نکته نیز یکی از تأییدات طبیعی
 است که درین جنگ ژاپون رسیده است

مناقشات انگلیس و روس هر قدر بیشتر شود اهم
 از اینکه منجر به جنگ بشود یا نشود ژاپون را مفید
 است. چه از یکطرف حواس خصمش پریشان شده
 از طرف دیگر التوای جهازات جنگی (بالتیک) در
 بندر (دیگو) اسباب پیش رفت مقاصد ژاپون در
 میدان جنگ میگردد. اخبارات انگلیسی کلبه سخن
 از منع حرکت جهازات (بالتیک) بجانب اقصای شرق
 میگویند. بعینست این مناقشه عاقبت منجر بدین نکته
 نیز بشود. و هرگاه جنگ در این مقدمه موضوعه
 بین روس و انگلیس پیش آید از موضوع معاهده سوق
 عسکری انگلیس و ژاپون بیرون است. چه معاهده
 سوق عسکری ژاپون و انگلیس محدود بمناقشات
 اقصای شرق است و این مناقشه در خارج و از
 موضوع آن معاهده خارج میباشد

بندر (آرتھر) را ژاپون تاکنون منصرف نشده ولی
 بر محاصره او خیلی افزوده است اگرچه اندک اندک
 پیشقدمی کرده بعضی استحکامات و تالاع و در نزدیک را
 متصرف میشوند. ولی از سخنان (بارن هیاتی) سفیر
 ژاپون ظاهری می شود که ژاپونیشان از تسخیر بندر
 (آرتھر) به پیش چشم پوشیده مهم مدد
 محاصره را طول داده تا زورگرستی بر فو. - مصورین
 غلبه کرده خود بخود تسلیم شوند. و گو آن روز
 نزدیک رسیده چه آب خورک مصورین منحصر بچند

جاه عنین شده و کفای احتیاج آنان را هم نتواند
 کرد. و خوراکیان هم با آخر رسیده بیضه مرغ مانده
 يك رویه و گوشت خر رطلی پنج رویه روزانه چند
 خرگشته. گوشت آنها را بامنه ای کفایت شعاری بمصرف
 قشون می رسانند مسلم است که این ایام را چندان دوام
 و بقا نمیداشد استقلال قشون روس و استقامت و
 قوت قلب جنرال (استاسل) عالی را بحیرت انداخته ولی
 چه قائده که رساندن کک از جنرال کروباکن برای
 استخلاص بندر (آرتھر) ظاهرا مشکل است فقط نجات
 مصورین منوط برسیدن جهازات (بالتیک) و شکست
 دادن و دور ساختن قشون ژاپون از آن نواح است.
 با این عوائقی که برای جهازات (بالتیک) پیش آمده
 چهار ماه طول خواهد کشید تا در دریای اقصای
 شرق داخل شود. و مسلم است بمجرد ورود ژاپونیان
 عقب نخواهند نشست فرضا که غلبه بر ژاپونیم بشود
 ناوقتی که ژاپونیان را از دور بندر آرتھر خارج نمایند
 اقل دو ماه طول خواهد کشید. گمان نمیرود که
 مصورین بندر آرتھر بتوانند تا شش ماه دیگر خود
 داری کرده بندر مذکور را محفوظ دارند هر قدر حرکت
 جهازات (بالتیک) گرم تر شود و ایام ورودشان در
 اقصای شرق نزدیک گردد شدت حملات ژاپون بر
 بندر مذکور شدیدتر خواهد گردید

استدعا از وکلای محترم

بواسطه حدوث حادثه فوق العاده شماره های سی و
 هشت و سی و نه و چهل و چهل و يك و چهل و
 دو و چهل و سه و چهل چهار مفقود شده و از
 هر يك مد نسخه دوکار است هر يك از وکلا هر قدر
 بتوانند نسخه های مذکوره را بدست آورده ولو
 با بیع از مشترکین محترم باشد بداره ارسال دارند

(منیجر)

قصیده تهنیت

این قصیده فریده و نشیده برگزیده را ادیب لیب
 شیرین کلام قریب الحاقان میرزا حسین خان اصفهانی متخلص
 به (دانش) در تهنیت عید سعید مولود خسرو دارا دربان
 شاهنشاه معارف پرور سلطان عدالت گذر ولینمت اعظم
 اعلی حضرت اقدس سلطان ابن السلطان مظفر الدین شاه خلداده
 ملکه و سلطانه و ابدانه چیده سروده. - جلاب. - مطلب حاجی

چهارمین شماره (۱۳۲۲) - روزنامه - اکتوبر (۱۹۰۵) صفحه دوم

چنانچه علی آقا ناصر خراسانی با اداره ارسال دادند بپای
 تریب و زینت صکحات نامه مجلس سلطنت هر چند در
 وسیله وقت گذشت است ولی چون در نهیبت عید مولود
 ولی نبوت کل ایرانیان است برای شاه پرستان کهنه نیست

▶ چکامه ◀

❖ مکر امشب همه مولود همه جباه است
 ❖ سبکه بنیروری و اقبال ظفر همراه است
 ❖ یا که این عکس لقلای خوش ظلاله است
 ❖ بهجت انکیز و مبارک اثر و هم کله است
 ❖ (همه بر کام دل شاه فک حرگاه است)
 ❖ (مالک الملك مجسم خسرو نیکو اختر)
 ❖ دین و دولت بشهنشاهی او خرسند است
 ❖ ملک و ملک بخداوندی او پادشاه است
 ❖ بی نیازی بدوش بنده خواجهمندست
 ❖ جل القبالش با تار بقا پیوندست
 ❖ (بخداوند سماوات و زمین سوگندست)
 ❖ (که ترق است مپون عزم ده داد آورد)
 ❖ خسرو داد گر با گهر شاه نژاد
 ❖ ملک پر هنر تا حور پاک نهاد
 ❖ مظهر عدل جفا کان سخا مصدر داد
 ❖ وارث ملک همه شاه جهان خسرو داد
 ❖ (شهریاریکه چو پا بر نو بر تخت نهاد)
 ❖ (طالع دولت جشید زاده او مادر)
 ❖ کجبدان سکه لوزن دیر فنا بگذشتند
 ❖ حوب و بد تخم و قوعات بسالم کشتند
 ❖ وقتی این خاک نم آلود خون آغشتند
 ❖ با در این عرصة ایجاد گلی برشتند
 ❖ (خرم آناه که خود نام نکون هشتند)
 ❖ (سکه بنیکو روشی جله بد هرند سر)
 ❖ بوزیرت همه شوکت و اقبال دول
 ❖ بوزیرت سر ارازی اقوام و ملل
 ❖ بوزیرت اسکر عقده متکل شایه حل
 ❖ و وزیرت اسکر اسر وطن شد مهمل
 ❖ (ز وزیرت هم از نظم جهان شد مختل)
 ❖ (او وزیران بد آموز شهتاز است خطر)
 ❖ هر وزیری که بود خویش رست و حور دوست
 ❖ ملک و ملک و رهبر را بدخواه و عدوست
 ❖ هر چه اندیشه شریست اگر چند نکوست
 ❖ کان فرومایه اسیر شکم و مرج و کلوست
 ❖ (دشمن خالق و خلق از نگرایی خوب خوداوست)
 ❖ (دست شکوای جهان دوست به زدان بکسر)
 ❖ در سیر در فکر از سیرت سلطان محمود
 ❖ این که بپنشنده و والا گهر و با ذل بود
 ❖ با وجودیکه بدن مایه بدش مایه بود
 ❖ چون حسن اسم و زرش حسن الرسم نبود
 ❖ (آنگه را خواست عطا کرد چه او بخل نمود)
 ❖ (اسم خسرو بیدی وقت بر او واقی سیر)
 ❖ نیست هم در همه ایران نبود کر پارکی
 ❖ پادشاه بهر سیاست جهان بیستورکی
 ❖ (خواهش تمام به کجوت و خواهی ملوک)
 ❖ که غن زنده سکه بخوری و بولتورکی

(زابونیوار بهم دو شکند استلوسکی)
 (شه گریست چون صدر بهیضایت گستر)
 ❖ حای ملک و علل سکف امان میراجل
 ❖ ناظم اسر وطن مردمک چشم دول
 ❖ قطط خانه او خال رخ حسن عمل
 ❖ رقم زما لو سر خط طلومار اصل
 ❖ (تاکنون تکیه نزد تخت بصدوی اسکمل)
 ❖ (او که از عین دول آصف دانش پرور)
 ❖ شاهرا باید این گونه وزیری آگاه
 ❖ که سرا یلی وجودش بود آینه شاه
 ❖ خاصه این شه سکه بود دادگر و ظل الله
 ❖ مددک گستر و دین پرور و اسلام پناه
 ❖ (پادشاه داد وزیری سکه بود دولتخواه)
 ❖ (نه وزیری سکه کند حسن ملک را مضیر)
 ❖ ملک را خاصه مشیری است بسی با فرهنگ
 ❖ که سپردست بدستش علم صلح و جنگ
 ❖ در سیاست بکند مرکه بر دشمن تنگ
 ❖ هم ز تدبیری این دوستی فرس و فرنگ
 ❖ (شاه را او بودا رسکن رگین اورنگ)
 ❖ (میر آزاده شیم داور فرخنده اثر)
 ❖ چه مشیریت که آینه او صلوات شاست
 ❖ مصدر داد ملک مظهر انصاف شه اسیر
 ❖ باطن و ظاهرش آراسته ز الطاف شاست
 ❖ هر کهوصاف و راست اوچه و هالف شاست
 ❖ (دل سیقل زدهاش آینه صاف شه است)
 ❖ (توفی ای میر اجل خلعت ورا مظهر)
 ❖ جانشینی چو تو برداشت سفیر ایران
 ❖ بخرد و حافل و کلد آگه و کانی و جوان
 ❖ که بدانت کالات خود ازنت میان
 ❖ پیش افکار بلست همه دشوار آسان
 ❖ (دگران اسم و تومنی دگران جسم و توجان)
 ❖ (به بییمان وطن مهر تو چون مهر پدر)
 ❖ آن چه فرست که در سیرت و سیمای تو نیست
 ❖ وان چه فرست که پیدا ز سر پای تو نیست
 ❖ وان چه تشریف لیاقت که بیالای تو نیست
 ❖ همکان را سر بنشین بر جای تو نیست
 ❖ (زانکه دانند که کس مهر و همتی تو نیست)
 ❖ (ای که هر لحظه بر این بنده تو لطف دگر)
 ❖ سر و راه مهر تو دیریت که باشد دینم
 ❖ راه دیگر نتوانم پس از این بگزینم
 ❖ همه دانند تو را بندگیست آیینم
 ❖ گرچه او مدح و ثنا مغزرت می یلیم
 ❖ (چون کنم مدح تو آفاق کند تحسینم)
 ❖ (درج اقبال وطن را توفی از زنده گهر)
 ❖ تا جهان هست پیا شده جهان بینم باد
 ❖ خاطر آواد و روان شاه و دلش خرم باد
 ❖ بیدر فرخنده سحر و عظمت اعظیم باد
 ❖ شوکت و شائنی ازین پیش و عدویش کبر باد
 ❖ (دهر بر حکام دل پادشاه عالم باد)
 ❖ (تا هم و شائنی دهرست پیا بی بگردد)

استرآباد

(وقایع نگار اداره مینویسد)

ار تاریخ پشم شهر جادی الاولی مرض (کلرا) در شهر استرآباد و اطراف آن بنوعی اشاعت یافت که کویا روز رستخیز بیا گردید - واقعا کویان هرکس بطرفی قرار نموده چشم از خانه و اموال خود میپوشید غیر از فکر جان خود هیچ خیالی نبود در این همصاات حساب جعفر قلیخان سرتیب فوج شرفی از راه خدمتگذاری و نوع پرستی در راه دولت و ملت بوظیفه اسابت قسام نمود و بیش از حد تحریر حکمرمت در خدمات ست و قدم از دروازه شهر بیرون نگذارد و عبرة لاناظرین گردید - حسب الامر حکومت سرباران خود را متفرق جبهه حفظ و حراست شهر ، اطراف آن ساخت - قسمتی بکنید قابوس فرستاده چند غری جبهه حفظ قراقرم به بندر جز رواء عموده و قسمت دیگر محافظت اردک و دیوانخانه حکومتی گماشت ما بقی فوج در بیرون دروازه اردو زدند که در موقع لزوم حفظ شهر و اطراف آرا بخایند - همه روزه جناب بهاء الاطباء را همراه خود محض سرپرستی بمرضای فوج و تسلی محنت مندان فوج و دستور العمل و تربیت حفظالصحة آنها باردمو میدرد - و تمام مخارج دوا و غذای آنها را از جیب قوت خود میداد مبالغه حطیری مصارف و مخارج مرضای فوج نموده و بقدری ایستاده کی و کوشش کرد تا همه آنها شفا حاصل نمودند و بدعاگویی ذات اقدس هیون شاهنشاهی مشغول شدند و بمحمدافه الیوم تسکین فرقه شهر رحب میباشند عده اموات به پنج نفر رسیده آنها از بقیه مرضای قبل میباشد امید است که دیگر آری از این مرض منحصوس در شهر باقی نمانده باشد

محض آگاهی و اطلاع بعضی از احالات و خدمات این شخص غیور دولتخواه ملت پرست آنچه را نگارنده از زحمات و خدمات و ریاضات معزی الیه مسبوق است مینگارم - حسب الامر شاهنشاه شهید نورافه مضجعه آقای جعفر قلیخان در سنه ۱۳۰۳ با سه نفر از جوانان مستعد جبهه تحصیل علوم نظامی مأمور بقیام اسلامبول گردید و در پرتبه ۱۳۱۱ تاریخ التخصیص گفته بمنصب پلوری اول مفتخر شده در مدرسه مبارکه نظامی

مشغول بتدوین شد در سنه ۱۳۱۲ بمنصب سرمنشی ارتقا عجت در سال ۱۳۱۴ که اعلیحضرت هیونی بخت سلطنت جلوس و تاج کیسانی را زینت بخشودند معزی الیه را بمنصب سرتیبی و ریاست فوج اول بهارلوی آذربایجان برقرار فرمودند در سنه ۱۳۱۶ سرتیب مشارالیه از فوج مذکور استعفا داده در مقابل خدمات صادقانه او در سنه ۱۳۱۷ به تصویب حضرت والا سپهسالار اعظم سرتیب مستقل فوج شرف مقرر و از آن سال تاکنون یکسال در شاهرود و نظام و یکسال در استرآباد مشغول بخدمات نظامی است - و بقسمی صاحب منصب و سرباز را تربیت کرده که از هیچگونه خدمات دولتی و جان فغانی روی گردان نیستند و واقعا باید ابرایان دولت خواه تفکر مخصوص از شاهراده سپهسالار نمایند که این نوع صاحب منصبان دولت و ملت پرست را حاطل و باطل نگذاشته و خدمات نظامی را باین گونه اشخاص مرجوع مینمایند و امید است که اگر باین شیوه مرضیه همیشه رفتار شود در ب سعادت و ترقی برای کلیه نظام دولت علیه ایران باز گردد

ملاحظه حال شرق و غرب

(شماره ۴)

(ج) فقر و قافه و مسکنت و ابتلاء بلواع ذلت و فلاکت - زیرا حکه ثروت و دولت از علم خیزد - مکت و بضاعت از دانائی ناشی شود - منابع ثروت امروز احداث فابریک تأسیس کارخانجات وسعت تجارت کزیت صنایعت امتداد زراعت و قلاحت اختراعات قییه و بی شبهه همه این منابع از علم ناشی میشود و چون جهالت ملتی را احاطه نمود از این همه بازمانده لوازم و ما محتساج خود را مرتب نتواند نمود تاچار بمل دیگر محتساج و آنچه اندوخته از حکتش بیرون شود - پس فقر و احتیاج دوچار و اسیر قلاصکت و ادبار گردد - بک ملت و مملکت را غنی گویند زمانی که در لوازم همیشه و احتیاجات حیات انسان مجبوراً محتساج بملتی دیگر نباشند - نذاریکات داخلی و قا بمخارج شان نباید و کافی منابع آنها باشد زراعت بحد کافی محتساج باندازه لزوم معادن بقدر نتاجت در خود مملکت

میا و موجود باشد - و گرنه چون در تدارک ضروریات
محتاج بخارج شوند و از عهده ترتیب همه احتیاجات
بیرون آمدن نتوانند آن ملت را باید فقیر خواند و محتاج
دالمت اگر چه فعلاً دارای ثروت فوق العاده نیز
باشند - امروز ما ملل مشرق همی بملت جهالت و
بیعلمی از ترتیب هر گونه لوازم زندگی باز مانده ایم
تدارکات ما رافع نصف بلکه ثلث احتیاجات ما نتواند
بود با اینکه دست قدرت الهی در این سر زمین هر
گونه نعمت بودیم نهاده و انواع لوازم را در روی
زمین و طبقات تحتانی آن آفریده اراضی خصبه قابل
هر گونه زراعت و محصول فراوان - معادن غنیه از
هر قسم فلزات پیدایان - هوای سالم و دلکش روح
افزا - آبهای شیرین صاف و کوارا ولی چه سود که
جزه عمده سعادت آدمی که علم است ما از فیض آن
محروم شده ایم - نیاکان گذشته ما در هزاران سالهای
پیش با میلیونها زحمت و تعب تخمهای ترقی امروزی
ما را جمع ساخته و فراهم نموده اند مزارع زندگی
فرزندان خود را شاداب و سرسبز کرده تا احوال
امروز نمره آنها را بچینند و بیخ و بوم و حرمی
بگندانند - از درختان تمدن که با مرارتهای بیشمار
سکاشته اند میوه شیرین بردارند - اما افسوس از این
فرزندان ناخلف که دست بخت بدوان با شرف را بساز
ناگامی دادند و زحمات نیاکان را هباء متورا نمودند -
از جهالت و نادانی آتش در حرم آن همه محصول
زده طرفتالمینی از صفحه هستی محو و نابود ساختند
و با ارة ضلالت و غوایت نهال برومند ثروت را قطع
ساخته خود را از نعمات لذیذ آن محروم نمودند
پیمان حیات را که برده ایم مشیده استوار بود لحظه طالبها
ساقطها کردند و در عوض پایه بر روی آب نهادند این
همه زاده جهالت است (حتی اذا اخذت الارض زخرفها
و از نیت و ظن اهلها آیم قادرین علیها انما امرنا
لیلا اوتیاراً فبطنانها حصیداً خادماً کان لم تفن بالامس)
چه خوب میگوید یکی از شعرای همین سر زمین
(بدم روضه رضوان بدوکندم فروخت)
(تلطف باشم اگر من میروی قروشم)
(د) برب جوردن و بلام مکر و شید و شبکم
عجب و نهنگی تادین و باجارت بدیرو بندی دانم

گرفتار شدن و بظواهر کلمات شیفته شدن و بنگار و تکرار
دشمنان منور و مفتون گردیدن و بسطح سخنان
از تعمق و غور رسی باز ماندن و هر کس را چون
خود جاهل فرض نمودن این نیز از نشایج
بیبایی و بیدانسی و قلت تجربه است - اقوام غربی
در استکشاف وقایع تاریخیه و تجربیه برده اند ماضی مای
طولانی دور و دراز را بقوت علم و هائس و زور
جهد و سکوشش چنان معلوم و آشکار ساخته اند
که بمثابة زمان حاضر در مقابل انظار ما ایستاده سر تا
پای وجود خود را در معرض تماشای و نظاره عموم
نهاده است - آدمی که بدو جاهل و جز اندکی از زمان
که با او مصادف است مشاهده نمی نماید چون در دائره
معلومات تاریخیه قدم نهاد و اندکی مداومت نمود - نگاه
کمان میکند پرده از مقابل دیدگانش بر چیده و مرتفع شده -
زمان طولانی بسیار تمتد با هزاران هزار وقایع عجیبه
و حوادث غریبه و صنایع بدیهه و اتفاقات مضحکه و
منجبه لذیذ و موله و آثار نفیسه و خون ریزیهای
مدهشته موخته میلیونها عجایب و خرابی که همه زاده
دست انسانی است در برابر ابدان واه و حیوانات
خود نمانی وصف آرائی میکنند که از مشاهده این
همه اوضاع و احوال مدتی غرق حیرت و شگفتی شده
چون مردمان مفتون و ارباب جنون بهر سوی خیره
مینسجند و بر بهت و ولعش میفزایند - ولی چون
لحقی گذشت و بملاحظه آنها مأنوس و مألوف گردید با
وجد و نشاط تمام تلقی میکند اقوام گذشته را و در
میانخانه تاریخ دیدن مینماید و بالسان حال تحقیق احوال
و اوضاع و چگونگی زندگانی و وقایع ایام حیات و
عصر ترقی و هنگامه سکون و دوره تمدنی آنها را از روی
استاد جمال حقیقیه و اسباب واقعه ترقی و تنزل - و ال
نموده اجوبه شافی و کافی با براین حسی که از شایسته
کذب و خطا و سهو میری و امری است شنیده در
یاد داشت نامه خاطر ثبت و ضبط مینماید و از این همه
وقایع که متصل زمانهای ماضی را ارائه میکنند تجربیات
چندین هزار ساله و آزمایشهای قرون متوالیه حاصل
نموده دستور ایام زندگانی و نفعه حرکات و سکونت
خود قرار میدهد - و بدین است با چنین نقشه سکه
جیب خطوط حرکت هر نقطه و جهت را نشان میدهد

کتر سو شود یا فریب غول بیابان از راه به پناه
 کزابد و هرگز خود را بسرخهٔ ددان و وحشیان
 خاوه گرفتار سازد چه در دفتر یاد داشت خاطر صورت
 و هیکل آندان را برداشته و طریق دفع شائرا نیز
 نگاشته پس بر همان دستور عمل نموده خاطر را فارغ
 میسازد - ولی نادان بخرد که از اینهمه زمامهای طویل
 که از هر این کوه زمین ما گذشته جز چند صباحی
 از وقت که با خودش همراه است نمیداند و آنرا نیز
 که داد نه نظر عمیق است که از بطون وقایع و سلسله
 علل و اسباب ذاتیه مطلع باشد بر وجهی که بتوان در
 موقع استفاده نهاده از وی نتیجه حاصل نمود - بلکه
 ملاحظاتش سرسری و نظرش نظر اولی که نظرهٔ حقا
 خوانند - پس بالبداهه این چنین کسی در معرض ابتلاء
 است و بزودی دوجله خنده و دستان راه زنان و
 تبادان خواهد بود و مر او را هرگز خلاصی از این
 دستها میده نخواهد شد - و آن نیز بر دو گونه است
 یکی آنکه فریب اجانب را خورده بگفتار و کردار
 طاهری آنان منور میشوند و آن گروه را دوست و
 خیرخواه و بیخبر خالی از هر طمع فرض میکنند یک
 دفعه از خواب بیدار میشوند که کاروان رفته و آواز
 سرگشته تروت و عزت و حریت و استقلال و شرف
 و ملیت شان با پال سم سنور بیگانگان گشته بنفته از آسمان
 عزت بفر جاہ پستی و مذلت افتاده اند نه امید بجات
 و نه راهی بسوی استخلاص (ولات جنین نام)

دوم آنکه از خود هر قوم و ملت جوی مردمان شاید
 تلك طینت محض جلب منافع چند روزه بدستوری چند
 برخاسته هر يك طاقت از ساده دلان از جمیع دنیا
 بیخبر را با الفاظ خالی از معنی و حسن سلوک و فروتنی
 و سایر اسباب عام فریبی شایسته و فریفته خود کرده
 سد طریق مستقیم تمدن و تربیت را نموده خلق را
 اسیر اوهام و خیالات میبایند و دست مزد خود
 قرار داده ترونها را از گفشان ربوده بپارگان ساده
 لوح را سرگردان وادی نامرادی و حیرانی میسازند و
 ملت نیز بواسطهٔ جهالت قوهٔ میزه ندارند که در سد و
 نادرست را از یکدیگر جدا نمایند پس مدت العمر از
 هر شغل و عمل باز مانده گرفتار یک مذهب سخندان
 بجز میشوند و بیادست نتیجهٔ این کار چیست و این

راه بکجا منتهی میشود (بقی دارد)
 مقاله یکی از رجال دانش پژوه ازومینه
 در اصلاحات جدیده
 جناب مؤبدالاسلام - قبل از شروع بمقصود این
 نکته را عرض و خاطر نشان نمایم که این بنده شخصی
 هستم بیخبر و مقصودی جز خدمت بوطن و ابناء
 وطن نداشته و با اینکه پوست و گوشتم بزوردهٔ دست
 قدیم دولت قویم است ظاهراً رانم و مرسومی معین
 ندارم و اینها را محض این مینگارم که هرگاه در ضمن
 این مکتوب بحق و گفتگونی دایر بمواجب و مستمری
 نگاشته آید از شایبهٔ افراض نفسانی مبری بداید و
 چون نامهٔ مقدسهٔ حبل المتین بحقیقت سراق موصوف
 و تا بعدی با آزادی قلم معروفست خواستم از وضع این
 سامان نیز کلمهٔ چندنوشته بدارم بفرستم که بشد از جرح
 و تعدیل هرگاه منافی با دولت برستی و ملت خواهی
 ندانند در نامه گرامی درج فرمایند

از فراری که میگویند همت بلند شاهزادهٔ صدراعظم
 با اصلاحات جدیده دست زده اند ما هم این بشارتها را از
 زبان جراید داخله و خارجه می شنویم و بر نیات مقدسه
 مؤسس آن کارها و باری این آثارها که باعث احیاء
 نفوس دولت و ملت و سعادت و آبادی مملکت است
 نعت و درود فرستاده موقیت ایشانرا از حق تعالی
 سایل و آملمیم - لیکن هنوز درین ولایت ویران که در
 گوشهٔ از ایران واقع شده اثری از اصلاحات جدیده
 دیده نشده بلکه افساد است که از زمان قدیم به هر سو
 بوده و روز بروز زیاد میشود

و چون مقصودم تشریح این مطالب نیست و نکته
 علیحده در نظر است از این زمینه میگذرم - باری از
 جهت اصلاحات جدیده میگویند عمل مایه است و الحق
 این مسئله حایز رتبهٔ نخستین اهمیت است زیرا که سرمایه
 همه نیک بختها و امن اساس آبادی و وطن است و زمین
 است تا اصلاح مایه نمود اصلاح حالی امکان پذیر نیست
 اما درین ولایت هنوز از این رسم سوای اینست که
 حقوق عشق از رتبهٔ خواران دولتی که محتاج شام
 شب هستند و محالاً بدین اسم مقتطوع شده و بیچارگان
 بدبخت را کار بچکان و کاره پانتهخوان رتبهٔ خبری
 پست در حلقهٔ میگویند از نظر آن این حق نیست